

بررسی سیستم نظارت بانکی
در کشورهای منتخب با تأکید بر قوانین بانکداری

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۶۰۵۹
شهریورماه ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۲.....	۱. نظارت بانکی در آلمان
۳.....	۱-۱. تحولات تاریخی سیستم نظارت مالی
۴.....	۱-۲. ساختار نظارت بانکی
۶.....	۱-۳. برنامه نظارت بانکی
۷.....	۱-۴. مروری بر قانون بانکداری آلمان در مورد وظایف و اختیارات بافین
۸.....	۱-۵. جمع‌بندی
۹.....	۲. نظارت بانکی در ژاپن
۹.....	۲-۱. تحولات تاریخی سیستم نظارت مالی در ژاپن
۱۰.....	۲-۲. ساختار نظارت بانکی
۱۲.....	۲-۳. برنامه نظارت بانکی
۱۳.....	۲-۴. مروری بر قانون بانکداری ژاپن
۱۴.....	۲-۵. جمع‌بندی
۱۴.....	۳. نظارت بانکی در انگلستان
۱۴.....	۳-۱. تحولات چارچوب نظارت مالی در انگلستان
۱۶.....	۳-۲. ساختار جدید نظارت مالی در انگلستان
۱۸.....	۳-۳. برنامه نظارت بانکی
۱۸.....	۳-۴. مروری بر قوانین بانکی انگلستان
۱۸.....	۳-۵. جمع‌بندی
۱۹.....	۴. نظارت بانکی در ایالات متحده آمریکا
۱۹.....	۴-۱. تاریخچه نظارت بانکی در آمریکا
۱۹.....	۴-۲. ساختار نظارت بانکی

۲۱	۴-۳. برنامه نظارت بانکی
۲۲	۴-۴. مروری بر قوانین و مقررات بانکی آمریکا
۲۲	۴-۵. جمع‌بندی
۲۳	۵. نظارت بانکی در مالزی
۲۳	۵-۱. تحولات بخش مالی در مالزی
۲۴	۵-۲. ساختار نظارت بانکی
۲۴	۵-۳. برنامه نظارت بانکی
۲۵	۵-۴. مروری بر قوانین بانکی مالزی
۲۵	۵-۵. جمع‌بندی
۲۵	۶. نظارت بانکی در بلغارستان
۲۶	۶-۱. تحولات تاریخی سیستم نظارت بانکی
۲۶	۶-۲. ساختار نظارت بانکی
۲۶	۶-۳. برنامه‌های نظارت بانکی
۲۹	۶-۴. مروری بر قوانین بانکی بلغارستان
۲۹	۴-۵. جمع‌بندی
۳۰	۷. نظارت بانکی در افغانستان
۳۰	۷-۱. تاریخچه نظارت بانکی
۳۰	۷-۲. ساختار نظارت بانکی
۳۱	۷-۳. برنامه نظارت بانکی
۳۱	۷-۴. مروری بر قانون بانکداری سال ۱۳۹۴ شمسی
۳۱	۷-۵. جمع‌بندی
۳۲	جمع‌بندی نهایی
۳۷	پیوست‌ها
۳۷	پیوست ۱- بخش‌هایی از قوانین بانکی انگلستان
۴۳	پیوست ۲- بخش‌هایی از قوانین و مقررات بانکی آمریکا
۴۸	پیوست ۳- بخش‌هایی از قوانین بانکی مالزی
۶۴	پیوست ۴- بخش‌هایی از قوانین بانکی بلغارستان
۶۷	پیوست ۵- بخش‌هایی از قانون بانکداری افغانستان سال ۱۳۹۴
۸۵	منابع و مآخذ



بررسی سیستم نظارت بانکی در کشورهای منتخب با تأکید بر قوانین بانکداری

چکیده

پس از وقوع بحران گسترده مالی در دهه اول قرن بیست و یکم، نظارت مالی بر مؤسسات و سیستم مالی از جهات مختلف مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت و تحولات عمده‌ای در قوانین و ساختارهای نظارت بانکی و مالی بسیاری از کشورهای جهان ایجاد شد. با توجه به ارائه طرح و لایحه اصلاح قوانین بانکی توسط مجلس و دولت بررسی تحولات سیستم نظارت مالی و بانکی با تأکید بر قوانین بانکداری برخی از کشورهای جهان و بهره‌گیری از تجربیات دنیا، ضروری به نظر می‌رسد.

در این مطالعه سیستم نظارت بانکی کشورهای آلمان، ژاپن، انگلستان و آمریکا از کشورهای توسعه‌یافته و سه کشور بلغارستان، مالزی و افغانستان از سایر کشورها، مورد بررسی قرار گرفته است. قوانین بانکداری و خدمات مالی در این کشورها تفاوت‌های فراوانی با هم دارند. قانون برخی کشورها، طریقه برخورد بانک مرکزی با بانک‌ها را به‌طور جزئی و مفصل مشخص می‌کند، مثل آمریکا، مالزی و افغانستان. اما قانون برخی دیگر از کشورها نظیر ژاپن و بلغارستان، وظایف و اختیارات بانک مرکزی و یا بانک‌ها را به‌طور کلی معین می‌کند و وارد جزئیات نحوه رفتار بانک مرکزی با بانک‌ها نمی‌شود. قوانین انگلستان، ساختار و اهداف سازمان نظارتی را به‌طور دقیق مشخص می‌کند و کمتر وارد جزئیات عملکرد آن می‌شود. در حالی که قوانین آلمان توجه ویژه‌ای به روش‌های نظارت مثل آزمون بحران و انواع نسبت‌های احتیاطی دارد. از نظر نهاد نظارتی نیز، وظیفه نظارت بانکی در بلغارستان، مالزی و افغانستان برعهده بانک مرکزی است. اما در کشورهای آلمان، ژاپن، انگلستان و آمریکا که سیستم مالی آنها پیچیده‌تر است، وظیفه نظارت بانکی برعهده بانک مرکزی و یک یا چند سازمان مستقل است.

در مجموع توجه به ساختارهای گوناگون نظارت بانکی در این کشورها و تحلیل مواد قوانین بانکداری و خدمات مالی آنها در طراحی سیستم نظارت بانکی کشور و تنظیم قوانین مربوط به آن می‌تواند سودمند باشد.

مقدمه

با وقوع بحران‌های مالی در دهه‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به نظارت مالی هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی در سطح جهان صورت گرفت و همزمان با ایجاد و گسترش سازوکارها و هماهنگی‌های بین‌المللی در زمینه نظارت بر بخش مالی، به تدریج در بسیاری از کشورها، قوانین و سیستم‌های نظارتی در بخش مالی تکامل پیدا کرد. در این میان، یکی از مهمترین عرصه‌های تحول مربوط به قوانین بانکداری و خدمات مالی کشورها می‌باشد.

در سال‌های اخیر موضوع اصلاح قوانین حوزه پولی و بانکی کشور مورد توجه مجلس شورای اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و طرح‌ها و لوایحی در این راستا ارائه شده است. براساس آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته،^۱ بخش نظارت یکی از مهمترین بخش‌های ضروری برای اصلاح قوانین بانکی در ایران است. با لزوم توجه به تجربه کشورهای دیگر در اصلاح قوانین و مقررات، در این گزارش به بررسی سیستم نظارت بانکی و قوانین بانکداری برخی از کشورهای جهان پرداخته شده و در برخی موارد، سیر تاریخی تحولات سیستم نظارت مالی هم مورد بررسی قرار گرفته است. این کشورها طوری انتخاب شده که در آنها هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه وجود دارد و پیچیدگی سیستم نظارتی در آنها متفاوت است. مطالب مطرح شده در مورد هر یک از کشورها در چند بخش به ترتیب زیر آورده شده است:

۱. تاریخچه‌ای از ایجاد و تحولات سیستم نظارت بانکی،
۲. ساختار سیستم نظارت بانکی،
۳. برنامه‌های نظارت بانکی،
۴. مروری بر قوانین بانکی (بخش‌های مرتبط با سیستم نظارت بانکی)،
۵. جمع‌بندی.

در بخش آخر ضمن مقایسه‌ای کلی میان سیستم نظارت بانکی کشورها، تحلیلی در مورد قوانین بانکداری آنها ارائه شده است. همچنین بخش‌هایی از قوانین بانکی برخی از کشورها در پیوست‌ها ارائه شده که می‌تواند الگویی برای تدوین یا اصلاح قوانین بانکی باشد.

۱. نظارت بانکی در آلمان

مقام ناظر بازار مالی (نهاد بافین)^۲ یک نهاد عمومی زیر نظر وزارت مالی و مستقل از بودجه دولتی است که مسئول نظارت یکپارچه بر بازار مالی آلمان شامل بانک‌ها، بیمه‌ها و بازار معاملات اوراق بهادار می‌باشد و بودجه آن از مؤسساتی که بر آنها نظارت دارد، تأمین می‌شود. این نهاد، نظارت را با همکاری بانک مرکزی انجام می‌دهد، به این صورت که اغلب امور اجرایی نظارت شامل ممیزی مؤسسات، نظارت غیرحضوری^۳ و ... را بانک مرکزی انجام می‌دهد و بانک مرکزی، بافین را از نتایج آنها مطلع می‌کند و در نهایت بافین تصمیمات لازم را اتخاذ و اعلام می‌کند. اگر چه بافین در حالت کلی وارد امور اجرایی شامل بازرسی محلی و ارزیابی خارج از محل نمی‌شود و این کار را بانک مرکزی انجام می‌دهد، اما بافین

۱. رجوع کنید به: مجموعه گزارش‌های آسیب‌شناسی نظام بانکی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

<http://rc.majlis.ir/fa/report>

2. Federal Financial Supervisory Authority (Bundesanstalt für Finanzdienstleistungsaufsicht-BaFin)

3. Off-site Supervision



هم در صورت تمایل می‌تواند در بازرسی مؤسسات مشارکت داشته باشد. به‌طور کلی، نظارت یکپارچه توسط یک سازمان مستقل و نقش مهم بانک مرکزی در نظارت بانکی از ویژگی‌های مهم سیستم نظارت مالی در آلمان است.

۱-۱. تحولات تاریخی سیستم نظارت مالی

نظارت بر بیمه طولانی‌ترین سابقه تاریخی را در میان بخش‌های مالی آلمان دارد. در سال ۱۹۰۲ اولین اداره نظارت بیمه ایجاد شد. این نظارت پس از پایان جنگ جهانی دوم از بین رفت. در سال ۱۹۵۱ سازمان نظارتی بیمه فدرال^۱ (BAV) برای نظارت بر بخش بیمه ایجاد شد. نظارت جامع بر بخش بانکی با تصویب قانون بانکداری در سال ۱۹۳۴ ایجاد شد. این نظارت از طریق یک کمیسیون نظارت بانکی زیر نظر بانک مرکزی انجام می‌شد. در سال ۱۹۳۹ نظارت بانکی به اداره نظارت بانکی که زیر نظر وزارت امور اقتصادی قرار داشت، سپرده شد. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم نظارت بانکی به‌صورت غیرمتمرکز درآمده و مسئولیت آن به ایالت‌ها واگذار شد و یک کمیته هماهنگ‌کننده نظارت بانکی ایجاد شد.

در قانون بانکداری سال ۱۹۶۲ بر نظارت بانکی در سطح فدرال تأکید شده و بر این اساس وظیفه نظارت بانکی به اداره نظارت بانکی فدرال^۲ (BAKred) واگذار شد که بایستی با همکاری بانک مرکزی این وظیفه را انجام می‌داد. بانک مرکزی به‌دلیل دارا بودن شبکه‌ای از شعب ایالتی و امکان جمع‌آوری گسترده اطلاعات از طریق بازرسی و گزارش‌دهی همواره نقش مهمی در نظارت بانکی آلمان داشته است. در دهه‌های بعد قدرت و اختیارات BAKred از نظر انواع مؤسسات تحت نظارت و همین‌طور تقویت اختیارات بازرسی و مداخله گسترش یافت. به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۷۰ با افزایش تأثیرات نهادهای بین‌المللی و اروپایی بر بانکداری آلمان، تمایل به نظارت دقیق‌تر و گسترده‌تری بر بخش بانکی به‌وجود آمد که موجب گسترش دامنه وظایف نظارتی BAKred شد.

تا قبل از دهه ۱۹۸۰ بانک مرکزی و دولت آلمان سیاست سخت‌گیرانه‌ای در قبال سیستم مالی دنبال می‌کردند که از ایجاد نوآوری‌های مالی و انواع جدید مؤسسات مالی ممانعت می‌کرد. این سیاست در دهه ۱۹۸۰ به‌طور تدریجی تغییر کرد و این تغییرات در دهه ۱۹۹۰ سرعت گرفت. مقررات‌زدایی در صنعت بانکداری، وضع مقررات حمایت‌کننده از بازار سرمایه و نوآوری‌های مالی و هدفگذاری برای تبدیل آلمان به یک مرکز مالی بین‌المللی نشانگر تغییر در سیاست دولت بود. بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ چهار قانون درباره ارتقاء بازارهای مالی به تصویب رسیده و اجرا شد. علاوه بر این، قانون بانکداری بارها به‌منظور هماهنگی با قوانین اروپا مورد بازنگری قرار گرفت.

نظارت بر معاملات اوراق بهادار با تصویب دومین قانون ارتقای بازارهای مالی در سال ۱۹۹۵ ایجاد

1. Federal Insurance Supervisory Office (Bundesaufsichtsamt für das Versicherungswesen - BAV)

2. Federal Banking Supervisory Office (Bundesaufsichtsamt für das Kreditwesen-BAKred)

شد و این وظیفه به اداره نظارت اوراق بهادار فدرال^۱ (BAWe) واگذار شد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ بحث‌هایی درباره اصلاح ساختار نظارت مالی مطرح می‌شد. بخشی از ضعف سیستم نظارت مالی به دلیل سازمان‌هایی بود که از منابع مالی و انسانی خوبی برخوردار نبودند. همچنین نقطه‌ضعف دیگر این سیستم به هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی مربوط می‌شد. با توسعه بخش مالی به تدریج مرزهای میان بخش‌های خدمات مالی رفته‌رفته کمرنگ شده و یک همپوشانی در میان محصولات، خدمات و عملکردهای نظارتی به وجود آمده بود که باید نظارت بر بخش مالی به صورت هماهنگ و یکپارچه انجام می‌گرفت. تأسیس شورایایی در سال ۲۰۰۰ که با بانک مرکزی در زمینه نظارت مالی همکاری می‌کرد، بهبودی در وضعیت سیستم نظارتی ایجاد نکرد.

بانک مرکزی تلاش‌هایی را برای ایجاد یک سازمان نظارتی تحت نظر خود که به صورت یکپارچه بر هر سه بخش مالی نظارت کند، آغاز کرد. با افتتاح اتحادیه پولی اروپا در سال ۱۹۹۹ و کم شدن اهمیت سیاست پولی برای بانک مرکزی، این بانک به دنبال دامنه گسترده‌تر و جدیدتری از فعالیت‌ها بود. بعد از مشاجرات طولانی میان بانک مرکزی، سازمان‌های نظارتی و وزارتخانه‌های مرتبط، با تصویب چهارمین قانون ارتقاء بازارهای مالی در سال ۲۰۰۲ اصلاحات اساسی در ساختار نظارت مالی ایجاد شد و روش نظارت یکپارچه جایگزین روش نظارت نهادی شد. بر این اساس، یک سازمان نظارتی واحد با عنوان سازمان نظارت بازار مالی فدرال (BaFin) در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد که تحت نظارت قانونی و تخصصی وزارت مالی قرار داشت و جایگزین سه سازمان نظارتی BAV، BAKred و BAWe شد و با همکاری بانک مرکزی وظیفه نظارت بر بخش مالی را برعهده گرفت.

در طول بحران مالی که بعد از سال ۲۰۰۷ رخ داد، بخش‌های تازه‌ای به ساختار نهادی نظارت مالی افزوده شد. در سال ۲۰۰۸ آژانس ثبات بازار مالی^۲ (FMSA) به منظور ارتقاء ثبات مالی از طریق سازماندهی کمک‌های مالی به بانک‌هایی که در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرند، تأسیس شد. همچنین کمیته ثبات مالی با هدف هماهنگی بیشتر میان سازمان‌های ناظر و با وظیفه نظارت احتیاطی کلان در سال ۲۰۱۳ در وزارت مالی ایجاد شد که اعضای آن شامل نمایندگان از وزارت مالی، بافین و بانک مرکزی هستند و همچنین رئیس سازمان ثبات بازار مالی هم بدون حق رأی در جلسات این کمیته شرکت می‌کند. این کمیته پس از بررسی مسائل مربوط به ثبات مالی، اخطارها و توصیه‌هایی را جهت اطمینان از ثبات مالی به نهادهای مختلف ارائه کرده و گزارش سالیانه‌ای را در این خصوص به مجلس ارائه می‌کند.

۲-۱. ساختار نظارت بانکی

با تأسیس بافین، تمام حقوق و وظایف سه اداره نظارتی بانکی، بیمه و اوراق بهادار در قبال جمهوری

1. Federal Securities Supervisory Office (Bundesaufsichtsamt für den Wertpapierhandel-BAWe)

2. Financial Market Stabilisation Agency (FMSA)



فدرال آلمان به این نهاد منتقل شد. بافین زیر نظر وزارت مالی اداره می‌شود^۱ و شامل یک هیئت اجرایی و یک شورای اداری است. هیئت اجرایی شامل رئیس و چهار مدیر اجرایی است که آنها را رئیس جمهور و با توصیه دولت فدرال تعیین می‌کند و یکی از چهار مدیر اجرایی به‌عنوان معاون تعیین می‌شود.^۲ هیئت اجرایی سازماندهی داخلی بافین را تعیین می‌کند و تصمیمات آن باید با توافق وزارت مالی فدرال صورت گیرد. چهار اداره برای انجام اقدامات نظارتی در بافین تشکیل شده که عبارتند از: خدمات نظارتی و منابع انسانی، نظارت بانکی، نظارت بیمه و نظارت اوراق بهادار. رئیس بافین درباره جهت استراتژیک نظارت در سطح ملی و بین‌المللی تصمیم می‌گیرد و مدیران اجرایی مسئولیت تطابق عملکرد اداره‌های زیر نظر خود را با این چارچوب استراتژیک برعهده دارند.

شورای اداری وظیفه کنترل مدیریت بافین و کمک به انجام وظایف آن را به‌عهده دارد. رئیس و معاون شورای اداری از سوی وزارت مالی تعیین می‌شوند و ۱۹ عضو دیگر این شورا شامل دو نماینده دیگر از وزارت مالی، یک نماینده از وزارت اقتصاد و فناوری، یک نماینده از وزارت دادگستری، پنج عضو از بوندستاگ (مجلس)، پنج عضو از مؤسسات اعتباری، چهار عضو از شرکت‌های بیمه و یک نماینده از شرکت‌های مدیریت سرمایه می‌باشند که همگی از سوی وزارت مالی تعیین می‌شوند. بانک مرکزی هم می‌تواند نماینده‌ای در شورای اداری بدون حق رأی داشته باشد و همچنین رئیس بافین و معاونان او می‌توانند بدون حق رأی در جلسات شورای اداری شرکت کنند. رئیس بافین باید شورای اداری را به‌طور مرتب از فعالیت‌های بافین مطلع نماید. همچنین مدیران اداره‌های بافین باید گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های اداره‌های زیر نظر خود به شورای اداری ارائه کنند.

همچنین یک هیئت مشورتی در بافین وجود دارد که مشاوره‌هایی در رابطه با انجام وظایف بافین به آن ارائه می‌کند. همچنین این هیئت می‌تواند توصیه‌هایی را در خصوص توسعه بیشتر اقدامات نظارتی ارائه نماید. این هیئت شامل ۲۴ عضو از دانشگاه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، بانک مرکزی و انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده است که از سوی وزارت مالی تعیین می‌شوند. هیئت مشورتی رئیسی را از میان اعضای خود انتخاب می‌کند و مقررات داخلی خود را تعیین می‌کند.

هماهنگی میان بافین و بانک مرکزی از طریق یک تفاهم‌نامه و یک دستورالعمل نظارت هماهنگ ایجاد شده است. براساس این تفاهم‌نامه، بازرسی مؤسسات معمولاً توسط بانک مرکزی انجام می‌شود، ولی امکان مشارکت بافین هم در آن وجود دارد. همچنین نظارت غیرحضور به‌وسیله بانک مرکزی انجام شده و بانک مرکزی، بافین را از نتایج آن مطلع می‌کند. شورای نظارت بازار مالی برای ایجاد هماهنگی میان بافین و بانک مرکزی و بحث در مورد مسائل مهم برای ثبات مالی در بافین تشکیل می‌شود که نمایندگانی

۱. ولی با این وجود در برنامه‌ها و تصمیمات به‌طور مستقل از وزارت مالی عمل می‌کند و خود بافین مسئول نظارت بانکی محسوب می‌شود.

۲. با توجه به مستقل بودن بافین، دولت فدرال دخالتی در سازماندهی و تصمیمات بافین نکرده و تنها اختیار انتصاب هیئت اجرایی آن را دارد.

از بافین و بانک مرکزی در آن عضویت دارند و رئیس آن از سوی بافین تعیین می‌شود. به‌طور کلی سپردن مسئولیت نظارت بانکی به بانک مرکزی در هر کشوری یک حسن مهم و یک مشکل اساسی دارد. حسن این کار این است که بانک مرکزی معمولاً با داشتن شعب و ادارات متعدد خود با تمام بانک‌ها در ارتباط بوده و به خوبی می‌تواند از عهده امور اجرایی نظارت برآید. در عوض، مشکل اساسی سپردن مسئولیت نظارت بانکی به بانک مرکزی این است که بانک مرکزی علاوه بر نظارت بانکی دارای وظایف مهم دیگری است که مهمترین آنها اجرای سیاست پولی است و انجام این وظایف بر نظارت بانکی تأثیر گذاشته و موجب می‌شود که نظارت بانکی به‌طور دقیق و بدون ملاحظه انجام نشود. سیستم نظارت مالی در آلمان به‌گونه‌ای طراحی شده که ضمن بهره‌مندی از مزیت بانک مرکزی برای انجام امور اجرایی نظارت، مشکل مطرح شده تا حد زیادی بروز پیدا نمی‌کند، زیرا بانک مرکزی این امور را زیر نظر بافین انجام داده و تصمیم‌گیری نهایی در مورد نتایج فعالیت‌های نظارتی بانک مرکزی به بافین سپرده می‌شود.

۳-۱. برنامه نظارت بانکی

در نظارت بانکی ترکیبی از اقدامات به‌کار گرفته می‌شود که شامل بازرسی مستقیم، تحلیل گزارش‌های حسابرسی و گزارش‌های ارسال شده از بانک‌ها و تحلیل آزمون‌های استرس می‌باشد. همه‌ساله در ۳۱ اکتبر، بانک مرکزی یک برنامه نظارت سالانه را ارائه می‌دهد که براساس سه مورد پروفایل ریسک، اهمیت مؤسسه برای ثبات بازارهای مالی و موارد ضروری پیش روی مؤسسات مالی است. این برنامه برای بررسی به بافین ارائه می‌شود تا آن را مرور کرده و درنهایت، برنامه در ۱۵ دسامبر هر سال نهایی می‌شود.

بافین و بانک مرکزی یک فرآیند نظارت بر ریسک مؤسسات ایجاد کرده‌اند که براساس آن، پروفایل ریسک هر مؤسسه براساس چهار نوع ریسک و سه نوع ثبات سیستمی توسط بانک مرکزی مشخص می‌شود و نتایج آن به‌منظور تصمیم‌گیری نهایی به بافین فرستاده می‌شود. این فرآیند تأثیر بسزایی در هدایت مؤثر نظارت بر مؤسسات مالی دارد. البته بانک مرکزی نقش خود را در این فرآیند براساس گزارش مؤسسات انجام می‌دهد. همه مؤسسات ملزم هستند که هر سال یک فرآیند داخلی برای تعیین تمام موارد ریسک و ظرفیت تحمل ریسک مؤسسه یعنی ظرفیت تعیین، ارزیابی، کنترل و اطلاع‌رسانی این ریسک‌ها را ایجاد کنند و نتایج این تحلیل را برای بررسی مسئولان نظارتی بفرستند. براساس این گزارش‌ها، پروفایل ریسک هر مؤسسه را بانک مرکزی مشخص می‌کند و نتایج آن به‌منظور تصمیم‌گیری نهایی به بافین فرستاده می‌شود. البته تهیه پروفایل ریسک مؤسسات کوچک‌تر مثل بانک‌های تعاونی و پس‌انداز براساس تحلیل آماری اطلاعات موجود انجام می‌شود.

علاوه بر بازرسی مستقیم و تحلیل گزارش‌های ارسال شده از بانک‌ها، یکی از روش‌هایی که برای



بررسی ریسک‌های مؤسسات به‌کار می‌رود و در تکمیل امور نام‌برده انجام می‌شود، تحلیل آزمون‌های استرس است. بانک مرکزی انواع مختلفی از آزمون‌های استرس پایین به بالا و بالا به پایین را انجام می‌دهد که مسائل مختلفی نظیر ریسک توانایی پرداخت، ریسک نقدینگی و مسائل ثبات سیستمی را پوشش می‌دهد و نتایج این آزمون‌ها به‌طور منظم در جلسات مسئولان نظارتی و همین‌طور در ملاقات‌های مسئولان نظارتی با مؤسسات منتخب ارائه شده و مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۱. مروری بر قانون بانکداری آلمان در مورد وظایف و اختیارات بافین

یکی از ویژگی‌های مهم قانون بانکداری آلمان این است که روش‌های نظارت و محدوده و نحوه تعیین نسبت‌های سرمایه احتیاطی و نقدینگی به تفصیل بیان شده است.

طریقه برخورد بافین با بانک‌های مسئله‌دار در ماده (۳) فصل ۶ این قانون آمده است: «بافین می‌تواند به‌عنوان بخشی از وظایف قانونی خود، دستوراتی را برای مؤسسات و مدیران ارشد آنها بفرستد که مانع از انحراف آنها از مقررات و یا مانع از به خطر افتادن دارایی‌ها و یا مانع از اختلال در مسیر صحیح فعالیت بانکی یا ارائه خدمات مالی شود».

جزئیات بررسی و ارزیابی نظارتی بافین در فصل ۶-ب به‌صورت زیر بیان شده است:

۱. بافین به‌عنوان بخشی از وظایف نظارت احتیاطی، ترتیبات، استراتژی‌ها، فرآیندها و مکانیسم‌های اجرا شده توسط هر مؤسسه را بررسی کرده تا با الزامات احتیاطی تطبیق داشته باشد و در این رابطه باید ریسک‌های هر مؤسسه (از طریق آزمون استرس) و ریسک‌هایی که مؤسسه بر سیستم مالی وارد می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور بافین با بانک مرکزی براساس فصل ۷ این قانون همکاری می‌کند.

۲. بافین باید براساس جمع‌بندی بررسی‌ها و ارزیابی آینده‌نگر مشخص نماید که آیا ترتیبات، استراتژی‌ها، فرآیندها و مکانیسم‌های اجرا شده توسط هر مؤسسه و نقدینگی و منابع مالی نگهداری شده آن، مدیریت ریسک مناسب و مؤثر و پوشش ریسک‌های آن را تضمین می‌کند یا خیر.

در ادامه این ماده از بافین خواسته شده که در این رابطه ۱۵ مورد گوناگون را مورد بررسی قرار دهد.

۳. بافین خودش یا از طریق بانک مرکزی می‌تواند مؤسسات را تحت آزمون استرس قرار دهد.

۴. بافین با مشورت بانک مرکزی تعداد و میزان بررسی‌ها، ارزشیابی‌ها و آزمون‌های استرس را با توجه به اندازه، اهمیت سیستمی، ماهیت، مقیاس و پیچیدگی فعالیت‌های هر مؤسسه تعیین می‌کند. بررسی‌ها و ارزشیابی‌ها باید حداقل به‌طور سالانه به‌روزرسانی شود.

همکاری بافین و بانک مرکزی و وظایف نظارت بانک مرکزی در فصل ۷ توضیح داده شده است:

«همکاری بافین و بانک مرکزی در مورد نظارت مستمر بر مؤسسات است که توسط بانک مرکزی انجام می‌شود و شامل ارزیابی مدارک فرستاده شده مؤسسات، حسابرسی گزارش‌ها براساس فصل ۲۶ و انجام

و ارزیابی بازرسی‌های مستقیم در مورد کفایت سرمایه و فرآیندهای مدیریت ریسک می‌باشد. نظارت مستمر بانک مرکزی توسط دفاتر ناحیه‌ای آن انجام می‌شود».

فصل ۹ به الزامات رازداری حرفه‌ای اختصاص داده شده است.

در مواد (۱) و (۳) فصل ۱۰ الزامات سرمایه پایه اضافی به صورت زیر بیان شده است:

(۱) برای اینکه مؤسسات بتوانند از عهده تعهدات خود برآیند و به منظور محافظت از دارایی‌های واگذار شده به آنها، وزارت مالی با مشورت بانک مرکزی باید یک دستور قانونی در مورد جزئیات کفایت سرمایه بر پایه مؤسسات منتشر کند.

وزارت مالی می‌تواند این اختیار را به بافین واگذار نماید.

(۳) بافین می‌تواند دستوری صادر نماید که با توجه به ریسک‌های هر مؤسسه، آنها را ملزم به داشتن سرمایه پایه فراتر از مقادیر تعیین شده در ماده (۱) این فصل از قانون و قانون شماره ۱۳/۲۰۵۷۵ اتحادیه اروپا نماید.

همچنین مقدار و محدوده و یا طریقه تعیین ذخیره سرمایه حائل^۱، ذخیره سرمایه حائل ضد دوره‌ای^۲ و سرمایه احتیاطی ریسک سیستمی^۳ به ترتیب در فصل‌های ۱۰-پ، ۱۰-ت و ۱۰-ث مشخص شده است. در فصل ۱۱ الزامات نقدینگی بیان شده که برخی از مواد آن به قرار زیر است:

۱. مؤسسات باید وجوه نقد کافی برای پرداخت‌های خود نگهداری کنند. وزارت مالی با مشورت بانک مرکزی باید یک دستور قانونی در مورد الزامات دقیق‌تر کفایت نقدینگی مؤسسات صادر نماید. وزارت مالی می‌تواند این اختیار را به بافین واگذار نماید.

۲. بافین می‌تواند در هنگام ارزیابی نقدینگی مؤسسات، با توجه به شرایط و ریسک‌های هر مؤسسه، آنها را ملزم به نگهداری نقدینگی فراتر از مقادیر تعیین شده در ماده (۱) این فصل از قانون نماید.

۳. بافین می‌تواند از یک مؤسسه بخواهد که گزارش‌هایی با تعداد دفعات بیشتر یا جامع‌تر در مورد نقدینگی بفرستد.

نحوه اعطا و لغو مجوز فعالیت بانکی یا ارائه خدمات مالی توسط بافین در فصل‌های ۳۲ و ۳۳ و انواع اقدامات اصلاحی و تنبیهی و جریمه‌های گوناگونی که بافین می‌تواند در برخورد با بانک‌ها داشته باشد، در فصول ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۵ تا ۳۸، ۴۵ تا ۴۶، ۴۶، ۵۴ تا ۵۶ و ۵۹ تا ۶۰ الف بیان شده است.

۵-۱. جمع‌بندی

نظارت بانکی در آلمان با همکاری یک سازمان مستقل با عنوان بافین و بانک مرکزی این کشور انجام

1. Capital Conservation Buffer
2. Countercyclical Capital Buffer
3. Systemic Risk Capital Buffer



می‌شود. تقسیم وظایف نظارت بانکی به این صورت است که بانک مرکزی مسئول انجام فعالیت‌های عملیاتی نظارت است و تصمیم‌گیری نهایی در مورد نتیجه این فعالیت‌ها برعهده بافین می‌باشد. در قانون بانکداری آلمان، علاوه بر مشخص کردن وظایف و اختیارات بافین و بانک مرکزی، به برخی از روش‌های نظارت مثل آزمون بحران و همین‌طور نحوه تعیین انواع نسبت‌های احتیاطی نیز اشاره شده است.

۲. نظارت بانکی در ژاپن

ژاپن یکی از کشورهای پیشگام در حوزه نظارت بانکی است. پس از وقوع بحران‌های بانکی در دهه ۱۹۹۰ تحولات مقررات نظارتی آغاز شد و وجود مقررات احتیاطی در مورد مؤسسات مالی موجب شد که در بحران مالی جهانی، بخش مالی ژاپن سالم باقی بماند.

مسئول نظارت بانکی در ژاپن، آژانس خدمات مالی^۱ (FSA) است که با همکاری بانک مرکزی ژاپن^۲ (BOJ) امور مربوط به نظارت بانکی را انجام می‌دهد. در این رابطه وزارت مالی^۳ (MOF) و شرکت ضمانت سپرده ژاپن^۴ (DICJ) هم نقش مهمی دارند. همکاری میان نهادهای نام‌برده از طریق برگزاری جلسات مختلف میان آنها برقرار شده است.

۲-۱. تحولات تاریخی سیستم نظارت مالی در ژاپن

شروع بانکداری به شکل نوین آن در ژاپن به سال ۱۸۷۳ برمی‌گردد که سیستم بانکداری ملی در آن شکل گرفت و همزمان با آن، دایره بانکداری در وزارت مالی وظیفه بازرسی بانکی را به‌عهده گرفت. در سال ۱۹۲۷ قانون بانکی ژاپن تصویب شد و بخش بازرسی مستقل مالی در وزارت مالی تأسیس شد. پس از آن هم تا سال ۱۹۹۸ همچنان وظیفه نظارت بانکی برعهده وزارت مالی بود.

با اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۸ در سیستم نظارت مالی ژاپن به‌وجود آمد، آژانس نظارت مالی^۵ (FSA) تأسیس شد. این سازمان زیر نظر دفتر نخست‌وزیری و مستقل از وزارت مالی فعالیت کرده و وظایف دادن مجوز، بازرسی و نظارت بر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و معاملات اوراق بهادار که پیش از آن توسط وزارت مالی انجام می‌شد، به این سازمان محول شد. در وزارت مالی، اداره‌های بانکداری و اوراق بهادار با هم ادغام شده و یک اداره جدید با عنوان برنامه‌ریزی مالی تشکیل شد که مسئولیت برنامه‌ریزی سیستم مالی را برعهده داشت. همچنین شورای نظارت بورس و اوراق بهادار از وزارت مالی به FSA منتقل شد.

بخش دیگری از تحول سیستم نظارت مالی به اصلاحات ضمانت سپرده‌ها مربوط بود. پس از اصلاح

1. Financial Services Agency (FSA)
2. Bank Of Japan (BOJ)
3. Ministry Of Finance (MOF)
4. Deposit Insurance Corporation of Japan (DICJ)
5. Financial Supervisory Agency (FSA)

قانون ضمانت سپرده‌ها در سال ۱۹۹۸ پایه مالی شرکت ضمانت سپرده ژاپن تقویت شده و اجازه انتشار اوراق قرضه هم به آن داده شد. همچنین در این سال دو نهاد جدید با عنوان‌های کمیسیون بازسازی مالی^۱ (FRC) و شرکت تسویه و وصول^۲ (RCC) تأسیس شد. کمیسیون بازسازی مالی زیر نظر دفتر نخست‌وزیری تأسیس شده و مسئولیت احیای مؤسسات مالی را با استفاده از بودجه عمومی برعهده داشت. شرکت تسویه و وصول هم وظیفه خرید وام‌های بد مؤسسات بحران‌زده و جمع‌آوری وثایق و مدیریت دارایی‌های آنها را برعهده گرفت.

در ادامه روند اصلاحات در سیستم نظارت مالی، آژانس خدمات مالی در سال ۲۰۰۰ جایگزین FSA قبلی شد و وظایف دادن مجوز، بازرسی و اقدامات نظارتی که برعهده FSA قبلی بود، به‌علاوه مسئولیت برنامه‌ریزی مالی که قبلاً توسط اداره برنامه‌ریزی مالی وزارت مالی انجام می‌شد را برعهده گرفت. در سال ۲۰۰۱ مسئولیت کمک به بانک‌های بحران‌زده و مدیریت بحران مالی نیز که پیش از آن برعهده FRC بود، به FSA محول شد.

۲-۲. ساختار نظارت بانکی

چارچوب قانونی برای نظارت بانکی در ژاپن در چهار سطح تعریف شده است. در سطح اول، قانون بانکداری، در سطح دوم، دستورات کابینه در اجرای قانون بانکداری، در سطح سوم، دستورالعمل‌های FSA در اجرای قانون بانکداری و در سطح چهارم، ایجاد و انتشار راهنماهای نظارتی و دستورالعمل‌های بازرسی توسط FSA است که راهنماهای نظارتی و دستورالعمل‌های بازرسی به ترتیب در نظارت خارج محل و محلی توسط ناظران به کار گرفته می‌شود. بانک‌ها هم موظفند که براساس این راهنماها و دستورالعمل‌ها به ایجاد یک سیستم کنترل داخلی اقدام کنند.

آژانس خدمات مالی یک سازمان دولتی زیر نظر دفتر نخست‌وزیری است که مسئولیت نظارت یکپارچه بر بازار مالی شامل بانک‌ها، بیمه و بازار معاملات اوراق بهادار را با هدف تضمین ثبات سیستم مالی و محافظت از منافع سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران در اوراق بهادار برعهده دارد. دامنه وظایف و فعالیت‌های این نهاد شامل موارد زیر است:

۱. برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و تنظیم مقررات در مورد سیستم مالی،
۲. بازرسی و نظارت بر مؤسسات مالی بخش خصوصی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و مؤسسات خرید و فروش ابزارهای مالی،
۳. ایجاد استانداردهای حسابداری و سایر موارد مربوط به امور مالی،
۴. نظارت بر حسابداران عمومی و شرکت‌های حسابرسی مجاز،

1. Financial Reconstruction Commission (FRC)
2. Resolution and Collection Corporation (RCC)



۵. مشارکت در فعالیتهای سازمانهای بین‌المللی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در موضوعات مالی با هدف توسعه مدیریت مالی هماهنگ بین‌المللی.

کمیسیون نظارت بورس و اوراق بهادار^۱ (SESC) تحت نظر FSA قرار داشته و وظیفه نظارت و بازرسی محلی شرکتهای اوراق بهادار و بررسی مسائل موجود در این حوزه را برعهده دارد. این کمیسیون متشکل از رئیس و دو مأمور عالی‌رتبه است که ازسوی نخست‌وزیر منصوب می‌شوند. این کمیسیون دارای اختیارات مداخله و مجازات نبوده و FSA در صورت توصیه SESC اختیار چنین اقداماتی را دارد. هیئت نظارت حسابداری و حسابرسی رسمی^۲ (CPAAOB) هم در FSA تشکیل شده و وظیفه نظارت بر مؤسسه حسابداران رسمی ژاپن را برعهده دارد. البته CPAAOB نیز همانند SESC فقط می‌تواند توصیه به اقدامات تنبیهی کند و FSA در صورت توصیه CPAAOB اختیار چنین اقداماتی را دارد. علاوه بر موارد نام‌برده، ساختار سازمانی FSA شامل اداره برنامه‌ریزی و هماهنگی، اداره بازرسی و اداره نظارت و یک بخش حقوقی برای تعیین مجازات متخلفان است. همچنین شورای سیستم مالی^۳ (FSC) شورایی متشکل از کمیته‌های گوناگون در FSA است که به درخواست نخست‌وزیر، مأمور عالی‌رتبه FSA و یا وزیر مالی، بحث‌های گسترده‌ای در مورد سیستم مالی در آن مطرح می‌شود و این شورا گزارش‌هایی را درباره سیستم مالی از دیدگاه‌های میان‌مدت و بلندمدت ارائه می‌دهد.

بانک ژاپن مسئولیت تحلیل و ارزیابی ریسک‌های سیستم مالی و ارائه گزارش آن را برعهده دارد که برای این کار از نظارت محلی و کنترل خارج از محل و همین‌طور بحث‌ها و سمینارهای داخلی و بین‌المللی استفاده می‌کند. اقدامات گسترده BOJ و FSA در مجموع وضعیت مطلوب و ثبات را در بخش مالی ژاپن ایجاد کرده است.

همچنین شرکت ضمانت سپرده ژاپن (DICJ) از طریق مدیریت سیستم ضمانت سپرده و حمایت از بانک‌های ورشکسته، در جهت ایجاد ثبات مالی تلاش می‌کند. این شرکت اجازه انتشار اوراق قرضه را در بازارها با موافقت FSA و MOF داراست و همچنین می‌تواند از بانک ژاپن تقاضای نقدینگی اضطراری کند.

براساس ماده (۳۸) قانون بانک ژاپن، نخست‌وزیر و وزیر مالی می‌توانند از بانک ژاپن بخواهند که جهت حفظ ثبات سیستم مالی در شرایط ضروری از برخی مؤسسات مالی از طریق اعطای وام حمایت کند. در شرایط بحرانی که مداخله دولت در سیستم مالی ضروری باشد، شورای مدیریت سیستم مالی^۴ (FSMC) تشکیل می‌شود که شامل نخست‌وزیر، دبیر کابینه، وزیر خدمات مالی، وزیر مالی، مأمور عالی‌رتبه خدمات مالی و رئیس بانک ژاپن است.

1. Securities and Exchange Surveillance Commission (SESC)

2. Certified Public Accounting and Auditing Oversight Board (CPAAOB)

3. Financial System Council (FSC)

4. Financial System Management Council (FSMC)

۲-۳. برنامه نظارت بانکی

در نظارت بانکی ترکیبی از اقدامات به‌کار گرفته می‌شود که شامل بازرسی مستقیم، تحلیل گزارش‌های حسابرسی و گزارش‌های ارسال شده از بانک‌ها و انجام و تحلیل آزمون‌های استرس است. چارچوب نظارتی در ژاپن، مؤسسات مالی مجاز را ملزم می‌کند که فرآیندهای کنترل داخلی را برای شناخت و پوشش ریسک‌ها ایجاد نمایند. کنترل این فرآیندها از طریق نظارت محلی و کنترل خارج از محل توسط بانک ژاپن و FSA صورت می‌گیرد.

بانک ژاپن و FSA با هم نظارت مستمر بانکی را با استفاده از بازرسی‌های محلی و کنترل خارجی و روابط منظم با مسئولان مؤسسات تحت نظارت دنبال می‌کنند. براساس ماده (۴۴) قانون بانک ژاپن، FSA می‌تواند درخواست ارسال گزارش‌های بازرسی محلی مؤسسات مالی از بانک ژاپن بنماید. در مورد تحلیل‌های خارج محل و در سطح مدیریت ارشد، تبادل اطلاعات منظم‌تری میان آنها وجود دارد. هر دو نهاد در تعیین تعداد و دامنه بازرسی‌های محلی و تعداد بازرسان مشارکت دارند. همچنین بانک ژاپن هر ساله نتایج بازرسی‌های محلی را انتشار می‌دهد.

رویه استاندارد بازرسی محلی مؤسسات مالی به این صورت است که از چهار هفته قبل از بازرسی به ترتیب اعلام بازرسی به مؤسسه، اعلام آمادگی مؤسسه به بانک ژاپن، دریافت و تحلیل گزارش‌ها و اسناد ارائه شده از سوی مؤسسه و مشخص کردن نکات مهم برای تمرکز روی آنها در بازرسی محلی انجام می‌شود. بازرسی محلی طی دو تا سه هفته انجام می‌شود که در طول این مدت، مصاحبه با مدیران، ارزیابی دارایی‌ها، کنترل کارآیی سیستم مدیریت ریسک، بازرسی دفاتر مؤسسه و تبادل نظرات با مدیران و کارکنان صورت می‌گیرد. دو تا سه هفته پس از بازرسی هم ارائه گزارش نتایج و بازخورد به مدیریت مؤسسه، بیان نکاتی برای بهبود و درخواست گزارش‌های مدت‌دار بعدی برای بهبود مسائل موجود صورت می‌گیرد.

لزوم انجام آزمون‌های استرس هم بخشی از مقررات بانکی در ژاپن است. نهاد FSA بانک‌ها را ملزم کرده که در هر فصل از سال براساس سناریوهای استرس خود، آزمون‌های استرس را انجام داده و گزارشی از روش و نتایج آن ارائه دهند. در صورتی که نتایج آزمون‌ها وضعیت مناسبی را برای بانک‌ها نشان ندهند، FSA آنها را ملزم به افزایش سرمایه و بهبود سیستم مدیریت ریسک می‌کند.

علاوه بر آزمون‌های استرس خرد که به‌عنوان یک ابزار مدیریت ریسک توسط بانک‌ها انجام می‌شود، بانک ژاپن هم آزمون‌های استرس کلان را برای کل سیستم بانکی در سناریوهای مختلف انجام می‌دهد. اولین آزمون از این نوع در سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ توسط BOJ و FSA و با همکاری صندوق بین‌المللی پول در چهار سناریوی مختلف انجام شد و براساس نتایج آن، مؤسسات مالی ژاپن در مجموع در هر چهار سناریو مقاوم و خوب عمل کرده و از سرمایه کافی برای مقابله با شوک‌ها برخوردار هستند.



البته نتایج، نشان‌دهنده برخی از مسائل و نگرانی‌ها برای سیستم مالی بود. آزمون بعدی در سال ۲۰۱۴ توسط بانک ژاپن انجام شد و نتایج آن هم مطلوب بود.

۴-۲. مروری بر قانون بانکداری ژاپن

در قانون بانکداری ژاپن بیشتر درباره مسئولیت کلی نهادها در حوزه نظارت بانکی صحبت شده است. بسیاری از مواد این قانون در حوزه نظارت بانکی به مسئولیت‌های بانک‌ها، انواع مؤسسات مالی، شرکت‌های هلدینگ و سهامداران عمده آنها و اقدامات اصلاحی و تنبیهی برای آنها اختصاص دارد. به‌عنوان نمونه به خلاصه‌ای از مواد (۲۴) تا (۲۹) از فصل ۴ این قانون توجه کنید:

ماده (۲۴)

نخست‌وزیر می‌تواند در صورت نیاز برای اطمینان از مناسب بودن مدیریت کسب‌وکار یک بانک، آن را ملزم به ارائه گزارش یا موارد دیگری در مورد وضعیت کسب‌وکار یا اموال کند.

ماده (۲۵)

اختیار نخست‌وزیر برای فرستادن افرادی برای بازرسی محلی بانک‌ها.

ماده (۲۶)

نخست‌وزیر می‌تواند از بانک بخواهد که یک طرح بهبود وضعیت را یا خود ارائه دهد و یا بخواهد که طرح داده شده را با افزودن مواد و تعیین محدوده زمانی تغییر دهد و یا در صورت لزوم دستور تعلیق تمام یا بخشی از فعالیت بانک را صادر کند و یا دستور گرفتن دارایی‌های بانک و یا سایر اقدامات لازم برای نظارت را صادر نماید.

ماده (۲۷)

نخست‌وزیر می‌تواند در صورت تخلف یک بانک از قوانین و مقررات یا اساسنامه یا خواسته نخست‌وزیر براساس قوانین و مقررات یا انجام عملی که به منافع عمومی آسیب می‌رساند، دستور تعلیق تمام یا بخشی از فعالیت بانک را صادر نماید و یا رئیس، مدیر اجرایی، مشاور حسابداری، یا حسابرس شرکت را برکنار کند و یا مجوز بانک را مطابق ماده (۴) بند «۱» لغو نماید.

ماده (۲۸)

نخست‌وزیر در صورت تعلیق تمام یا بخشی از فعالیت یک بانک براساس دو ماده قبلی، می‌تواند در صورت لزوم مجوز بانک را مطابق ماده (۴) بند «۱» لغو نماید.

ماده (۲۹)

نخست‌وزیر می‌تواند در صورت لزوم برای محافظت از سپرده‌گذاران و سایر موارد لازم برای منافع عمومی به بانک دستور دهد تا بخشی از دارایی‌های خود را با تشخیص کابینه و بنابر دستور کابینه، در ژاپن نگهداری کند. مشابه موارد فوق برای سایر انواع مؤسسات مالی، شرکت‌های هلدینگ و سهامداران عمده آنها در

قانون بانکداری ژاپن آمده است. در تمام این مواد، تمام اختیارات نظارت به نخست‌وزیر داده شده و براساس ماده (۵۹) از فصل هشتم، نخست‌وزیر باید تمام اختیارات نظارتی خود را به مأمور عالی‌رتبه FSA واگذار کند. یکی از نکات قابل توجه در این قانون، سازوکار خاصی است که در فصل ۷-۲ برای سهامداران عمده بانک‌ها تعریف شده است:

ماده (۵۲-۹) و ماده (۵۲-۱۰): لزوم اخذ مجوز برای سهامدار عمده بانک و شرایط آن.

ماده (۵۲-۱۱): اختیار درخواست گزارش و مستندات از سهامدار عمده بانک.

ماده (۵۲-۱۲): اختیار بازرسی از دفتر و هر جای دیگری که متعلق به سهامدار عمده بانک باشد.

ماده (۵۲-۱۴): اختیار درخواست طرح بهبود وضعیت از سهامدار عمده بانک و یا دستور اصلاح آن.

ماده (۵۲-۱۵): اختیار لغو مجوز سهامدار عمده بانک.

و در نهایت، انواع تخلفات بانکی و مجازات‌های مربوط به آنها در فصل نهم این قانون بیان شده است. سایر قوانین و مقررات نظارت بانکی در قانون بانک ژاپن، دستورالعمل‌های صادر شده از سوی FSA و راهنماهای نظارتی و دستورالعمل‌های بازرسی که توسط FSA منتشر می‌شود، گنجانده شده است.

۲-۵. جمع‌بندی

مسئول نظارت بانکی در ژاپن، آژانس خدمات مالی است که با همکاری بانک مرکزی امور مربوط به نظارت بانکی را انجام می‌دهد. اختیارات و نحوه نظارت بر بانک‌ها، مؤسسات مالی، شرکت‌های هلیدینگ و سهامداران عمده آنها به‌طور مجزا در قانون بانکداری ژاپن مشخص شده است. همکاری مشترک آژانس خدمات مالی و بانک مرکزی در نظارت مستمر بانکی، موجب شده که نظارت بانکی در این کشور به‌صورت مطلوب و مؤثری انجام شود.

۳. نظارت بانکی در انگلستان

نظارت مالی در انگلستان دارای سیستمی بسیار پیچیده است و دارای تحولات زیادی در دهه‌های اخیر بوده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تحولات چارچوب نظارت مالی در انگلستان

نظارت بانکی به‌طور رسمی با تصویب قانون بانکداری در سال ۱۹۷۹ به‌وجود آمد و بانک انگلستان مسئول آن شد. البته پیش از آن هم توسط همین بانک به‌طور غیررسمی انجام می‌شد و با تصویب قانون بانکداری دیگری در سال ۱۹۸۷ نقش نظارت بانک انگلستان تقویت شد و این مسئولیت تا سال ۱۹۹۷ پا برجا بود.



در سال ۱۹۹۷ نهاد جدیدی با عنوان مقام مسئول خدمات مالی^۱ (FSA)^۲ تأسیس شد و مسئولیت ثبات مالی در انگلستان برعهده سه نهاد وزارت خزانهداری، بانک مرکزی (بانک انگلستان) و مقام مسئول خدمات مالی گذاشته شد. تقسیم وظایف میان این سه نهاد براساس تفاهمنامه‌ای مشخص می‌شد. چارچوب نهادی نظارت مالی در انگلستان در آن زمان به این صورت بود که مقام مسئول خدمات مالی نظارت احتیاطی خرد بر مؤسسات و بازارهای مالی را برعهده داشت و همین‌طور نظارت کسب‌وکار^۳ برعهده این نهاد بود. اما نقش FSA در مورد نظارت احتیاطی کلان مبهم بود و اساساً این نوع نظارت به خوبی برای هیچ‌یک از سه نهاد نام‌برده تعریف نشده بود.

در تقسیم‌بندی وظایف، نقش بانک انگلستان تنها نظارت بر زیرساخت مالی و به‌طور خاص سیستم‌های پرداخت بوده است و البته این بانک مسئول ثبات مالی انگلستان هم شمرده می‌شد، بدون اینکه ابزارها و فرآیندهای لازم برای آن مشخص شده باشد و بالاخره در تقسیم‌بندی وظایف، وزارت خزانهداری مسئول ساختار نهادی کلی برای قوانین و مقررات مالی بوده است و مسئولیتی در قبال عملکرد دو نهاد دیگر نداشته است.

یکی از نقاط ضعف سیستم نظارت بانکی در انگلستان این بود که مسئولیت نظارت بر دوش چند نهاد گذاشته شده بود و مرز دقیق قلمرو وظایف هر نهاد مشخص نبوده و در صورت بروز یک بحران دقیقاً مشخص نبود که کدام یک از نهادها مسئول آن هستند. اشکالات دیگر سیستم نظارت بانکی انگلستان که در سال‌های پس از بحران مطرح می‌شد، به شرح زیر است:

۱. با آنکه مطابق قانون بانکداری، بانک انگلستان در قبال ثبات مالی مسئولیت داشت، اما حق کسب اطلاعات مورد نیاز خود را نداشت.

۲. اداره خدمات مالی در انجام وظیفه نظارت احتیاطی، فقط به نظارت احتیاطی خرد می‌پرداخت و به مسائل احتیاطی کلان توجه چندانی نمی‌شد.

۳. اداره خدمات مالی تأکید زیادی بر نظارت کسب‌وکار کرده که به قیمت کم‌توجهی به نظارت احتیاطی تمام می‌شد. دلیل این مسئله این است که حوزه نظارت کسب‌وکار از حساسیت سیاسی کوتاه‌مدت بیشتری برخوردار است.

همه این موارد زمینه‌ساز انتقال مسئولیت نظارت احتیاطی خرد و کلان از FSA به بانک انگلستان شد. با توجه به نقاط ضعف این سیستم نظارتی سه بخشی، اصلاح این سیستم پس از وقوع بحران مالی جهانی آغاز شد و ضمن اجرای برنامه‌های بهبود نظارت، قوانین بارها مورد بازنگری قرار گرفت. یکی از مهمترین موارد تحول، توجه به نظارت احتیاطی کلان و انتقال وظیفه نظارت احتیاطی از FSA به بانک

۱. نام این نهاد پس از تصویب قانون خدمات مالی به اداره هدایت مالی (FCA) تغییر کرد.

2. Financial Services Authority (FSA)

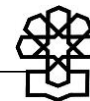
3. Conduct of Business Supervision

انگلستان بود. قانون خدمات مالی سال ۲۰۱۲ ضمن دادن مسئولیت ثبات مالی به بانک انگلستان، برای دستیابی به این هدف، کمیته سیاست مالی^۱ (FPC) را زیر نظر دیوان مدیران این بانک ایجاد کرده و علاوه بر این، اداره نظارت احتیاطی^۲ (PRA) هم زیر نظر این بانک فعالیت کرده و اکثر اعضای آن از بانک انگلستان هستند. در حال حاضر یکی از ویژگی‌های سیستم نظارت بانکی در انگلستان این است که بخش مهمی از مسئولیت نظارت برعهده بانک انگلستان می‌باشد، به این صورت که قانون بانکداری، وظیفه ثبات مالی را برعهده این بانک گذاشته و دو معاونت امور مقررات احتیاطی و ثبات مالی در چارت سازمانی این بانک وجود دارد که در قبال نظارت بانکی مسئول هستند.

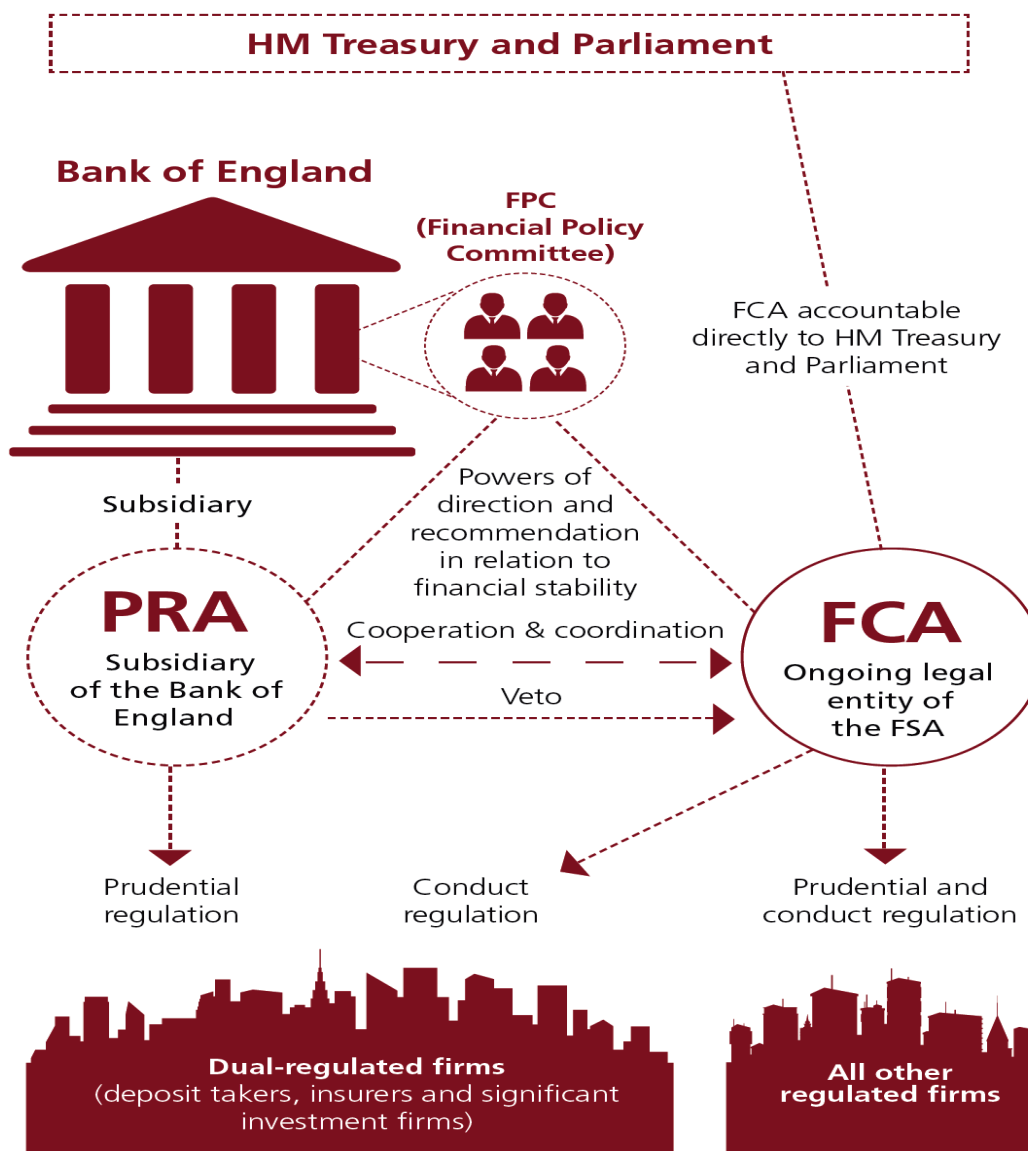
۲-۳. ساختار جدید نظارت مالی در انگلستان

ساختار جدید نظارت مالی در انگلستان پس از تصویب قانون خدمات مالی در سال ۲۰۱۲ ایجاد شد. در این ساختار سه سازمان اداره هدایت مالی (FCA)^۳ و اداره نظارت احتیاطی و کمیته سیاست مالی نقش دارند. این ساختار در شکل نشان داده شده است. اداره نظارت احتیاطی و کمیته سیاست مالی هر دو زیرمجموعه بانک انگلستان می‌باشند و اداره هدایت مالی یک سازمان مستقل بوده که مستقیماً باید به مجلس و وزارت خزانه‌داری پاسخگو باشد.

1. Financial Policy Committee (FPC)
2. Prudential Regulation Authority (PRA)
3. Financial Conduct Authority (FCA)



شکل ساختار جدید نظارت مالی در انگلستان



بدین ترتیب بانک مرکزی به همراه یک سازمان مستقل با هم مسئولیت نظارت مالی را برعهده دارند. در تقسیم‌بندی وظایف نظارتی میان این سه سازمان، اداره نظارت احتیاطی وظیفه نظارت احتیاطی خرد بر بنگاه‌هایی که از لحاظ سیستمی مهم هستند را برعهده دارد و اداره هدایت مالی مسئولیت نظارت احتیاطی بر بنگاه‌هایی که چندان از نظر سیستمی اهمیت ندارند و همین‌طور مسئولیت نظارت کسب‌وکار (محافظت از منافع مصرف‌کنندگان) را برعهده دارد و مسئولیت نظارت احتیاطی کلان برعهده کمیته سیاست مالی می‌باشد. با توجه به اینکه اداره نظارت احتیاطی و کمیته سیاست مالی هر دو زیرمجموعه بانک انگلستان هستند، به‌طور کلی می‌توان گفت که مسئولیت نظارت احتیاطی برعهده بانک انگلستان است.

۳-۳. برنامه نظارت بانکی

روش نظارتی PRA دارای سه ویژگی زیر است:

۱. **قضاوت محوری:** به کارگیری قضاوت در تعیین ایمنی و سلامت عملکرد بنگاه‌های مالی،
۲. **آینده‌نگری:** ارزیابی بنگاه‌ها نه تنها در مورد ریسک‌های جاری، بلکه همچنین با توجه به ریسک‌هایی که بنگاه‌ها در آینده با آنها مواجه می‌شوند، صورت می‌گیرد،
۳. **تمرکز:** تمرکز بر مسائل و بنگاه‌هایی که بیشترین ریسک را متوجه ثبات مالی سیستم مالی می‌کنند. براساس این، PRA برنامه‌های نظارتی را برای مؤسسات گوناگون اجرا می‌کند و هر ساله هیئت‌مدیره مؤسسات را از نتایج ارزیابی‌های خود و ریسک‌های مهمی که هر مؤسسه با آن روبه‌رو است، مطلع ساخته و آنها را ملزم به اجرای اقدامات اصلاحی می‌کند.

۳-۴. مروری بر قوانین بانکی انگلستان

این قوانین در حوزه نظارت بیشتر بر ساختار و اهداف و وظایف کلی نهادهای نظارتی و روابط میان آنها پرداخته و محدوده عملکرد نهادها را به صورت کلی مشخص کرده و وارد مباحث روش‌های نظارت نشده و آن را به خود نهادها واگذار می‌کند که با مشورت با هم کار نظارت را دنبال کنند. در پیوست ۱ بخش‌هایی از قوانین بانکداری و خدمات مالی انگلستان که با نظارت بانکی مرتبط هستند، آورده شده است. یکی از مهمترین قوانین بانکی، قانون خدمات مالی و بازارها مصوب سال ۲۰۰۰ است که در سال ۲۰۱۲ اصلاح شد. در فصل اول این قانون، ساختار، اهداف و وظایف اداره هدایت مالی و در فصل دوم، ساختار، اهداف و وظایف اداره نظارت احتیاطی بیان شده است. قانون مهم دیگر، قانون بانکداری سال ۲۰۰۹ است که در سال ۲۰۱۲ اصلاح شد براساس ماده (۲۳۸) این قانون، یکی از اهداف بانک انگلستان محافظت و بهبود ثبات سیستم مالی است. قانون مهم دیگر، قانون خدمات مالی مصوب سال ۲۰۱۲ است. در ماده (۴) این قانون، ساختار، اهداف و وظایف کمیته سیاست مالی تعیین شده است. نکته قابل توجه در قوانین انگلستان این است که اهدافی نظیر محافظت از مصرف‌کننده، رقابت، رشد و اشتغال هم‌تراز هدف ثبات مالی و حتی در مواردی مقدم بر آن در نظر گرفته شده است. در بند «۴» ماده 9C از قانون خدمات مالی مصوب سال ۲۰۱۲ تصریح شده است که اقداماتی که با هدف ثبات سیستم مالی انجام می‌شود نباید نقش سیستم مالی را در رشد اقتصاد انگلستان در میان‌مدت و بلندمدت تضعیف کند.

۳-۵. جمع‌بندی

ویژگی چارچوب نظارت بانکی انگلستان، این است که بانک انگلستان در حوزه نظارت احتیاطی خرد و کلان نقش اساسی و محوری در آن دارد. یک نقطه قوت سیستم نظارت بانکی انگلستان این است که در



آن به ابعاد مختلف نظارت شامل نظارت احتیاطی خرد، نظارت احتیاطی کلان و نظارت کسب و کار توجه شده و مسئولیت هریک از آنها به طور جداگانه مشخص شده است. اداره نظارت احتیاطی وظیفه نظارت احتیاطی خرد بر بنگاه‌هایی که از لحاظ سیستمی مهم هستند را برعهده دارد و اداره هدایت مالی مسئولیت نظارت احتیاطی بر بنگاه‌هایی که چندان از نظر سیستمی اهمیت ندارند و همین طور مسئولیت نظارت کسب و کار را برعهده دارد و مسئولیت نظارت احتیاطی کلان برعهده کمیته سیاست مالی است. البته به دلیل تعدد سازمان‌های متولی نظارت و روابط پیچیده میان آنها، نمی‌توان چنین سیستم پیچیده‌ای را به عنوان الگوی سیستم نظارتی کشور قرار داد.

نکته قابل تأمل در قوانین نظارت بانکی انگلستان، اهدافی است که برای نظارت بانکی تعیین شده است. برخلاف دیدگاه رایج در ادبیات نظارت بانکی که هدف اصلی نظارت بانکی را ثبات سیستم از طریق کنترل ریسک معرفی می‌کند، در قوانین انگلستان اهدافی نظیر محافظت از مصرف‌کننده، رقابت، رشد و اشتغال هم‌تراز هدف ثبات مالی و حتی در مواردی مقدم بر آن در نظر گرفته شده است. نتیجه اینکه در تدوین قانون نظارت بانکی کشور باید اهداف نظارت و مواردی که بر آن نظارت می‌شود، متناسب با اهداف کل نظام اقتصادی مشخص و تصریح شود.

۴. نظارت بانکی در ایالات متحده آمریکا

نظارت مالی در آمریکا دارای سیستمی بسیار پیچیده و دارای تحولات تاریخی بوده است که بخش نظارت بانکی آن در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تاریخچه نظارت بانکی در آمریکا

در دهه ۱۸۶۰ نظارت بانکی در مورد ریسک‌های فعالیت‌های بانک‌ها و کفایت سرمایه آنها با هدف تأمین ایمنی و سلامت سیستم مالی در آمریکا به وجود آمد. در دهه ۱۹۳۰ با تصویب قانون بانکداری گلس-استیگال، ضمن شدید شدن مقررات بانکی، بیمه سپرده‌ها ایجاد شد. مقررات‌زدایی در دو دهه آخر قرن بیستم دنبال شد. اما بحران مالی جهانی این روند را معکوس کرد و در سال ۲۰۱۰ با تصویب قانون داد-فرانک، ضمن تشدید مجدد نظارت بانکی، نظارت بر ریسک‌های سیستمی هم به سیستم نظارتی آمریکا افزوده شد.

۴-۲. ساختار نظارت بانکی

در آمریکا یک سیستم بانکی دوگانه^۱ برقرار است. هر بانک می‌تواند تحت نظارت دولت فدرال یا ایالت

باشد. مجوز بانک‌های ملی و مؤسسات پس‌انداز فدرال توسط اداره ممیزی پولی^۱ (OCC) صادر می‌شود و بانک‌های ایالتی و مؤسسات پس‌انداز ایالتی زیر نظر اداره بانکی ایالت خود هستند که هریک قوانین و مقررات مخصوص خود را دارند.

هریک از بانک‌ها براساس ملی یا ایالتی بودن و شرایط دیگر، تحت نظارت یکی از نهادهای اداره ممیزی پولی، هیئت‌مدیره فدرال رزرو و یا شرکت ضمانت سپرده فدرال^۲ (FDIC) قرار می‌گیرند. به‌ترتیب بانک‌های ملی، بانک‌های ایالتی عضو فدرال رزرو و بانک‌های ایالتی غیرعضو فدرال رزرو تحت نظارت سه نهاد نام‌برده قرار دارند. هزینه‌های نظارتی هریک از سه نهاد نام‌برده از طریق دریافت حق‌الزحمه‌هایی که از مؤسسات تحت نظارت دریافت می‌شود، پوشش داده می‌شود.

همچنین قانون داد-فرانک مصوب سال ۲۰۱۰، شورای نظارت بر ثبات مالی^۳ (FSOC) را برای ایجاد هماهنگی میان نهادهای نام‌برده برای مواجهه با تهدیدات پیش روی سیستم مالی ایجاد می‌کند. این شورا دارای مسئولیت‌هایی نظیر شناسایی و کنترل ریسک‌های به‌وجود آمده در کل سیستم مالی، تشخیص شکاف‌های مقرراتی بالقوه و هماهنگی میان سازمان‌ها در مواجهه با ریسک‌های بالقوه سیستمی می‌باشد. این شورا دارای کمیته‌های اجرایی است. کمیته مقررات و حل و فصل^۴ یکی از این کمیته‌های اجرایی است که وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم برای تنظیم مقررات لازم برای تقویت ثبات مالی و ارائه توصیه‌هایی برای بهبود عملکرد نظارتی سازمان‌های نظارتی را برعهده دارد. همچنین شناسایی و ارائه راهکارهایی برای کنترل ریسک‌های به‌وجود آمده در سیستم مالی برعهده کمیته ریسک سیستمی^۵ است.

عملکرد شورا بیشتر به‌صورت ارائه مشورت و توصیه است و علاوه بر آن، تعطیل کردن بنگاه‌های مالی که به تشخیص فدرال رزرو می‌تواند ثبات سیستم مالی را تهدید کند، با تصویب شورا (رأی دوسوم اعضای شورا) انجام می‌شود. علاوه بر این، شورای بازرسی مؤسسات مالی فدرال^۶ (FFIEC) جهت هماهنگی میان نهادهای نظارتی در مورد قوانین و رویه‌ها فعالیت می‌کند.

در ادامه ساختار و عملکرد هریک از سه نهاد نظارتی بررسی می‌شود:

الف) اداره ممیزی پولی: یک سازمان مستقل خزانه‌داری است که وظیفه نظارت بر بانک‌های ملی و مؤسسات پس‌انداز فدرال و همین‌طور شعب بانک‌های خارجی را برعهده دارد. رئیس این سازمان هر پنج سال توسط رئیس‌جمهور و با مشورت و تأیید سنا انتخاب می‌شود. اختیارات OCC شامل موارد زیر است:

۱. بازرسی از مؤسسات تحت نظارت،

1. Office of the Comptroller of the Currency (OCC)
2. Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)
3. Financial Stability Oversight Council (FSOC)
4. Regulation and Resolution Committee
5. Systemic Risk Committee
6. Federal Financial Institutions Examination Council (FFIEC)



۲. موافقت یا عدم موافقت با ایجاد شعب جدید، تغییرات سرمایه و سایر تغییرات در شرکت یا ساختار بانکی،

۳. اقدامات نظارتی در مقابله با عدم رعایت قوانین و مقررات و یا اقدامات غیرسالم مؤسسات، که شامل مذاکره، برکناری مقامات و مدیران، توقف فعالیتها و یا جرائم نقدی می باشد،

۴. انتشار مقررات و دستورالعملها و تفاسیر قانونی در موارد مرتبط.

هزینه اداره OCC در وهله اول از طریق حق الزحمه پرداختی مؤسسات تحت نظارت آن تأمین می شود و علاوه بر آن، این سازمان درآمدی را از طریق سرمایه گذاری در اوراق خزانه داری به دست می آورد.

ب) سیستم نظارتی فدرال رزرو: شامل هیئت مدیره فدرال رزرو و ۱۲ بانک ایالتی فدرال رزرو می باشد. هیئت مدیره فدرال رزرو بخشی از بدنه فدرال رزرو است که اعضای آن را رئیس جمهور و با تأیید سنا انتخاب می کند. این هیئت وظیفه نظارت بر شرکت های هلدینگ بانکی و بانک های ایالتی عضو فدرال رزرو را برعهده دارد. علاوه بر آن بانک های فدرال رزرو در ایالت های مختلف به صورت سازمان های غیرانتفاعی مستقل بوده و وظایف نظارتی خاص خود را برعهده دارند. در ساختار اداری فدرال رزرو، بخش مقررات و نظارت و بخش ثبات مالی زیر نظر هیئت مدیره فدرال رزرو مسئولیت نظارت بر مؤسسات مالی مربوطه را برعهده دارند.

ج) شرکت ضمانت سپرده فدرال: یک سازمان مستقل زیر نظر دولت فدرال است که علاوه بر بیمه کردن سپرده های بانکی، وظیفه نظارت بر بانک های ایالتی غیرعضو فدرال رزرو و مؤسسات پس انداز ایالتی را برعهده دارد. این سازمان توسط یک هیئت مدیره پنج نفری اداره می شود که اعضای آن توسط رئیس جمهور و با تأیید سنا انتخاب می شوند و نباید بیش از سه نفر آنها از یک حزب سیاسی باشند. هزینه اداره FDIC در وهله اول از طریق حق الزحمه پرداختی مؤسسات تحت نظارت آن تأمین می شود و علاوه بر آن، این سازمان درآمدی را از طریق سرمایه گذاری در اوراق خزانه داری به دست می آورد.

۳-۴. برنامه نظارت بانکی

ویژگی مهم برنامه های نظارتی در آمریکا این است که این برنامه ها براساس مقررات و دستورالعمل های دقیق و جزئی انجام می شود. برنامه ها و فرآیندهای نظارت بر بانک ها و سایر مؤسسات مالی به صورت دقیق توسط نهادهای نظارتی همچون OCC و فدرال رزرو تعیین می شود. انتخاب نوع و چگونگی بازرسی های محلی با توجه به نتایج نظارت خارج از محل و با توجه به نوع فعالیت های بانک و ریسک هایی که متوجه آن است، تعیین شده و این بازرسی ها توسط تیم های تخصصی انجام می شود.

۴-۴. مروری بر قوانین و مقررات بانکی آمریکا

یکی از مهمترین قوانین بانکی آمریکا، قانون داد - فرانک سال ۲۰۱۰ است. در فصل اول این قانون، اهداف و وظایف شورای نظارت بر ثبات مالی و همین‌طور اهداف و وظایف اداره مطالعات مالی بیان شده است. در فصل‌های بعدی این قانون، عملکردهای نظارتی و دامنه اختیارات و وظایف سازمان‌های نظارتی نظیر OCC و فدرال رزرو تعیین شده است. طریقه نظارت و برخورد با بانک‌ها با ذکر جزئیات در مقررات بانک‌ها و بانکداری آورده شده است. به‌طور نمونه در بخش ۳۰ این مقررات، دستورالعمل‌های استانداردهای ایمنی و سلامت بانک‌ها و طریقه نظارت و برخورد با بانک‌ها در این خصوص بیان شده است. در پیوست ۲ بخش‌هایی از قوانین و مقررات بانکی آمریکا آورده شده است.

توجه به هدف نهایی نظارت بانکی در قانون داد-فرانک که نباید بر رشد اقتصادی اثر منفی داشته باشد، بسیار قابل توجه است. به‌ویژه وجود یک ماده قانونی (ماده ۱۲۳) قانون داد - فرانک ۲۰۱۰ برای الزام رئیس شورای نظارت بر ثبات مالی برای مطالعه و بررسی این مسئله بسیار جای تأمل دارد. براساس ماده ۱۲۳) قانون داد - فرانک رئیس شورای نظارت بر ثبات مالی موظف است حداقل هر پنج سال یک بار مطالعه‌ای در مورد تأثیر اقتصادی محدودیت‌های نظارتی بر ارائه خدمات مالی انجام دهد. این مطالعه باید شامل توصیه‌هایی در مورد ساختار بهینه محدودیت‌های نظارتی که حداکثرکننده کارایی و حداقل‌کننده تأثیر اقتصادی آنهاست، باشد.

۴-۵. جمع‌بندی

سیستم نظارت بانکی در آمریکا پیچیده بوده و هر یک از بانک‌ها براساس ملی یا ایالتی بودن و شرایط دیگر، تحت نظارت یکی از نهادهای اداره ممیزی پولی، هیئت‌مدیره فدرال رزرو یا شرکت ضمانت سپرده فدرال قرار می‌گیرند. برنامه‌ها و فرآیندهای نظارت بانکی براساس مقررات و دستورالعمل‌های دقیق و جزئی انجام می‌شود که توسط نهادهای نظارتی تعیین می‌شود. علاوه بر این، شورای نظارت بر ثبات مالی وظیفه هماهنگی میان نهادهای نام‌برده برای مواجهه با تهدیدات پیش روی سیستم مالی، شناسایی و کنترل ریسک‌های به‌وجود آمده در کل سیستم مالی را برعهده دارد.

یک نکته جالب در قانون داد-فرانک این است که به هدف نهایی نظارت بانکی و پیشگیری از اثر منفی آن بر رشد اقتصادی توجه ویژه‌ای شده است. بنابراین، تعریف اهداف نظارت در قانون بانکی یک کشور به‌صورت جامع و ملزم کردن سازمان ناظر برای حرکت در جهت تمامی آن اهداف بسیار مهم است.



۵. نظارت بانکی در مالزی

بانک مرکزی مالزی^۱ (BNM) وظیفه نظارت بانکی و محافظت از ثبات مالی در مالزی را برعهده دارد و علاوه بر آن وزارت مالی^۲ (MOF) هم نقش فعالی در سیستم نظارتی مالزی ایفا می‌کند.

۵-۱. تحولات بخش مالی در مالزی

بانک مرکزی مالزی در سال ۲۰۱۱ الگوی بخش مالی را برای یک بازه زمانی ده‌ساله (۲۰۲۰-۲۰۱۱) منتشر کرد که هدف آن حرکت مالزی به سمت یک اقتصاد با ارزش افزوده و درآمد بالاست. در این الگو بر مواردی نظیر توسعه بازارهای مالی پویا، افزایش سهم بخش مالی در رونق و رفاه اقتصادی، تقویت یکپارچگی مالی منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش مالی اسلامی در سطح بین‌المللی، رژیم مقرراتی و نظارتی کارآمد برای تضمین ثبات سیستم مالی، پرداخت‌های الکترونیکی و محافظت از مصرف‌کنندگان تأکید شده است.

در راستای این الگو قوانین جدیدی وضع شد که عبارتند از: قانون خدمات مالی در سال ۲۰۱۳ و قانون خدمات مالی اسلامی^۳ (IFSA) در سال ۲۰۱۳، که به ترتیب برای نظارت بر بخش‌های مالی متفاوت و اسلامی وضع شد. قانون خدمات مالی سال ۲۰۱۳ قانونی برای نظارت بر عملکرد بخش مالی متفاوت است که جایگزین قانون خدمات بانکداری و مالی سال ۱۹۸۹، قانون بیمه سال ۱۹۹۶، قانون سیستم‌های پرداخت سال ۲۰۰۳ و قانون کنترل ارز سال ۱۹۵۳ شده است. همچنین قانون خدمات مالی اسلامی سال ۲۰۰۹ قانونی مشابه قانون برای بخش مالی اسلامی است که جایگزین قوانینی نظیر قانون بانکداری اسلامی سال ۱۹۸۳ و قانون تکافل سال ۱۹۸۴ شده است.

بانک مرکزی اختیارات گسترده‌ای برای کنترل مؤسسات بانکی دارد که تحت هر یک از قوانین FSA یا IFSA مجوز گرفته‌اند. بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تحت قانون FSA و بانک‌های اسلامی و بانک‌های اسلامی بین‌المللی تحت قانون IFSA مجوز می‌گیرند و صدور و ابطال این مجوزها توسط وزارت مالی انجام می‌شود. همچنین صدور مجوز و نظارت بر فعالیت‌های بانکی که با ارزشهایی به جز رینگیت مالزی انجام می‌شود، توسط اداره نظارت مالی لبوان (Labuan FSA) صورت می‌گیرد. بانک‌های لبوان و بانک‌های اسلامی لبوان بانک‌هایی هستند که تحت نظارت مرکز مالی بین‌المللی لبوان بوده و به ترتیب مشمول قانون خدمات مالی و اوراق بهادار لبوان سال ۲۰۱۰ (LFSSA) و قانون خدمات مالی و اوراق بهادار اسلامی لبوان سال ۲۰۱۰ (LIFSSA) می‌شوند.

1. Bank Negara Malaysia (Central Bank of Malaysia)- BNM
2. Ministry Of Finance (MOF)
3. Islamic Financial Services Act (IFSA)
4. Labuan Financial Services and Securities Act 2010 (LFSSA)
5. Labuan Islamic Financial Services and Securities Act 2010

۲-۵. ساختار نظارت بانکی

بانک مرکزی مالزی وظیفه نظارت بانکی و محافظت از ثبات مالی در مالزی را برعهده دارد و علاوه بر آن وزارت مالی هم نقش فعالی در سیستم نظارتی مالزی ایفا می‌کند. از جمله موافقت با اعطای مجوز به بانک‌ها و قرار دادن شرایطی برای این مجوزها و همین‌طور لغو مجوزها و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به موارد معین از اختیارات وزارت مالی می‌باشد. وزارت مالی و بانک مرکزی به‌طور مجزا اختیاراتی برای صدور دستورالعمل‌ها دارند و به‌ویژه بانک مرکزی دستورالعمل‌های گوناگونی در خصوص مسائلی نظیر کفایت سرمایه، گزارش‌دهی مالی، مقررات پولشویی و استانداردهای احتیاطی منتشر می‌کند.

علاوه بر دو نهاد فوق، بانک‌های سرمایه‌گذاری که در بازارهای سرمایه فعالیت دارند، تحت نظارت کمیسیون اوراق بهادار^۱ (SC) هم قرار دارند. این کمیسیون براساس قانون کمیسیون اوراق بهادار سال ۱۹۹۳ ایجاد شده و وظیفه نظارت بر فعالیت‌های بازار سرمایه را برعهده دارد. دو نهاد BNM و SC ترتیباتی را میان خود ایجاد کرده‌اند که مسئولیت‌های هر یک در قبال نظارت بر بانک‌های سرمایه‌گذاری کاملاً مشخص باشد و در این راستا مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها را در مورد بانک‌های سرمایه‌گذاری به‌طور مشترک منتشر کرده‌اند. بانک مرکزی مسئول نظارت احتیاطی بر بانک‌های سرمایه‌گذاری با هدف تضمین ایمنی و سلامت آنها و همین‌طور مسئول ثبات کل سیستم مالی است، درحالی‌که SC مسئول نظارت بر کسب و کار بانک‌های سرمایه‌گذاری، ارتقاء یکپارچگی بازار و محافظت از منافع سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه است.

علاوه بر موارد فوق، صدور مجوز و نظارت بر فعالیت‌های بانکی که با ارزیابی به‌جز رینگیت مالزی انجام می‌شود، توسط اداره نظارت مالی لب‌آن صورت می‌گیرد.

۳-۵. برنامه نظارت بانکی

بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارت مالی در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در ایجاد یک سیستم نظارت مالی مؤثر داشته‌اند. بانک مرکزی یک رژیم مقرراتی و نظارتی توسعه‌یافته ریسک محور را به‌کار می‌گیرد که شامل برنامه‌های جامع نظارت محلی و نظارت خارج از محل در سطوح خرد و کلان است. در سیستم نظارت بانکی مالزی تأکید اصلی بر کنترل داخلی مؤسسات و عملکرد مدیریت ریسک آنها است. سیستم مدیریت ریسک و کنترل داخلی بانک‌ها در سطح مطلوبی می‌باشد و چارچوب جامع ریسک نقدینگی و همکاری مؤثر با سایر سازمان‌های نظارتی خارجی از ویژگی‌های مطلوب سیستم نظارتی مالزی است.

1. Security Commission (SC)



۴-۵. مروری بر قوانین بانکی مالزی

بخشی از فرآیند نظارت بر بانک‌ها که شامل بازرسی و جمع‌آوری اطلاعات و انواع اقدامات و نحوه برخورد بانک مرکزی با تخلفات است، به‌طور جزئی و مفصل در قوانین مالزی توضیح داده شده است. به‌عنوان نمونه در ماده (۳۰) قانون بانک مرکزی مالزی سال ۲۰۰۹ اختیارات گسترده‌ای برای کسب اطلاعات و مدارک از اشخاص گوناگون حقیقی و حقوقی و در ماده (۳۱) این قانون اختیارات گسترده‌ای برای اقدامات گوناگون در مورد اشخاص گوناگون به بانک مرکزی داده شده است. همچنین اختیار عزل و نصب مقامات مؤسسات مالی برای بانک مرکزی در ماده (۳۵) و ساختار و وظایف کمیته اجرایی ثبات مالی در مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون مطرح شده است. همچنین اختیارات بانک مرکزی برای بازرسی و کسب اطلاعات از اشخاص گوناگون در مواد (۱۴۶) تا (۱۵۰) قانون خدمات مالی سال ۲۰۱۳ و اختیار برای صدور دستورالعمل به مؤسسات و مجازات سرپیچی از آن در مواد (۱۵۵) تا (۱۵۸) این قانون بیان شده است. علاوه بر این، سایر اقدامات و نحوه برخورد بانک مرکزی با تخلفات در مواد (۲۱۸) تا (۲۶۶) این قانون به تفصیل توضیح داده شده است. در پیوست ۳ بخش‌هایی از قوانین بانکی مالزی آورده شده است.

۵-۵. جمع‌بندی

بانک مرکزی مالزی وظیفه نظارت بانکی و محافظت از ثبات مالی در مالزی را برعهده دارد و علاوه بر آن وزارت مالی هم نقش فعالی در سیستم نظارتی مالزی ایفا می‌کند. به‌عنوان نمونه موافقت با اعطای مجوز به بانک‌ها و قرار دادن شرایطی برای این مجوزها و همین‌طور لغو مجوزها و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به موارد معین از اختیارات وزارت مالی است. همچنین صدور مجوز و نظارت بر فعالیت‌های بانکی که با ارزیابی به‌جز رینگیت مالزی انجام می‌شود، توسط اداره نظارت مالی لب‌آن صورت می‌گیرد. بانک مرکزی یک رژیم مقرراتی و نظارتی توسعه‌یافته ریسک‌محور را به‌کار می‌گیرد که شامل برنامه‌های جامع نظارت محلی و نظارت خارج از محل در سطوح خرد و کلان است.

۶. نظارت بانکی در بلغارستان

نظارت بانکی در بلغارستان برعهده بانک مرکزی این کشور موسوم به بانک ملی بلغارستان^۱ (BNB) است و قانون بانک ملی بلغارستان این وظیفه را برعهده معاونت نظارت بانکی بانک ملی بلغارستان قرار داده است.

1. Bulgarian National Bank (BNB)

۱-۶. تحولات تاریخی سیستم نظارت بانکی

نظارت بانکی با تصویب قانون بانک ملی بلغارستان در سال ۱۸۸۵ به وجود آمد، براساس قانون دیگری که در سال ۱۹۰۶ به تصویب رسید، کمیته‌ای برای نظارت بانکی زیر نظر وزارت مالی تشکیل شد. در قانون دیگری که در سال ۱۹۱۱ تصویب شد، مسئولیت نظارت بانکی برعهده یک هیئت نظارت گذاشته شد که متشکل از سه عضو بوده و عزل و نصب آنها توسط رئیس دولت و با پیشنهاد وزیر مالی انجام می‌شد.

با تصویب قانون ضمانت سپرده‌های بانکی در سال ۱۹۳۱ نهاد جدیدی به نام هیئت بانکداران زیر نظر وزارت مالی تشکیل شد و وظیفه نظارت بر فعالیت‌های بانک‌ها برعهده آن گذاشته شد. این هیئت شامل پنج عضو بود که از سوی رئیس دولت منصوب می‌شدند و رئیس آن، نماینده‌ای از بانک ملی بلغارستان بود. با اصلاح قانون نام برده در سال ۱۹۳۳ تعداد اعضای هیئت بانکداران به هشت نفر رسید و به جهت استقلال بیشتر این هیئت مقرر شد که تأمین مالی آن توسط بانک‌های تجاری (و نه وزارت مالی) انجام شود.

در آغاز دوره سوسیالیسم در سال ۱۹۴۷ بانک‌ها دولتی شدند. هیئت وزیران در سال ۱۹۶۹ بخش بازرسی را در بانک ملی بلغارستان ایجاد کرد و در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶ اصلاحاتی را در مقررات بانکی انجام داد. هیئت وزیران در سال ۱۹۸۷ اقدام به اصلاح سیستم بانکی کرد که زمینه ایجاد نظارت بانکی را به شکل رسمی و اصولی فراهم کرد. تحول اساسی در نظارت بانکی با تصویب قانون بانک ملی بلغارستان در سال ۱۹۹۱ ایجاد شد که براساس آن وظیفه نظارت بانکی برعهده بانک ملی بلغارستان می‌باشد. با تصویب قانون بانکداری در سال ۱۹۹۲ و قانون بانک‌ها در سال ۱۹۹۷ شرایط فعالیت‌های بانک‌ها و اقدامات نظارتی در مورد آنها به‌طور جزئی مشخص شد و زمینه نظارت مؤثر بانکی توسط بانک ملی بلغارستان فراهم گردید.

۲-۶. ساختار نظارت بانکی

بخش نظارت بانکی بانک ملی بلغارستان زیر نظر معاونت نظارتی این بانک مسئولیت نظارت بانکی را به‌عهده دارد. ساختار اداری این بخش شامل چهار اداره عملیاتی به‌علاوه اداره حقوقی و سرپرستی است. اداره‌های عملیاتی عبارتند از: اداره سیاست نظارتی، اداره نظارت و تحلیل فاصله،^۱ اداره بازرسی و اداره نظارت خاص.

۳-۶. برنامه‌های نظارت بانکی

عملکرد بخش نظارت بانکی شامل موارد زیر است:

- صدور و لغو مجوز فعالیت‌های بانکی،



- صدور مجوز برای سهامدارانی که بیش از ۵ درصد حق رأی را در مجمع عمومی بانک دارا می‌باشند،
- دادن اجازه به بانک‌ها برای افتتاح شعب در خارج کشور، ادغام‌ها، تملک‌ها، کاهش سرمایه، افزایش سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری غیرنقدی^۱ و تملک سهام یک شرکت غیربانکی،
- نظارت یکپارچه^۲ بر گروه‌های بانکی و شرکت‌های هلدینگ مالی،
- صدور مجوز برای اعضای هیئت‌مدیره و مدیران بانک جهت تأیید صلاحیت حرفه‌ای و دارا بودن شرایط قانونی،

- تهیه و تصحیح مقررات و دستورالعمل‌های بانکی،

- بازرسی محلی،

- نظارت احتیاطی خارج از محل،

- به‌کارگیری رویه‌ها و اقدامات نظارتی با هدف تصحیح عملکرد بانک‌هایی که خود و سیستم بانکی را در معرض خطر قرار می‌دهند.

فعالیت‌های نظارتی بخش نظارت بانکی توسط اداره‌های مختلف این بخش انجام می‌شود. اداره نظارت و تحلیل فاصله به‌طور منظم اطلاعات آماری فرستاده شده از سوی بانک‌ها را جمع‌آوری، خلاصه و بررسی می‌کند و براساس آن، تحلیل مالی در مورد وضعیت فعلی و آتی بانک‌ها و همین‌طور تحلیل ریسک‌های پیش روی بانک‌ها و گروه‌های بانکی و کل سیستم بانکی را ارائه می‌دهد. اطلاعات آماری بانک‌ها باید به‌صورت هفتگی، ماهانه و فصلی دریافت شود و این اداره باید فرم‌ها و ساختارهای مشخصی را برای این گزارش‌ها تهیه کند. همچنین این اداره وظیفه بررسی طرح کسب‌وکار متقاضیان مجوز بانکی را برعهده دارد.

نظارت خارج از محل دارای یک محدودیت مهم است. این نظارت بستگی به صحت و کامل بودن گزارش‌های فرستاده شده از سوی بانک‌ها دارد. لذا لازمه نظارت مؤثر، بازرسی‌های محلی است که مکمل نظارت خارج از محل بوده و اطلاعات جزئی‌تر و واقعی‌تری را به‌دست می‌دهد. اداره بازرسی برنامه سالیانه‌ای برای بازرسی‌های منظم و همین‌طور بازرسی‌های ویژه برای بانک‌های در معرض ریسک دارد. این بازرسی‌ها توسط گروه‌های بازرسی متشکل از سه تا پنج نفر انجام می‌شود. فرآیند بازرسی با تحلیل اولیه اطلاعات به‌دست آمده از نظارت خارج از محل و تعیین موارد مسئله‌دار در فعالیت هر بانک آغاز می‌شود. در این رابطه در اغلب موارد به سبد اعتباری و نقدینگی بانک توجه می‌شود.

نکات منفی در وضعیت مالی بانک‌ها شامل موارد زیر است: عدم کفایت سرمایه، کیفیت پایین دارایی‌ها، کمبود نقدینگی و سودآوری کم یا منفی. دلایل وجود این موارد غالباً عملکرد غلط سیستم کنترل داخلی بانک و همین‌طور نحوه مدیریت بخش‌های مختلف آن است. اگر هر یک از مسائل فوق در فرآیند بازرسی کشف شد، باید مشخص شود که مسئله مورد نظر تا چه حد جدی است؟ آیا ریسک

مستقیمی را متوجه سپرده‌گذاران می‌کند؟ آیا می‌تواند موجب ورشکستگی بانک شود؟ و در صورت ورشکستگی بانک، این مسئله چه تأثیری بر سیستم بانکی می‌گذارد؟

اداره بازرسی در پایان بازرسی هر بانک باید گزارشی را به مدیریت بانک ملی بلغارستان بفرستد و در صورت لزوم در این گزارش، اقدامات و مجازات‌هایی را پیشنهاد کند و همین‌طور باید گزارش بازرسی خود را به هیئت‌مدیره بانک بازرسی شده ارائه دهد. اداره بازرسی علاوه بر بازرسی‌های منظم دوره‌ای باید بازرسی‌های موردی و خاص در مورد بانک‌های خاص و برای کنترل ریسک‌های گوناگون داشته باشد و همین‌طور باید رویه‌هایی برای کنترل بانک‌های مسئله‌دار و انجام اقدامات لازم در قبال آنها ارائه کند.

اداره سیاست نظارتی مسئول تنظیم مقررات جدید و بازبینی و تطبیق الزامات و دستورالعمل‌های بین‌المللی اتحادیه اروپا با چارچوب قانون جدید می‌باشد و برای این منظور باید فعالیت‌های خود را با اتحادیه بانک‌های تجاری، انجمن حساب‌سازان و سایر ادارات رسمی هماهنگ کند. این اداره موظف است کیفیت گزارش‌های سالیانه بانک‌ها و گزارش حسابرسی داخلی آنها را ارزیابی و لیست حساب‌سازان مورد تأیید بانک ملی بلغارستان را تهیه و نگهداری کند. همچنین این اداره تعیین‌کننده نهایی صدور یا عدم صدور مجوزهای تقاضا شده برای فعالیت‌های بانکی است. این اداره موظف است که روابط میان بانک ملی بلغارستان و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را برقرار کند، از بانک‌های خارجی که متقاضی مجوز فعالیت در بلغارستان هستند، بازرسی کند و گزارش‌های پژوهشی و مالی را برای گزارش سالیانه بانک ملی بلغارستان تهیه کند. وظایف اداره نظارت خاص به شرح زیر است:

- کنترل روابط میان سهامداران عمده و مدیریت بانک و نقل و انتقال سهام و اموال مربوط به بانک،
 - کنترل سرمایه‌گذاری بانک در سایر مؤسسات و اعتباراتی که بدین‌منظور اختصاص یافته است،
 - نظارت و بازرسی مؤسسات مالی غیربانکی و تعیین اقدامات و مجازات‌هایی برای آنها،
 - بازرسی از فعالیت‌هایی که می‌تواند در ارتباط با پولشویی باشد،
 - بازرسی از افراد مرتبط با بانک‌ها که مظنون به انجام فعالیت‌های غیرقانونی باشند.
- اداره حقوقی و سرپرستی به‌طور مستقیم زیر نظر معاون نظارتی بانک ملی بلغارستان بوده و در صورت نیاز سایر اداره‌ها به مشورت حقوقی، باید خدمات حقوقی به آنها ارائه کند. همچنین کنترل فعالیت‌های مأموران و هماهنگی برنامه آموزش حرفه‌ای کارکنان برعهده این اداره است.
- پس از ورشکستگی چهارمین بانک بزرگ بلغارستان در سال ۲۰۱۴، بانک ملی بلغارستان در سال ۲۰۱۵ یک برنامه اصلاحی را برای اصلاح و توسعه بیشتر نظارت بانکی در بلغارستان اجرا کرد. این برنامه با هدف نزدیک کردن سطح نظارت بانکی بلغارستان به استانداردهای بین‌المللی به‌ویژه اصول اساسی بازل برای نظارت بانکی مؤثر طراحی شد. در طراحی این برنامه مسائل عملی و نواقص ساختاری نظارت بانکی در بلغارستان مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه تغییراتی در دو بخش انجام شد: تغییراتی در



عملکرد داخلی بانک ملی بلغارستان و تغییراتی که به‌طور مستقیم بر مؤسسات اعتباری اثر می‌گذاشت. تغییرات در عملکرد داخلی بانک ملی بلغارستان شامل موارد زیر بود:

۱. اصلاح قوانین و مقررات با هدف انطباق نظارت بانکی با اصول بازل،
۲. نظارت داخلی سالیانه بر عملکرد نظارت بانکی و ارائه گزارش فصلی در مورد وضعیت نظارت بانکی،
۳. ایجاد بخش بازسازی بانک زیر نظر بانک ملی بلغارستان در خارج از بخش نظارت بانکی و افزایش تعداد بازرسان بانک‌ها.

تغییراتی که به‌طور مستقیم بر مؤسسات اعتباری اثر می‌گذاشت، شامل موارد زیر بود:

۱. افزایش اختیارات نظارتی بانک ملی بلغارستان برای برکناری اعضای هیئت‌مدیره و هیئت ناظران و سایر مقامات مدیریتی،
۲. ارائه الزاماتی برای تغییر حساب‌ها و افشای اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت آنها،
۳. ارائه تعریف بهتری از قواعد و الزامات برای نظارت داخلی بانک‌ها، وام‌های بزرگ، توافق با اشخاص مرتبط و حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها،
۴. تطبیق الزامات و فرآیندهای خاص برای اجرای برنامه‌های بازسازی بانک،
۵. تصویب قوانین و رویه‌هایی برای مداخله زودهنگام بانک ملی بلغارستان در صورت بروز بحران بانکی.

۴-۶. مروری بر قوانین بانکی بلغارستان

در قوانین بانکی بلغارستان وظایف و عملکردهای نظارتی به‌طور کلی مطرح شده است. فصل یازدهم قانون بانکداری بلغارستان سال ۱۹۹۲ به نظارت بانکی اختصاص دارد و اختیارات بازرسی و جمع‌آوری اطلاعات و طبقه‌بندی با بانک‌ها به‌طور کلی در قالب چهار ماده (مواد ۵۳ تا ۵۷) بیان شده است. همچنین انواع تخلفات بانکی و اقدامات و مجازات‌هایی که بانک مرکزی می‌تواند در مورد بانک‌ها اعمال کند، در ماده (۶۵) قانون بانک‌ها سال ۱۹۹۷ (اصلاحیه سال ۱۹۹۹) به‌صورت کلی بیان شده است. بخش‌هایی از قوانین بانکی بلغارستان در پیوست ۴ آورده شده است.

۵-۶. جمع‌بندی

نظارت بانکی در بلغارستان برعهده معاونت نظارت بانکی بانک مرکزی این کشور می‌باشد. اگر چه بانک ملی بلغارستان از یک روش ریسک‌محور برای نظارت استفاده کرده و با به‌کار گرفتن برنامه وسیع بازرسی، و توجه به نظارت احتیاطی کلان سطح نسبتاً مطلوبی از نظارت بانکی را ایجاد کرده است، اما واگذار کردن بخش عمده‌ای از اختیارات نظارت به معاونت نظارت بانکی، عملکرد نظارت بانکی را با ریسک‌هایی مواجه کرده است.

۷. نظارت بانکی در افغانستان

نظارت بانکی در افغانستان برعهده بانک مرکزی این کشور است که بخش نظارت امور مالی در بانک مرکزی انجام می‌دهد.

۷-۱. تاریخچه نظارت بانکی

بانک مرکزی افغانستان که «افغانستان بانک» نامیده می‌شود، در سال ۱۳۱۸ شمسی تأسیس شد. در فاصله سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۸۰ شمسی این بانک علاوه بر وظایف ضرب و نشر پول و حفظ ارزش پول به امور بانکداری دولت هم می‌پرداخت و حتی امور بانکداری تجارتي را همانند سایر بانک‌ها انجام می‌داد. این بانک در سال ۱۳۸۱ شمسی به صورت یک بانک مستقل در آمده و دیگر فعالیت‌های بانکی تجاری را انجام نداد و مسئولیت اعطای جواز فعالیت و نظارت بر مؤسسات بانکی و مالی را برعهده گرفت. اما نظارت بانکی به صورت سازمان یافته در سال ۱۳۹۴ شمسی با تصویب قانون بانکداری افغانستان محقق شد. براساس این قانون، بخش نظارت امور مالی در بانک مرکزی افغانستان ایجاد شد و پس از آن، مقررات بانکداری هم تصویب و اجرا شد.

۷-۲. ساختار نظارت بانکی

بخش نظارت امور مالی در بانک مرکزی افغانستان مسئولیت نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی را برعهده دارد. این بخش شامل سه معاونت است: معاونت نظارت عمومی، معاونت خدمات مقرراتی و معاونت بانکداری اسلامی. معاونت نظارت عمومی دارای دو بخش بازرسی محلی و نظارت خارج از محل می‌باشد. معاونت خدمات مقرراتی متشکل از شش بخش است: بخش صدور مجوز، بخش نظارت خاص، بخش مقررات، بخش تحقیق و توسعه، بخش مبارزه علیه پولشویی و تأمین مالی تروریسم و بخش نهادهای پولی الکترونیکی. معاونت بانکداری اسلامی هم از سه بخش تشکیل شده که عبارتند از: بخش بازرسی محلی، بخش نظارت خارج از محل و بخش پیروی از احکام شریعت.

همچنین هیئت نظارت شرعی یک نهاد مستقل زیر نظر بانک مرکزی است که وظیفه نظارت شرعی بر محصولات و خدمات نهادهای مالی و بانک‌ها را برعهده دارد. این هیئت، بانک‌ها و هیئت شرعی آنها را در زمینه اجرای مسئولیت‌هایشان در خصوص تطبیق و رعایت مسائل شرعی مساعدت می‌کنند. همچنین این هیئت، وظیفه بررسی و تصویب مقررات و دستورالعمل‌های مربوط به بانکداری اسلامی را که توسط بانک مرکزی به آن ارجاع گردیده باشد، برعهده دارد.



۳-۷. برنامه نظارت بانکی

بانک‌ها باید براساس مقررات بانکی در افغانستان یک برنامه جامع برای مدیریت نقدینگی طرح‌ریزی کنند که شامل نظارت هیئت نظار و هیئت اجرائیه بانک و سیاست‌ها و دستورالعمل‌های لازم می‌باشد و باید یک استراتژی نقدینگی شامل اهداف، شیوه‌های عمومی و سیاست‌های معین برای اداره روزانه نقدینگی خود داشته باشند. نظارت بر نحوه تبعیت بانک‌ها از مورد فوق و سایر مقررات بانکی از طریق بازرسی‌های محلی و نظارت خارج از محل بانک مرکزی انجام می‌شود.

تمام بانک‌ها براساس یک برنامه مشخص، تحت نظارت معاونت نظارت عمومی بانک مرکزی قرار دارند و این معاونت به هریک از بانک‌ها براساس نتایج ارزیابی‌های خود، نمره‌ای بین ۱ تا ۵ اختصاص می‌دهد. بخش نظارت خاص در معاونت خدمات مقرراتی موظف است که اقدامات اصلاحی را در مورد بانک‌هایی که براساس نتایج ارزیابی معاونت نظارت عمومی، مسئله‌دار تشخیص داده می‌شوند، انجام داده و همچنین بازرسی‌های محلی را در برخی موارد مشخص جهت پیگیری موضوعات مربوطه انجام دهد.

۴-۷. مروری بر قانون بانکداری سال ۱۳۹۴ شمسی

در این قانون^۱ به‌صورت جزئی به بسیاری از مسائل بانک‌ها و نحوه نظارت بر آنها پرداخته شده است. در فصل نهم این قانون به طریقه گزارش‌دهی بانک‌ها و جمع‌آوری اطلاعات توسط بانک مرکزی پرداخته شده است. براساس ماده (۹۹) این فصل، تمام بانک‌ها و شرکت‌های تابع و وابسته آنها تحت نظارت بانک مرکزی قرار می‌گیرند. در این ماده، اختیارات بازرسی و جمع‌آوری اطلاعات با ذکر جزئیات مورد بحث قرار گرفته است. در فصل دهم این قانون، اقدامات اصلاحی در مورد بانک‌ها و انواع برخورد‌ها و مجازات‌هایی که بانک مرکزی می‌تواند علیه آنها اعمال کند، به تفصیل بیان شده است و در فصل یازدهم به‌طور مفصل در مورد الزامات گروه مالی شامل بانک، شرکت بانکی متبوع و شرکت‌های تابع و وابسته آن و طریقه نظارت بر آنها (که در بحث نظارت یکپارچه اهمیت دارد) بحث شده است. فصول نهم، دهم و یازدهم این قانون در پیوست ۵ آورده شده است.

۵-۷. جمع‌بندی

نظارت بانکی در افغانستان برعهده بانک مرکزی این کشور است. نظارت بانکی به‌صورت سازمان‌یافته در سال ۱۳۹۴ شمسی با تصویب قانون بانکداری افغانستان محقق شد. در این قانون به‌صورت جزئی و دقیق به بسیاری از مسائل بانک‌ها و نحوه نظارت بر آنها پرداخته شده است.

۱. قانون بانکداری افغانستان سال ۱۳۹۴، برگرفته از پایگاه اینترنتی به نشانی:

جمع‌بندی نهایی

۱. در کشورهای گوناگون، با توجه به سیر تاریخی تحول نهادهای آن کشور و وقایع گوناگون، قوانین و سیستم نظارتی به صورت متفاوتی شکل گرفته است. از نظر سیستم نظارت بانکی می‌توان کشورهای مورد بررسی در این گزارش را از نظر تعداد سازمان‌های نظارتی به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول کشورهای هستند که نظارت بانکی در آنها برعهده بانک مرکزی است. کشورهای نظیر بلغارستان، مالزی^۱ و افغانستان جزء این گروه از کشورها هستند. دسته دوم کشورهایی که سیستم نظارتی آنها پیچیده‌تر بوده و وظیفه نظارت بانکی در آنها برعهده بانک مرکزی و یک یا چند سازمان مستقل می‌باشد که این کشورها شامل آلمان، ژاپن، انگلستان و آمریکا هستند.

با توجه به اینکه نظام بانکی و به‌طور کلی بخش مالی در ایران از پیچیدگی چندانی برخوردار نیست، به نظر می‌رسد که بانک مرکزی بتواند همانند کشورهای نظیر بلغارستان، وظیفه نظارت بانکی را به خوبی انجام دهد. البته با توجه به اینکه سپردن وظیفه نظارت بانکی به بانک مرکزی می‌تواند با اشکالاتی همراه باشد و از طرفی با توجه به گسترش بخش بانکی و مالی در کشور، بهتر است این وظیفه برعهده یک سازمان مستقل زیر نظر بانک مرکزی گذاشته شود که با همکاری بانک مرکزی این کار را انجام دهد.

۲. در قوانین بانکداری کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان بر اهمیت هدف کارآیی و رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از اهداف نظارت بانکی تأکید شده است. به‌عنوان نمونه در انگلستان براساس مواد فصل اول قانون خدمات مالی و بازارها مصوب سال ۲۰۰۰، سازمان FCA در کنار وظیفه ایجاد سلامت و ثبات سیستم مالی، مسئولیت ارتقا کارآیی نظام مالی و حفاظت از حقوق و منافع مصرف‌کنندگان خدمات مالی را نیز برعهده دارد.

به‌عنوان نمونه دیگر می‌توان به شورای نظارت بر ثبات مالی آمریکا اشاره کرد. براساس ماده (۱۲۳) قانون داد - فرانک رئیس شورای نظارت بر ثبات مالی موظف است حداقل هر پنج سال یک بار مطالعه‌ای در مورد تأثیر اقتصادی محدودیت‌های نظارتی بر ارائه خدمات مالی انجام دهد. این مطالعه باید شامل توصیه‌هایی در مورد ساختار بهینه محدودیت‌های نظارتی باشد که حداکثرکننده کارآیی و حداقل‌کننده تأثیر اقتصادی آنهاست، به‌عبارت‌دیگر سیستم نظارت بانکی و مالی نباید در تعقیب هدف ثبات مالی به اندازه‌ای افراط کند که موجب کاهش رونق نظام بانکی و مالی شود و همین‌طور می‌تواند با قائل شدن امتیازاتی برای بانک‌ها، فعالیت‌های آنها را به‌سمتی هدایت کند که رونق و رشد اقتصادی بیشتری ایجاد شود. اگرچه هدف اصلی نظارت بانکی، ایمنی و سلامتی نظام بانکی قلمداد می‌شود، ولی در کنار این هدف، باید به اهداف دیگری نظیر حفاظت از حقوق و منافع سپرده‌گذاران، تسهیل عملکرد و رونق نظام بانکی، افزایش نقش نظام بانکی در رشد اقتصادی و حتی عدالت اقتصادی هم توجه کرد و تصریح این

۱. در مورد مالزی، وظیفه نظارت بر فعالیت‌های بانکی که با پول داخلی انجام می‌شود بر عهده بانک مرکزی است.



اهداف در قانون بانکداری می‌تواند چارچوب کلی عملکرد سازمان نظارتی را مشخص نماید. البته باید توجه شود که فلسفه وجود سیستم نظارت مالی ایجاد اطمینان در مورد ثبات مالی است، ولی این سیستم را می‌توان به گونه‌ای با نهادهای متولی برنامه‌های اقتصادی هماهنگ کرد که اهداف دیگری نظیر رشد اقتصادی را هم در کنار هدف ثبات مالی در سیاست‌های نظارت مالی دنبال کند. به‌عنوان نمونه، کمیته سیاست مالی در انگلستان چنین کارکردی دارد. براساس بند 9C ماده (۴) بخش اول قانون خدمات مالی سال ۲۰۱۲ انگلستان، کمیته سیاست مالی زیر نظر بانک مرکزی دارای دو هدف ثبات مالی و حمایت از سیاست اقتصادی دولت در مورد رشد و اشتغال می‌باشد و براساس بند 9D همین ماده از قانون، وزارت خزانه‌داری، سیاست اقتصادی دولت را به این کمیته اعلام می‌کند.

۳. در قوانین بانکداری کشورها به موضوعات مختلفی پرداخته شده که می‌توان این موضوعات را به چهار بخش تقسیم کرد:

بخش اول - ساختار و تشکیلات سازمان نظارتی،

بخش دوم - اهداف، وظایف و عملکردهای سازمان نظارتی،

بخش سوم - روش‌های نظارتی (الزام استفاده از انواع روش‌های نظارت برای سازمان نظارتی و بانک‌ها)،

بخش چهارم - انواع تخلفات بانک‌ها و انواع برخوردها و مجازات‌ها در مورد آنها.

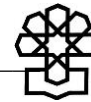
البته در قانون بانکداری هر کشور به برخی از موارد فوق پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه، بخش سوم (روش‌های نظارتی) فقط در قانون بانکداری آلمان به تفصیل آمده و در قوانین سایر کشورها کمتر به آن اشاره شده است. در سیستم نظارت مالی انگلستان چند نهاد مختلف برای نظارت مالی تعریف شده که باید با همکاری و مشورت با هم وظیفه نظارت مالی را انجام دهند و به همین دلیل در قوانین بانکی انگلستان، توجه زیادی به تعریف ساختار نهادهای مذکور و روابط میان آنها (بخش اول) شده است. ویژگی قوانین بانکداری کشورهای مالزی و افغانستان این است که بخش چهارم (انواع تخلفات بانکی و انواع برخوردها و مجازات‌ها در مورد آنها) در قالب فصول و مواد گوناگون به‌طور مفصل آورده شده است. قانون بانکداری بلغارستان هم به بخش‌های دوم و چهارم توجه شده، ولی ویژگی این قانون این است که موارد مذکور به‌صورت کلی و مختصر مطرح شده است.

در جدول ۱ تحلیلی جزئی در مورد قوانین بانکی کشورها (بخش‌های مرتبط با نظارت بانکی) انجام شده است. در این تحلیل مشخص شده که در قانون بانکداری هر کشور در قالب چه مواد قانونی به هریک از مسائل مهم مطرح شده در ستون اول این جدول پرداخته شده است. این تحلیل می‌تواند به‌عنوان الگویی برای طراحی یا اصلاح مواد قوانین بانکی کشور به‌کار گرفته شود.

جدول تحلیل مواد قانون بانکداری کشورها در مورد نظارت بانکی

افغانستان	بلغارستان	مالزی	آمریکا	انگلستان	ژاپن	آلمان	
بانک مرکزی	بانک مرکزی	بانک مرکزی	فدرال رزرو	PRA	FSA	بافین	سازمان نظارت ^۱
قانون بانکداری سال ۱۳۹۴ شمسی	قانون بانکداری سال ۱۹۹۲ و قانون بانکها سال ۱۹۹۷	قانون خدمات مالی سال ۲۰۱۳	قانون داد - فرانک سال ۲۰۱۰	قانون خدمات مالی و بازارها سال ۲۰۰۰	قانون بانکداری سال ۱۹۸۱	قانون بانکداری سال ۱۹۹۸	قانون مورد نظر
بخش اول - ساختار و تشکیلات سازمان نظارتی							
-	-	-	مواد فصل ۱۱۰۸	ماده A۲ فصل ۲ و مواد (۲)، (۳)، (۴) تا (۱۴) بخش ZB۱	-	-	تعداد اعضا، شرایط و طریقه انتصاب، عزل و مدت مسئولیت
-	ماده (۶۷) فصل ۱۲ قانون بانکها	-	-	مواد (۲۹) تا (۳۲) بخش ZB۱	-	فصل ۵۱	تعیین بودجه سازمان نظارتی
-	-	-	-	ماده (۱۵) بخش ZB۱	-	-	چگونگی تعیین حق الزحمه اعضا
-	-	-	-	مواد (۴) و (۵) بخش ZB۱	-	-	چگونگی تشکیل و اداره جلسات (سازوکار تصمیم‌گیری)
-	-	-	-	ماده (۱۶) بخش ZB۱	-	-	تعیین کمیته‌های تخصصی و اداره‌های زیرمجموعه
بخش دوم - اهداف، وظایف و کارکردهای سازمان نظارتی							
-	بند «۲» ماده (۵۳) فصل ۱۱ قانون بانکداری	ماده (۶) بخش ۲	-	مواد B۲ تا H۲ فصل ۲	-	مواد (۲) و (۴) فصل ۶	اهداف و مسئولیت‌های عمومی سازمان نظارتی

۱. این تحلیل در مورد کشورهایی که چند نهاد نظارت بانکی دارند، تنها برای یکی از این نهادها ارائه شده، و عنوان اختصاری آن در ردیف دوم جدول آمده است. برای اطلاع از نام کامل و سایر مشخصات نهاد نظارتی به بخش‌های یک تا هفت این تحقیق مراجعه شود.



افغانستان	بلغارستان	مالزی	آمریکا	انگلستان	ژاپن	آلمان	
ماده (۹۹) فصل ۹، مواد (۱۰۰) تا (۱۰۶) فصل ۱۰	-	ماده (۷) بخش ۲ و مواد (۴۷) و (۱۲۳) و (۱۳۷) تا (۱۳۹) بخش ۵، مواد (۱۵۵) و (۱۵۶) بخش ۱۲	مواد فصول ۶۰۵، ۶۱۵ و ۶۱۶	مواد I۲ تا K۲ فصل ۲، مواد B۳ و C۳ فصل ۳ و مواد (۱)، (۱۶)، (۱۷) و (۲۳) تا (۲۵) بخش ZB۱	مواد (۲۴) تا (۲۹) از فصل ۴	ماده (۳) فصل ۶ و تمام مواد فصول A۶ ۳۲، ۳۳ و ۳۵	تعیین کارکردهای سازمان نظارتی به صورت کلی یا جزئی
ماده (۹۷) و بند «۲» ماده (۹۸) فصل ۹	بند «۱» و «۳» ماده (۵۳) و (۵۵) فصل ۱۱ قانون بانکداری	ماده (۱۴۴) بخش ۱۰ و مواد (۱۴۶) تا (۱۴۸) و (۱۵۰) بخش ۱۱	مواد فصل ۶۰۴	-	مواد (۲۴) و (۲۵) از فصل ۴	مواد (۱) و (۴) فصل ۶ B و تمام مواد فصول ۴۴ A، ۴۴ B	اختیار سازمان نظارتی برای بازرسی مؤسسات و جمع آوری اطلاعات
بند «۳» و «۴» ماده (۹۸) فصل ۹	-	ماده (۱۳۳) بخش ۵	مواد فصل ۱۱۰۳	-	-	فصول ۹ و B۴۴	محدودیتها و الزامات رازداری و افشای اطلاعات
ماده (۱۳۳) فصل ۱۱	ماده (۵۴) فصل ۱۱ قانون بانکداری	-	-	مواد D۳ تا O۳ فصل ۳	مواد (۵۷-۵) تا (۵۷-۷) فصل ۸	فصول ۷، ۷، AV، DV، C ۷، B۷ و ۸	روابط با سایر نهادهای داخلی و خارجی
-	-	-	مواد فصل ۱۱۰۹	مواد L۲ و M۲ فصل ۲ و مواد (۱۹) تا (۲۲) بخش ZB۱	مواد (۵۶) و (۵۷) فصل ۸	فصل ۶۰ B	الزامات پاسخگویی و گزارش دهی سازمان نظارتی
بخش سوم - روش های نظارتی							
-	-	-	-	-	-	مواد (۲) تا (۴) فصل ۶ B	الزام استفاده از انواع نظارت و روش های نظیر آزمون بحران
ماده (۹۹) فصل ۹، بند «۳» ماده (۱۰۸) و ماده (۱۱۰) فصل ۱۰، مواد (۱۱۸) تا (۱۳۲) فصل ۱۱	بند «۴» ماده (۵۵) فصل ۱۱ قانون بانکداری	-	مواد فصل ۶۰۵	-	مواد (۵۲-۹) تا (۵۲-۳۵) فصل ۲-۷ و مواد (۵۳) تا (۵۵) فصل ۸	فصول ۸ A، ۸، ۸، C، E ۸، F ۸، A ۱۲ و C ۱۳	الزام و طریقه نظارت بر مؤسسات وابسته و تابعه بانک، سهامداران و گروه های بانکی

افغانستان	بلغارستان	مالزی	آمریکا	انگلستان	ژاپن	آلمان	
ماده (۱۱۹) فصل ۱۱	-	ماده (۴۷) بخش ۵	مواد فصل ۶۱۹	-	-	فصول ۱۰ تا I۱۰ و ۱۱	تعیین مقدار یا محدوده نسبت‌های احتیاطی و یا مشخص کردن مکانیسم تعیین این نسبت‌ها
-	-	-	-	-	-	فصول ۱۰ E، تا H۱۰	تعیین برنامه برای نظارت احتیاطی کلان و کنترل ریسک‌های سیستمی
بخش چهارم - انواع تخلفات بانکی و انواع برخوردها و مجازات‌ها در مورد آنها							
ماده (۹۷) و بند «۱» ماده (۹۸) فصل ۹، بند «۱» ماده (۱۰۷)، بند «۱» ماده (۱۰۸) فصل ۱۰ و ماده (۱۲۰) فصل ۱۱	بند «۱» ماده (۶۵) فصل ۱۲ قانون بانک‌ها	مواد (۴۸) و (۱۲۴) بخش ۵، ماده (۱۴۳) بخش ۱۰، مواد (۱۴۹) و (۱۵۱) بخش ۱۱، ماده (۱۵۸) بخش ۱۲ و تمام مواد بخش‌های ۱۳ و ۱۵	-	مواد (۲۳) تا (۲۵) بخش ۲، ماده B۱۳۳ بخش ۴، ماده (۱۷۷) بخش ۶، ماده F۱۹۱ بخش ۱۲، ماده L۳۰۱ بخش ۱۸، ماده (۳۵۲) بخش ۲۳، مواد (۳۹۷)، (۴۰۰) و (۴۰۱) بخش ۲۷	تمام مواد فصل ۹	فصول ۳۵ تا ۳۷	تعیین انواع تخلفات بانکی
بند «۲» ماده (۱۰۷) و مواد (۱۰۸) تا (۱۱۷) فصل ۱۰	ماده (۵۶) فصل ۱۱ قانون بانکداری و بند «۲» ماده (۶۵) فصل ۱۲ قانون بانک‌ها	مواد (۱۴۹) و (۱۵۱) بخش ۱۱، ماده (۱۵۸) بخش ۱۲ و تمام مواد بخش‌های ۱۳ و ۱۵	-	مواد (۲۹) و (۳۰) بخش ۱ ZB، مواد (۲۳) تا (۲۵) بخش ۲، ماده B۱۳۳ بخش ۴، ماده (۱۷۷) بخش ۶، ماده F۱۹۱ بخش ۱۲، ماده L۳۰۱ بخش ۱۸، ماده (۳۵۲) بخش ۲۳، مواد (۳۹۷)، (۴۰۰) و (۴۰۱) بخش ۲۷	تمام مواد فصل ۹	فصول ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۵ تا ۳۸، ۴۵ تا ۴۵ C، ۴۶، ۴۶ تا ۵۴ و ۵۶ تا ۵۹ A	تعیین انواع برخوردها و مجازات‌ها در مورد تخلفات بانکی

مأخذ: قوانین بانکی کشورها (قید شده در ردیف سوم جدول).



پیوست ۱- بخش‌هایی از قوانین بانکی انگلستان

۱-۱. قانون خدمات مالی و بازارها مصوب سال ۲۰۰۰ (براساس اصلاحات صورت گرفته در قانون خدمات مالی مصوب سال ۲۰۱۲)

بخش اول

فصل ۱- اداره هدایت مالی (FCA)

ماده 1A: اداره هدایت مالی (FCA)

۱. نهادی که پیش از این مقام مسئول خدمات مالی (FSA) نامیده می‌شد، اداره هدایت مالی (FCA) نامیده می‌شود.

۲. ساختار FCA براساس الزامات مندرج در برنامه IZA مشخص می‌شود.

۳. همچنین عملکرد FCA در برنامه IZA مشخص شده است.

ماده 1B: وظایف عمومی FCA

۱. عملکرد FCA باید به گونه‌ای باشد که:

الف) در راستای هدف استراتژیک آن باشد،

ب) در راستای پیشبرد یک یا چند هدف عملکردی آن باشد.

۲. هدف استراتژیک FCA عبارت است از تضمین اینکه بازارهای مرتبط به خوبی کار کنند.

۳. هدف‌های عملکردی FCA عبارتند از:

الف) هدف حمایت از مصرف‌کننده،

ب) هدف یکپارچگی،

ج) هدف رقابت.

۸. عملکردهای عمومی FCA عبارتند از:

الف) عملکرد آن در مورد وضع مقررات براساس این قانون،

ب) عملکرد آن در مورد تهیه و انتشار دستورالعمل‌هایی براساس این قانون،

ج) عملکرد آن در رابطه با دادن راهنمایی‌های عمومی براساس این قانون،

د) عملکرد آن در تعیین قواعد و سیاست عمومی در مورد انجام عملکردهای خاص.

ماده 1C: هدف حمایت از مصرف‌کننده

۱. هدف حمایت از مصرف‌کننده عبارت است از تعیین یک میزان حمایت مناسب از مصرف‌کنندگان.

ماده 1D: هدف یکپارچگی

۱. هدف یکپارچگی عبارت است از محافظت و افزایش یکپارچگی سیستم مالی بریتانیا.

۲. یکپارچگی سیستم مالی بریتانیا شامل موارد زیر است:

(الف) خوبی، ثبات و مقاوم بودن،

(ب) عدم به‌کارگیری سیستم با هدف جرم مالی،

(ج) عدم تأثیرپذیری از سوءاستفاده‌های بازار،

(د) عملکرد منظم بازارهای مالی،

(ه) شفافیت فرآیند قیمتگذاری در بازارهای آن.

ماده 1E: هدف رقابت

هدف رقابت عبارت است از ارتقاء رقابت مؤثر به‌نفع مصرف‌کنندگان در بازارها.

ماده 1L: لازم است FCA ترتیباتی را برای نظارت و کنترل عملکرد اشخاص تحت نظارت خود ایجاد و حفظ کند.

ماده 1M: وظیفه عمومی FCA برای مشورت

لازم است FCA ترتیباتی را برای مشورت با افراد ایجاد و حفظ نماید تا براساس آن، عملکرد و سیاست‌های عمومی آن با وظایف عمومی مندرج در ماده IB انطباق داشته باشد.

ماده 1N: خزانه‌داری می‌تواند یک فرد مستقل را برای بررسی اقتصادی، کارآیی و اثربخشی که FCA در استفاده از منابع خود در انجام وظایف خود داشته است، تعیین نماید.

فصل ۲ - اداره نظارت احتیاطی (PRA)

ماده 2B: هدف عمومی PRA

۱. عملکردهای PRA باید در راستای دستیابی به هدف عمومی آن باشد.

۲. هدف عمومی PRA عبارت است از ارتقاء ایمنی و سلامتی اشخاص تحت نظارت PRA.

۳. این هدف از طریق اقدامات زیر محقق می‌شود:

(الف) تلاش برای تضمین شدن اینکه فعالیت اشخاص تحت نظارت PRA تأثیر منفی بر ثبات سیستم مالی بریتانیا ندارد،

(ب) تلاش برای حداقل کردن تأثیر منفی ورشکستگی اشخاص تحت نظارت PRA بر ثبات مالی بریتانیا.

فصل ۳ - رابطه میان PRA و FCA

ماده 3D: وظیفه PRA و FCA برای هماهنگ کردن اقدامات

۱. هریک از دو نهاد باید اقدامات خود را طوری انجام دهند که:

(الف) در مواردی که مرتبط با اهداف نهاد دیگر باشد، با آن مشورت کند،

(ب) در موضوعاتی که به نهاد دیگر مربوط است، از اطلاعات و توصیه‌های نهاد دیگر استفاده نماید.

**ماده 3E:** تفاهمنامه همکاری

۱. دو نهاد باید یک تفاهمنامه آماده کنند که:

الف) نقش هریک را در رابطه با نظارت مشخص نماید،

ب) چگونگی روابط آنها را براساس ماده 3D مشخص نماید.

ماده 3G: اختیار مشخص کردن مرز میان مسئولیت‌های PRA و FCA را برای وزارت خزانه‌داری قائل شده است.

ماده 3H: اختیار PRA برای محدود کردن اقدامات FCA

ماده 3O: هماهنگی PRA و FCA با بانک انگلستان

۱. هریک از دو نهاد باید اقدامات لازم را برای هماهنگی با بانک انگلستان در رابطه با پیگیری هدف ثابت مالی این بانک بنماید.

۲. هماهنگی مورد بحث در بند «۱» شامل به اشتراک گذاشتن اطلاعاتی می‌باشد که نهاد مربوطه منعی برای افشای آن ندارد.

برنامه 1ZA: اداره هدایت مالی (FCA)

ساختار: ساختار FCA دارای یک هیئت‌رئیس است که رئیس، مدیر اجرایی و یک عضو آن توسط وزارت خزانه‌داری و دو عضو آن به‌طور مشترک توسط دبیر دولت و وزارت خزانه‌داری تعیین شده و معاون بانک انگلستان در امور مقررات احتیاطی هم عضو ثابت این هیئت است.

شرایط انتصاب و عزل: در بندهای «۲»، «۳» و «۴» محدودیت‌هایی برای عضویت کارکنان دو نهاد نظارتی FCA و PRA در هیئت‌رئیس FCA مشخص شده است و خزانه‌داری و دبیر دولت هم موظف شده‌اند که پیش از انتخاب اعضا، تحقیق کنند که آنها دارای منافع شخصی در رابطه با مسئولیت مزبور نیستند.

خزانه‌داری به دو دلیل می‌تواند اعضای منصوب شده را عزل کند:

۱. بی‌کفایتی و عدم انجام درست وظایف محوله به آنها

۲. داشتن منافع شخصی در رابطه با وظایف محوله به آنها.

انتشار نتیجه جلسات هیئت‌رئیس: براساس بند «۱۰» این برنامه نتیجه تمام جلسات هیئت‌رئیس باید حداکثر تا ۶ هفته پس از برگزاری آن منتشر شود.

گزارش سالیانه: FCA باید حداقل یک بار در سال گزارش عملکرد و پیشرفت در جهت اهداف استراتژیک و عملیاتی خود را به خزانه‌داری ارائه دهد.

نشست سالیانه: باید حداکثر سه ماه پس از ارائه گزارش توسط FCA برگزار شود و پاسخ سؤالات مطرح شده و توضیحات لازم درباره گزارش سالیانه ارائه گردد و نتیجه این نشست حداکثر تا یک ماه

پس از آن منتشر شود.

جریمه‌ها: جریمه‌های دریافتی FCA صرف هزینه‌های اداره آن نشده بلکه FCA باید برنامه‌ای آماده و اجرا نماید که این جریمه‌ها برای تأمین منافع مؤسسات و اشخاص تحت نظارت آن هزینه شود.
حق الزحمه‌ها: لازم است که FCA مقرراتی را برای پرداخت حق‌الزحمه‌ها تنظیم کند که بتواند با استفاده از آن هزینه‌های اداره خود به‌علاوه ذخایر کافی برای آینده را تأمین نماید.

برنامه 1ZB: اداره نظارت احتیاطی (PRA)

ساختار: شامل رئیس بانک انگلستان به‌عنوان رئیس، معاون بانک انگلستان در امور مقررات احتیاطی به‌عنوان مدیر اجرایی و یک هیئت‌رئیس شامل رئیس، معاون اجرایی، معاون بانک انگلستان در امور ثبات مالی، مدیر اجرایی FCA و سایر اعضا (منتصب از سوی بانک انگلستان و با تأیید وزارت خزانه‌داری) می‌باشد.

بودجه سالیانه: PRA باید برای هر سال مالی، بودجه سالیانه را تهیه و به تصویب بانک انگلستان برساند. گزارش سالیانه، نشست سالیانه، جریمه‌ها و حق‌الزحمه‌ها: با کمی تفاوت، مشابه FCA است.

۱-۲. **قانون بانکداری سال ۲۰۰۹ (براساس اصلاحات صورت گرفته در قانون خدمات مالی مصوب سال ۲۰۱۲)**

ماده (۲۳۸) - ثبات مالی بریتانیا

بعد از فصل ۲ قانون بانک انگلستان سال ۱۹۹۸ (عملکرد دیوان مدیران) اضافه می‌شود:

۲- الف) هدف ثبات مالی

۱. یکی از اهداف بانک انگلستان محافظت و بهبود ثبات سیستم مالی بریتانیاست.

۲. در پیگیری هدف ثبات مالی، بانک انگلستان با سایر نهادهای مرتبط (شامل خزانه‌داری، اداره

هدایت مالی و اداره نظارت احتیاطی) همکاری می‌کند.

ماده (۲۵۰) - اطلاعات

اداره هدایت مالی باید اطلاعاتی را که در رابطه با ثبات مالی مؤسسات یا جنبه‌هایی از ثبات سیستم مالی بریتانیاست، جمع‌آوری کند.

۱-۳. **قانون خدمات مالی مصوب سال ۲۰۱۲**

ماده (۴) بخش اول: استراتژی ثبات مالی و کمیته سیاست مالی

۱. بعد از بخش ۱ قانون بانک انگلستان سال ۱۹۹۸ اضافه می‌شود:

بخش ۱- الف) ثبات مالی

**9A: استراتژی ثبات مالی**

۱. دیوان مدیران باید:

- الف) استراتژی بانک را در مورد هدف ثبات مالی (استراتژی ثبات مالی) معین کند،
 - ب) در طول زمان این استراتژی را بررسی و در صورت نیاز اصلاح کند.
۲. قبل از تعیین یا اصلاح استراتژی ثبات مالی بانک، دیوان مدیران باید در مورد پیش‌نویس آن با کمیته سیاست مالی (FPC) و خزانه‌داری مشورت کند.
۳. کمیته سیاست مالی (FPC) باید در زمان‌های مختلف توصیه‌هایی را در مورد استراتژی ثبات مالی بانک به دیوان مدیران ارائه کند.

9B: کمیته سیاست مالی (FPC)

۱. کمیته سیاست مالی زیرمجموعه دیوان مدیران بانک انگلستان بوده و شامل اعضای زیر است:

- الف) رئیس بانک،
- ب) معاونان بانک،
- ج) مدیر اجرایی FCA،
- د) عضو منصوب از سوی رئیس بانک پس از مشورت با رئیس خزانه‌داری،
- ه) چهار عضو منصوب از سوی رئیس خزانه‌داری،
- و) نماینده خزانه‌داری.

9C: اهداف کمیته سیاست مالی (FPC)

۱. عملکرد کمیته سیاست مالی باید در جهت دستیابی به اهداف زیر باشد:
 - الف) مشارکت در دستیابی به هدف ثبات مالی بانک انگلستان،
 - ب) حمایت از سیاست اقتصادی دولت در مورد رشد و اشتغال.
۲. مسئولیت کمیته در رابطه با هدف ثبات مالی بانک انگلستان شامل شناسایی، کنترل و اقدام در جهت حذف یا کاهش ریسک‌های سیستمی در راستای محافظت و ارتقاء تاب‌آوری سیستم مالی بریتانیا می‌باشد.
۳. ریسک‌های سیستمی شامل موارد زیر است:
 - الف) ریسک‌های سیستمی مربوط به جنبه‌های ساختاری بازارهای مالی نظیر ارتباطات میان مؤسسات مالی،
 - ب) ریسک‌های سیستمی مربوط به توزیع ریسک در بخش مالی،
 - ج) سطوح ناپایدار رشد بدهی و اعتباری.
۴. بندهای «۱-الف» و «۲» کمیته را به اقداماتی که نقش بخش مالی را در رشد اقتصاد بریتانیا در میان‌مدت و بلندمدت تضعیف نماید ملزم نمی‌کند.

9D: تعیین موارد مرتبط با سیاست اقتصادی

۱. خزانه‌داری می‌تواند سیاست‌های اقتصادی دولت را در خصوص بند «۱-ب» ماده 9C مشخص نماید.

9G: عملکردهای کمیته سیاست مالی

۱. عملکردهای کمیته سیاست مالی عبارتند از:

الف) کنترل ثبات سیستم مالی بریتانیا با نظر به شناخت و ارزیابی ریسک‌های سیستمی،

ب) جهت‌دهی براساس ماده 9H،

ج) ارائه توصیه‌هایی به اشخاص گوناگون براساس ماده 9O تا 9R،

د) تهیه گزارش‌های ثبات مالی براساس ماده 9W.

۲. دیوان مدیران می‌تواند با توافق با خزانه‌داری، برخی عملکردهای بانک انگلستان را به کمیته سیاست مالی واگذار نماید.

9H: جهت‌دهی به FCA یا PRA در مورد اقدامات احتیاطی کلان

۱. کمیته سیاست مالی می‌تواند برای FCA یا PRA قواعدی را مشخص کند که براساس آن عمل نمایند.

9L: اقدامات احتیاطی کلان

۱. در ماده 9H اقدام احتیاطی کلان اقدامی است که توسط دستورالعمل خزانه‌داری مشخص می‌شود.

۲. خزانه‌داری باید قبل از ایجاد یک دستورالعمل مورد نظر این ماده:

الف) با کمیته سیاست مالی مشورت نماید،

ب) در صورتی که خزانه‌داری تشخیص دهد که وقفه‌ای که در اثر مشورت با کمیته ایجاد می‌شود

ممکن است ثبات سیستم مالی بریتانیا را به خطر بیندازد، می‌تواند با رئیس بانک انگلستان مشورت نماید.

9Y: بانک انگلستان می‌تواند اطلاعات لازم برای اقدامات خود را از FCA یا PRA بگیرد.



پیوست ۲ - بخش‌هایی از قوانین و مقررات بانکی آمریکا

۱-۲. قانون اصلاح وال استریت و حمایت از مصرف‌کننده داد-فرانک مصوب سال ۲۰۱۰

ماده (۱۱۲) - اهداف و وظایف شورای نظارت بر ثبات مالی

۱. به‌طور کلی اهداف شورا عبارتند از:

الف) تشخیص ریسک‌هایی که ثبات مالی آمریکا را تهدید می‌کند و می‌تواند از آشفتگی یا شکست بخش مالی یا فعالیت‌های روزمره شرکت‌های هلدینگ بانکی یا شرکت‌های مالی غیربانکی و یا از خارج بازار خدمات مالی منتج شود،

ب) ارتقاء سازوکار بازار از طریق حذف توقعات از سهامداران، اعتباردهندگان و طرف‌های شرکت‌هایی که دولت از آنها محافظت کرده،

ج) پاسخ به تهدیدات پیش روی ثبات سیستم مالی آمریکا.

۲. وظایف:

الف) جمع‌آوری اطلاعات از سایر سازمان‌ها و در صورت لزوم ارزیابی ریسک‌های سیستم مالی آمریکا و اداره دفتر پژوهش‌های مالی جهت جمع‌آوری اطلاعات از شرکت‌های هلدینگ بانکی و شرکت‌های مالی غیربانکی،

ب) دیده‌بانی سیستم مالی به‌منظور تشخیص ریسک‌های سیستمی بالقوه،

ج) ارائه تغییرات مقررات به‌کنگره جهت ارتقاء ثبات، رقابت‌پذیری و کارایی،

د) تسهیل تبادل اطلاعات و هماهنگی میان نهادهای نظارتی،

ه) دادن مشاوره‌هایی به نهادهای نظارتی در مورد استانداردهای جدید یا کامل‌تر نظارتی،

و) تشخیص شکاف در مقررات که می‌تواند منجر به بروز ریسک سیستمی شود،

ز) بررسی استانداردهای حسابداری و ارائه توضیحات در مورد آن،

ح) ارائه سازوکاری برای حل و فصل اختلافات میان اعضای شورا،

ط) شورا باید هر ساله گزارش عملکرد خود را به‌کنگره ارائه دهد.

ماده (۱۲۳) - مطالعه آثار اندازه و پیچیدگی مؤسسات مالی بر کارایی بازار سرمایه و رشد اقتصادی

الف) ضرورت مطالعه

۱. رئیس شورا باید مطالعه‌ای در مورد تأثیر اقتصادی محدودیت‌های نظارتی بر ارائه خدمات مالی انجام دهد.

۲. این مطالعه باید شامل توصیه‌هایی در مورد ساختار بهینه محدودیت‌های نظارتی باشد که حداکثرکننده کارایی و حداقل‌کننده تأثیر اقتصادی آنهاست.

ب) حداکثر تا ۱۸۰ روز از شروع اجرای این قانون و حداقل هر پنج سال یک بار پس از آن، رئیس

شورا باید گزارشی در مورد نتایج این مطالعه به‌کنگره ارائه دهد.

۲-۲. قانون فدرال رزرو

ماده (۷) فصل ۹- بانک‌های ایالتی عضو فدرال رزرو تحت بازرسی هیئت مدیره سیستم فدرال رزرو یا بانک فدرال رزرو قرار می‌گیرند.

فصل ۲۱- بازرسی بانک

ممیز پولی با موافقت دبیر خزانه‌داری، بازرسانی را جهت بازرسی بانک‌های ملی^۱ منصوب می‌نماید. بازرسان اختیار کامل برای بازرسی از تمام امور بانک و همین‌طور شرکت‌های وابسته به آن را داشته و درنهایت باید گزارش بازرسی خود را به ممیز پولی ارائه دهند.

۲-۳. مقررات بانک‌ها و بانکداری (براساس تغییرات سال ۲۰۱۵)**بخش ۴ - ماده (۲-۴) - اداره ممیزی پولی (OCC)**

اداره OCC وظیفه ایمنی و سلامت عملکرد مؤسسات تحت نظارت خود، مطابقت عملکرد آنها با قوانین، ایجاد دسترسی منصفانه به خدمات مالی و رفتار منصفانه با مشتری‌ها را برعهده دارد.

عملکردهای OCC شامل بازرسی و نظارت بر بانک‌های ملی، شعب فدرال و ادارجات بانک‌های خارجی و مؤسسات پس‌انداز فدرال می‌باشد. همچنین OCC وظیفه انتشار قوانین و مقررات مربوط به مؤسسات پس‌انداز ایالتی را هم برعهده دارد.

بخش ۳۰- استانداردهای ایمنی و سلامتی

ماده (۳-۳۰) - تعیین و اطلاع دادن عدم دستیابی به استانداردهای ایمنی و سلامت و تقاضا برای ارائه طرح تطبیق

در این ماده توضیح داده شده که اگر OCC با بازرسی و بررسی‌های گوناگون تعیین کند که یک بانک، شرایط ایمنی و سلامت آمده در پیوست الف این بخش را ندارد، در این صورت از بانک می‌خواهد تا طرح تطابق خود را ارسال کند.

ماده (۴-۳۰) - ارائه طرح تطابق ایمنی و سلامت

این ماده بانک را مکلف می‌کند که پس از ۳۰ روز از دریافت درخواست OCC طرح تطابق خود را که شامل توضیحی درباره مراحل تصحیح نواقص و برنامه زمانبندی برای این مراحل است، برای OCC بفرستد.

ماده (۵-۳۰) - صدور دستور برای تصحیح نواقص طرح تطابق و اقدامات دیگر

در این ماده توضیح داده شده که OCC باید یک اطلاعیه پیش از صدور دستور برای بانک بفرستد و بانک به آن پاسخ دهد و سپس OCC دستور نهایی را صادر نماید.

۱. بانک‌ها به دو دسته کلی ملی و ایالتی تقسیم می‌شوند.



ماده (۶-۳۰) - اجرای دستورات

در این ماده توضیح داده شده که OCC می‌تواند از طریق دادگاه قضایی دارای صلاحیت و یا از طریق وضع جرمه نقدی و یا از طرق قانونی دیگر در جهت اجرای دستور صادر شده اقدام نماید.

پیوست (الف) بخش ۳۰: دستورالعمل‌های استانداردهای ایمنی و سلامت

(I) تعاریف و هدف

(II) استانداردهای عملکردی و مدیریتی

الف) کنترل‌ها و سیستم‌های اطلاعات داخلی

هر مؤسسه باید کنترل‌ها و سیستم‌های اطلاعات داخلی متناسب با اندازه، ماهیت، دامنه و ریسک فعالیت‌هایش داشته باشد که موارد زیر را مهیا سازد:

۱. ساختار سازمانی با خطوط روشن اختیارات و مسئولیت‌ها،

۲. ارزیابی مؤثر ریسک،

۳. گزارش‌های مالی و عملکردی منظم و درست در دوره‌های زمانی معین،

۴. رویه‌هایی برای محافظت و مدیریت دارایی‌ها،

۵. تطبیق با قوانین و مقررات مربوطه.

ب) سیستم حسابرسی داخلی

هر مؤسسه باید یک سیستم حسابرسی داخلی متناسب با اندازه، ماهیت، دامنه و ریسک فعالیت‌هایش داشته باشد که موارد زیر را مهیا سازد:

۱. کنترل سیستم کنترل داخلی،

۲. استقلال و هدفمندی،

۳. افراد واجد شرایط،

۴. آزمون و بررسی سیستم اطلاعات،

۵. ثبت آزمون‌ها و یافته‌ها و اقدامات اصلاحی،

۶. بررسی اقدامات مدیریتی در مورد نقاط ضعف،

۷. بررسی کارایی سیستم حسابرسی داخلی توسط کمیته حسابرسی یا هیئت‌مدیره مؤسسه.

ج) ثبت اسناد وام

هر مؤسسه باید اسناد وام‌های خود را ایجاد و نگهداری نماید تا:

۱. مؤسسه بتواند براساس آن تصمیمات قرض دادن را آگاهانه اتخاذ کرده و ریسک را برآورد نماید،

۲. هدف وام و منبع پرداخت آن را تعیین کرده و توانایی قرض‌گیرنده را در بازپرداخت بدهی‌ها در

موقع مقرر ارزیابی نماید،

۳. تضمین نماید که هر ادعایی علیه یک قرض‌گیرنده از نظر قانونی قابل اجرا خواهد بود،
۴. مدیریت مناسبی نشان داده و وام را کنترل نماید،
۵. اندازه و پیچیدگی وام را محاسبه کند.

د) تعهد اعتباری^۱

هر مؤسسه باید تعهد اعتباری را ایجاد نماید که:

۱. متناسب با انواع و شرایط اعطای وام باشد،
۲. ماهیت بازارهایی که وام‌ها در آن داده می‌شود را در نظر بگیرد،
۳. شرایط مالی قرض‌گیرندگان، مسئولیت مالی هر ضامن، ماهیت و ارزش هر وثیقه، ویژگی قرض‌گیرنده و تمایل وی به بازپرداخت را بررسی نماید،
۴. سیستم مستقلی را برای بررسی اعتبار ایجاد نماید که ارتباط مناسبی با مدیریت و هیئت‌مدیره داشته باشد،
۵. تمرکز کافی بر ریسک اعتباری داشته باشد،
۶. متناسب با اندازه مؤسسه و ماهیت و دامنه فعالیت‌های آن باشد.

ه) ریسک نرخ بهره

۱. هر مؤسسه باید ریسک نرخ بهره را با روشی متناسب با اندازه مؤسسه و پیچیدگی دارایی‌ها و تعهدات آن مدیریت کند.
۲. گزارش‌های دوره‌ای به مدیریت و هیئت‌مدیره با در نظر گرفتن ریسک نرخ بهره ارائه شود و حاوی اطلاعات کافی برای ارزیابی سطح ریسک باشد.

و) رشد دارایی

رشد دارایی هر مؤسسه باید محتاطانه و با در نظر گرفتن موارد زیر باشد:

۱. منابع و وجوهی که برای ایجاد رشد دارایی به کار گرفته می‌شود،
۲. هر افزایشی در ریسک اعتباری یا ریسک نرخ بهره در نتیجه رشد دارایی،
۳. تأثیر رشد بر سرمایه مؤسسه.

ز) کیفیت دارایی

هر مؤسسه سپرده‌پذیر باید متناسب با اندازه، ماهیت و قلمرو فعالیت‌هایش، سیستمی را برای تشخیص دارایی‌های مسئله‌دار^۲ و جلوگیری از انحراف آن دارایی‌ها ایجاد و نگهداری نماید. در این رابطه مؤسسه باید:

۱. بررسی‌های کیفیت دارایی را در فواصل زمانی معین برای تشخیص دارایی‌های مسئله‌دار دنبال کند،

1. Credit Underwriting
2. Problem Assets



۲. زیان‌های ذاتی در دارایی‌هایش را تخمین‌زده و منابع کافی را برای جذب زیان‌های تخمین‌زده شده ایجاد نماید،

۳. مجموع دارایی‌های مسئله‌دار را با سرمایه خود مقایسه کند،

۴. اقدام مناسبی برای حل و فصل دارایی‌های مسئله‌دار انجام دهد،

۵. اندازه و پتانسیل ریسک‌های متمرکز دارایی را بررسی نماید،

۶. گزارش‌های دوره‌ای دارایی‌ها به مدیریت و هیئت‌مدیره ارائه شود که حاوی اطلاعات کافی برای ارزیابی سطح ریسک دارایی باشد.

ک) درآمدها

هر مؤسسه سپرده‌پذیر باید متناسب با اندازه، ماهیت و قلمرو فعالیت‌هایش، سیستمی را برای ارزشیابی و کنترل درآمدها و ایجاد اطمینان از اینکه درآمدها برای نگهداری سرمایه و منابع کافی، کفایت می‌کنند، ایجاد و نگهداری نماید.

ل) جریمه‌ها، حق‌الزحمه‌ها و سودها

هر مؤسسه باید ترتیباتی را ایجاد کند که از طریق آن از پرداخت بیش از اندازه جریمه‌ها، حق‌الزحمه‌ها و سودها و یا مواردی که منجر به زیان مؤسسه شده و ایمنی و سلامت آن را تهدید می‌کند، خودداری نماید.

پیوست ۳- بخش‌هایی از قوانین بانکی مالزی

۱-۳. قانون بانک مرکزی مالزی سال ۲۰۰۹

بخش ۶- عملکردها و اختیارات بانک مرکزی در رابطه با ثبات مالی

فصل ۱- اختیارات برای ارتقاء ثبات مالی

ماده (۲۸)- اختیارات داده شده به بانک مرکزی براساس این قانون و موارد مذکور در جدول ۲ به‌منظور ارتقاء ثبات مالی می‌باشد.

ماده (۳۰)

۱. بانک مرکزی در جهت دستیابی به هدف ثبات مالی می‌تواند از هر اداره نظارتی یا مؤسسه دولتی در مالزی بخواهد که بر افراد زیر نظارت نماید و هر گونه اطلاعات و مدارک مربوط به فعالیت‌ها، تأمین مالی، حساب‌ها، نقل‌وانتقالات، حساب‌های مشتریان یا هر اطلاعات دیگری را که برای ثبات مالی مهم و مؤثر است، به بانک مرکزی ارائه دهد.

- هر مؤسسه مالی،

- هر ارائه‌کننده خدمت در بازار مالی،

- هر شخص دیگری که به اعتقاد بانک مرکزی ممکن است خطری را برای ثبات مالی ایجاد کند،

- هر شرکت مرتبط با اشخاص بندهای «۱»، «۲» و «۳».

۲. اگر هر یک از اشخاص مشمول بندهای «۱»، «۲»، «۳» و «۴» تحت نظارت هیچ اداره نظارتی یا مؤسسه دولتی نباشند، بانک مرکزی باید خودش اطلاعات و مدارک مورد نیاز مذکور در بند «۱» را تهیه کند.

ماده (۳۱)

۱. بانک مرکزی در مواردی که برای ثبات مالی ضروری می‌داند، می‌تواند:

الف) به اقداماتی در مورد یک دسته افراد دست بزند که به اعتقاد بانک می‌تواند موجب افزایش ثبات سیستم مالی یا محدود کردن انباشت ریسک نسبت به ثبات مالی شود.

ب) به‌منظور کاهش خطرات پیش روی ثبات مالی، دستوری را در مورد هر شخص متعلق به یک دسته از افراد صادر نماید.

- پیش از صدور دستور براساس پاراگراف ۱-ب، بانک مرکزی باید به شخص فرصت دفاع دهد.

- با وجود بند «۲» این ماده، بانک مرکزی اگر تشخیص دهد که وقفه موجب ایجاد خطر برای ثبات مالی می‌شود، می‌تواند دستور مربوط به پاراگراف ۱-ب را در ابتدا صادر نماید و فرصت دفاع پس از صدور دستور داده شود،

- دستور صادر شده براساس پاراگراف ۱-ب، می‌تواند پس از دفاع اصلاح شود.

۲. شخص مورد نظر بند «۱» این ماده باید از اقدام یا دستور صادر شده تبعیت نماید.



۳. بانک باید از طرق مختلف بررسی کند که آیا شخص مورد نظر بند «۱» از اقدام یا دستور صادر شده تبعیت کرده یا خیر.

۴. دستمزد حسابرس یا هر شخص دیگر برای اجرای بند «۶» و سایر هزینه‌های ارزیابی باید توسط شخص مورد نظر بند «۱» پرداخت شود.

۵. علی‌رغم لزوم تبعیت شخص براساس بند «۵» از هر اقدام یا دستور صادر شده براساس بند (۱)، این مسئله نباید بر الزامات طرف‌های توافقات مالی تأثیر بگذارد.

۶. هر شخصی که در اجرای بند «۵» یا هر الزامی از سوی بانک طبق بند «۶» ناموفق باشد، مرتکب جرم شده و باید به پرداخت جریمه حداکثر تا ده میلیون رینگیت یا حبس تا حداکثر ده سال و یا هر دو محکوم شود.

ماده (۳۲)

۱. بانک مرکزی می‌تواند با هدف حذف یا کاهش خطر نسبت به ثبات مالی:

الف) به هر مؤسسه مالی کمک‌های نقدی نماید،

ب) با سایر بانک‌های مرکزی کشورها بر سر کمک‌های نقدی به زیرشاخه‌ها و شعب مؤسسات مالی مالزی در سایر کشورها توافق کند،

ج) در مورد مؤسسات مالی که ورشکسته شده و یا بانک مرکزی احتمال می‌دهد که ورشکسته شود:

- سهام یا سایر ابزارهای سرمایه منتشر شده مؤسسه مالی را بخرد یا در آن سهمیم شود.

- مؤسسه مالی دیگری را مهیا کند یا شرکتی را براساس پاراگراف ۴۸-۱. د تأسیس نماید که تمام یا بخشی از کسب‌وکار، دارایی‌ها، سهام یا سایر ابزارهای سرمایه مؤسسه مالی را بخرد.

- براساس بند «۳۸-۲» به وسیله صدور دستور، کسب‌وکار، دارایی‌ها، تعهدات، سهام یا سایر ابزارهای سرمایه مؤسسه مالی را به یک شرکت تأسیس شده توسط بانک براساس پاراگراف ۴۸-۱. د یا مؤسسه مالی دیگر یا شخص دیگر واگذار نماید.

ماده (۳۵)

۱. بانک می‌تواند در صورت لزوم در راستای اختیاراتش در پاراگراف ۳۲-۱. ج-۱ در خصوص با مؤسسه مالی از طریق صدور دستور:

الف) هر مدیر، مقام یا کارمند مؤسسه مالی را برکنار نماید.

ب) قرارداد خدمات هر مدیر، مقام یا کارمند مؤسسه مالی را تغییر یا خاتمه دهد.

ج) هر فردی را به‌عنوان مدیر، مقام یا کارمند مؤسسه مالی منصوب نماید.

۲. بانک باید قبل از استفاده از اختیارات خود در بند «۱» این ماده فرصت دفاع به مؤسسه مالی بدهد.

ماده (۳۷) - کمیته اجرایی ثبات مالی

۱. برای اجرای ماده (۳۸) کمیته‌ای در بانک مرکزی با عنوان کمیته اجرایی ثبات مالی تشکیل می‌شود.
۲. این کمیته متشکل از رئیس بانک، معاون بانک و حداقل سه و حداکثر پنج عضو منصوب از سوی وزارت مالی با توصیه هیئت مدیره بانک مرکزی از میان مدیران منصوب براساس ماده (۱-۱۶) یا سایر افراد خواهد بود.
۳. دبیر خزانه‌داری وظیفه اطلاع‌رسانی و دعوت برای همه جلسات کمیته اجرایی ثبات مالی را برعهده دارد.
۴. دبیر خزانه‌داری یا نماینده او پس از دعوت برای جلسه کمیته اجرایی ثبات مالی باید خود در آن جلسه حضور داشته باشد.
۵. کمیته با صلاحدید بانک مرکزی تشکیل می‌شود.
۶. کمیته می‌تواند رویه‌های خودش را تعیین نماید.

ماده (۳۸) - اختیارات و عملکردهای کمیته اجرایی ثبات مالی

۱. بانک مرکزی باید طرح‌های زیر را در جلسات کمیته اجرایی ثبات مالی مطرح نماید:
 - الف) طرحی در رابطه با شخص یا مؤسسه مالی که تحت نظارت هر نهاد نظارتی دیگر باشد یا تحت نظارت بانک یا نهاد نظارتی دیگری نباشد:
 ۱. براساس پاراگراف ۳۱-۱. الف برای اقدام ویژه یک گروه از اشخاص مرتبط با میانجی‌گری مالی یا براساس پاراگراف ۳۱-۱. ب برای یک دستور صادر شده برای چنین اشخاصی از یک گروه،
 ۲. براساس پاراگراف ۳۲-۱. الف برای فراهم کردن کمک نقدینگی به مؤسسات مالی مربوطه،
 - ب) طرحی براساس پاراگراف ۳۲-۱. ب برای وارد شدن در برنامه‌هایی در ارتباط با شاخه‌ها یا شعب خارجی مؤسسات مالی مالزی،
 - ج) طرحی براساس پاراگراف ۳۲-۱. ج-۱ برای خرید یا مشارکت در سهام با سایر ابزارهای سرمایه مؤسسات مالی،
 - د) طرحی براساس پاراگراف ۳۲-۱. ج-۲ برای خرید کسب‌وکار، دارایی‌ها، تعهدات، سهام یا سایر ابزارهای سرمایه مؤسسات مالی دیگر،
 - ه) طرحی براساس پاراگراف ۳۲-۱. ج-۳ برای صدور دستوری برای واگذاری کسب‌وکار، دارایی‌ها، تعهدات، سهام یا سایر ابزارهای سرمایه مؤسسات مالی به یک شرکت تأسیس شده توسط بانک براساس پاراگراف ۴۸-۱. د یا مؤسسات مالی یا شخص دیگر.
۲. کمیته اجرایی ثبات مالی در مورد طرح‌های بانک براساس بند «۱» تصمیم‌گیری می‌کند و آن را تأیید یا رد می‌کند یا بانک را ملزم می‌کند که ملاحظات کمیته را لحاظ نماید و بانک باید تابع تصمیم کمیته باشد.



ماده (۴۰) - همکاری با سایر نهادهای نظارتی

۱. با هدف ارتقاء ثبات مالی، بانک مرکزی می‌تواند:

- الف) با سایر نهادهای نظارتی همکاری کرده و اقدامات خود را در این زمینه با هماهنگی آنها انجام دهد.
 - ب) اطلاعات و اسناد لازم را از سایر نهادهای نظارتی به‌دست آورد یا اطلاعات و اسناد را با سایر نهادهای نظارتی به اشتراک بگذارد، اگر بانک به‌دست آوردن یا به اشتراک گذاشتن این اطلاعات و اسناد را لازم بداند.
۲. وقتی بانک اطلاعات یا مدارک را براساس پاراگراف ۱. ب

الف) با نهاد نظارتی در مالزی به اشتراک گذاشت، این اطلاعات یا مدارک نباید برای هیچ شخصی فاش شود، مگر با توافق کتبی بانک،

ب) با نهاد نظارتی در خارج مالزی به اشتراک گذاشت، این نهاد نظارتی باید تعهد مناسبی برای محافظت از نگهداری اطلاعات و اسناد و اهدافی که از آنها استفاده خواهد شد بدهد.

ماده (۴۱) - مشاوره یا توصیه در مورد ثبات مالی به نهادهای نظارتی

بانک می‌تواند در جهت دستیابی به ثبات مالی، مشاوره یا توصیه‌هایی را به هر نهاد نظارتی در مالزی در موارد زیر نماید:

- الف) پیامدهای قانون، سیاست، یا اقدامات پیشنهاد شده توسط نهاد مربوطه بر ثبات مالی تأثیر گذارد.
- ب) اتخاذ اقدامات مناسب یا تدابیر حفاظتی با هدف ارتقاء ثبات مالی.

ماده (۴۲)

به‌جز مواردی که در پاراگراف ۴۰-۱. ب و ماده (۸۶) مطرح شده، هرگونه اطلاعات یا مدارک ارائه شده از سوی اشخاص براساس ماده (۳۰) نباید فاش شود.

۳-۲. قانون خدمات مالی ۲۰۱۳

بخش ۲: اهداف و اختیارات نظارتی و عملکردهای بانک مرکزی

ماده (۶) - اهداف نظارتی

هدف اصلی نظارت در این قانون، ارتقاء ثبات مالی است و بانک مرکزی جهت دستیابی به این هدف باید:

الف) موارد زیر را ارتقاء دهد:

- ۱. ایمنی و سلامتی مؤسسات مالی،
 - ۲. یکپارچگی و عملکرد منظم بازار پول و بازار ارز خارجی،
 - ۳. سیستم‌ها و ابزارهای پرداخت ایمن، کارا و قابل اطمینان،
 - ۴. انجام منصفانه، مسولانه و تخصصی کسب‌وکار توسط مؤسسات مالی.
- ب) در جهت محافظت از حقوق و منافع مصرف‌کنندگان خدمات و محصولات مالی تلاش نماید.

ماده (۷) - اختیارات و عملکردهای بانک مرکزی

۱. بانک باید از اختیارات خود استفاده کرده و عملکردهای خود را براساس این قانون به بهترین نحوی که مناسب می‌داند برای دستیابی به اهداف نظارتی داشته باشد و رئیس بانک باید از این اختیارات استفاده کرده و عملکردهای مربوطه را از طرف خودش داشته باشد.
۲. اختیارات و عملکردهای بانک براساس این قانون، مکمل نه ابطال‌کننده اختیارات و عملکردهای بانک براساس قانون بانک مرکزی سال ۲۰۰۹ می‌باشد.
۳. بانک مرکزی باید در طول زمان، وزیر مالی را درباره به‌کارگیری اختیارات و انجام عملکردهای خود براساس این قانون مطلع نماید.

بخش ۵ - الزامات احتیاطی**بخش ۱ - استانداردها در موارد احتیاطی****ماده (۴۷) - اختیار بانک مرکزی برای تعیین استانداردها در موارد احتیاطی**

۱. بانک می‌تواند استانداردهای مشخصی را در موارد احتیاطی مشخص کند که موجب ارتقاء موارد زیر شود:
 - الف) سلامتی موقعیت مالی یک مؤسسه،
 - ب) یکپارچگی، تخصص‌گرایی و افزایش کیفیت انجام کسب‌وکار، امور و فعالیت‌های مؤسسه.
۲. بدون محدود کردن عمومیت بند «۱» این ماده، استانداردهای مشخص شده می‌تواند مربوط به موارد زیر باشد:

الف) کفایت سرمایه،

ب) نقدینگی،

ج) حکمرانی شرکتی،

د) مدیریت ریسک،

هـ) معاملات با اشخاص مرتبط،

و) نگهداری از صندوق‌های ذخیره،

ز) صندوق‌های بیمه،

ک) ممانعت از به‌کارگرفته شدن عمدی یا غیرعمدی مؤسسات برای فعالیت‌های مجرمانه.

۳. منظور از پاراگراف ۲-هـ «معاملات با اشخاص مرتبط» معاملاتی است که با یک مؤسسه شامل موارد زیر انجام می‌شود:

الف) مدیر، مقام یا سهامدار مؤسسه،

ب) هر شخصی در موقعیتی که تأثیرگذار یا کنترل‌کننده مؤسسه است یا بر تصمیمات مؤسسه

تأثیر می‌گذارد،



ج) یک شخص مرتبط با افرادی که در پاراگراف‌های الف و ب اشاره شد،
ه) هر شخصی است که به اعتقاد بانک موجب ایجاد تعارض در منافع مؤسسه می‌شود.

ماده (۴۸) - انطباق مؤسسه، مدیر و مقام مؤسسه با استانداردها

۱. هر مؤسسه باید در هر زمان:

الف) با استانداردهایی که از سوی بانک براساس ماده (۴۷) بند «۱» در مورد آن مشخص می‌شود انطباق داشته باشد.

ب) تضمین کند که سیاست‌ها و رویه‌های داخل آن با استانداردهای مشخص شده از سوی بانک براساس ماده (۴۷) بند «۱» سازگار است.

ج) خواه استانداردهایی از سوی بانک براساس ماده (۴۷) بند «۱» مشخص شود یا خیر، باید کسب‌وکار، امور و فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای سازگار با مدیریت ریسک سالم و مدیریت مؤثر، محاسبه‌پذیر و شفاف مدیریت کند.

۲. هر مدیر یا مقام یک مؤسسه باید در هر زمان با سیاست‌ها و رویه‌های داخلی مؤسسه شامل سیاست‌ها و رویه‌های داخلی برای اجرای استانداردهای مشخص شده براساس بند «۱» ماده (۴۷)، منطبق باشد.

ماده (۴۹) - انطباق عملگر سیستم پرداخت با استانداردها

در صورتی که بانک برای ارتقاء اعتماد عمومی، یا برای ایمنی، قابلیت اطمینان و کارایی سیستم‌های پرداخت لازم بداند، بانک می‌تواند عملگر سیستم پرداخت را ملزم به انطباق با تمام یا برخی از استانداردهای مشخص شده در بند «۱» ماده (۴۷) نماید،

ماده (۱۲۲) - کاربرد

۱. مواد (۱۲۳) و (۱۲۴) باید در مورد خدمات و محصولات بازارهای سرمایه که در ماده (۲) بند «۱» قانون بازارها و خدمات سرمایه سال ۲۰۰۷ مشخص شده به‌کار گرفته شود.

۲. بانک باید وارد ترتیباتی با کمیسیون اوراق بهادار شود که در مورد نظارت بر انجام کسب‌وکار مربوط به خدمات و محصولات بازارهای سرمایه که در ماده (۲) بند «۱» قانون بازارها و خدمات سرمایه ۲۰۰۷ مشخص شده، همکاری نماید.

ماده (۱۲۳) - استانداردهای کسب‌وکار

۱. بانک مرکزی می‌تواند استانداردهایی را در مورد انجام کسب‌وکار در زمینه ارائه خدمات مالی با هدف تضمین منصفانه، مسئولانه و تخصصی بودن ارائه خدمات مالی به مصرف‌کنندگان مشخص نماید.

۲. بدون محدود کردن عمومیت بند «۱»، استانداردهای مشخص شده بانک می‌تواند در خصوص موارد زیر باشد:

الف) الزامات شفافیت و افشاء شامل ارائه اطلاعات به مصرف‌کنندگان مالی به‌گونه‌ای که درست،

واضح، زمانبندی شده بوده و گمراه‌کننده نباشد،

(ب) منصفانه بودن مفاد قرارداد با مصرف‌کننده مالی برای خدمات یا محصولات مالی،

(ج) ارتقاء خدمات یا محصولات مالی،

(د) ارائه توصیه یا مشاوره شامل ارزیابی مناسب بودن و مقرون‌به‌صرفه بودن خدمات یا محصولات

ارائه شده به مصرف‌کنندگان مالی،

(ه) مکانیسم‌هایی برای رسیدگی به شکایات.

۳. وقتی که بانک استاندارد را برای انجام کسب‌وکار براساس بند «۱» مشخص می‌نماید که مرتبط با

محصولات و خدمات بازارهای سرمایه تعریف شده در بند «۱» ماده (۲) قانون بازارهای سرمایه سال

۲۰۰۷ می‌باشد، این استاندارد باید به‌طور مشترک با کمیسیون اوراق بهادار تعیین شده باشد.

ماده (۱۲۴) - کسب‌وکار ممنوع شده

یک ارائه‌کننده خدمات مالی نباید موارد کسب‌وکار ممنوع شده را انجام دهد.

ماده (۱۳۳) - رازداری

۱. هر شخصی که به مدارک یا اطلاعات مرتبط با امور یا حساب مشتریان مؤسسه مالی دسترسی دارد،

نباید آن اسناد و اطلاعات را برای شخص دیگری افشا نماید.

۲. بند «۱» ماده نباید در موارد زیر به‌کار رود:

الف) افشای اطلاعات برای بانک مرکزی در راستای اختیارات و عملکردهای بانک براساس این قانون

یا قانون بانک مرکزی مالزی سال ۲۰۰۹

ب) انتشار خلاصه یا مجموعه‌ای از اطلاعات به نحوی که اطلاعات مربوط به یک مشتری خاص از

آن قابل برداشت نباشد.

محدودیت‌های مرتبط با محافظت از مصرف‌کننده (مواد (۱۳۷)، (۱۳۸) و (۱۳۹))

ماده (۱۳۷) - اعمال محدودیت بر پذیرش سپرده

ماده (۱۳۸) - اعمال محدودیت بر تبلیغات برای پذیرش سپرده

ماده (۱۳۹) - اعمال محدودیت بر به‌کار بردن واژه‌های خاص نظیر بانک

بخش ۱۰ - ارائه مدارک یا اطلاعات

ماده (۱۴۳) - ارائه مدارک یا اطلاعات به بانک مرکزی

۱. هر شخص فعال در بخش مالی که ملزم به ارائه اسناد یا مدارک به بانک شود باید اسناد یا مدارک

را به بانک ارائه نماید.

۲. در شرایطی که بانک اشخاصی را ملزم به ارائه مدارک یا اسناد نماید، آنها باید آن مدارک یا اسناد را

ارائه دهند.



۳. وقتی شخصی براساس بندهای «۱» و «۲» ملزم به ارائه مدارک یا اطلاعاتی می‌شود، او نباید مدارک یا اطلاعاتی را ارائه دهد که:

الف) می‌داند نادرست یا گمراه‌کننده است.

ب) نادرست یا ناقص است یا دارای اشکالاتی است.

۴. اطلاعات یا اسناد ارائه شده براساس بندهای «۱» و «۲» باید در یک دوره و به‌گونه‌ای که بانک مشخص کرده ارائه شود.

ماده (۱۴۴) - ارائه اطلاعات آماری و سایر اطلاعات

با هدف جمع‌آوری آمار یا سایر اطلاعات در مورد مؤسسات مالی در مالزی یا سایر اهداف نظارتی این قانون، بانک مرکزی می‌تواند هر شخصی را به ارائه هرگونه مدارک یا اطلاعات به بانک ملزم کند.

بخش ۱۱- بازرسی

ماده (۱۴۶) - بازرسی اشخاص تحت نظارت

۱. بانک مرکزی می‌تواند بدون اطلاع قبلی از کسب‌وکار و امور اشخاص تحت نظارت خود بازرسی نماید.

۲. بانک می‌تواند با هدف بازرسی براساس بند «۱»، هر مدیر، مقام یا کنترل‌کننده مرتبط با اشخاص تحت نظارت خود را مورد بازرسی قرار دهد.

ماده (۱۴۷) - وظیفه مهیا کردن دسترسی و ایجاد مدارک، اطلاعات و غیره

۱. به‌منظور بازرسی براساس ماده (۱۴۶)، هر شخص مورد بازرسی یا مدیر، مسئول یا کنترل‌کننده آن:

الف) باید دسترسی بانک مرکزی به مدارک شامل عنوان دارایی‌ها، تمامی اوراق بهادار نگهداری شده در رابطه با مبادلات مصرف‌کنندگان آن و سرمایه‌گذاری‌های آن، پول نقد، ساختمان‌ها، دستگاه‌ها و ماشین‌آلات فراهم نماید و مدارک موردنظر بانک را ایجاد کند.

ب) به بانک اجازه برداشتن کپی یا خلاصه مدارک مربوط به پاراگراف الف را بدهد.

ج) اطلاعات و توضیحات مورد نظر بانک را در مورد کسب‌وکار و امور خود به‌صورت شفاهی یا کتبی

به بانک ارائه دهد.

۲. بانک اختیار دارد مدارک، عناوین، اوراق بهادار، پول نقد، دستگاه، تجهیزات و ماشین‌آلاتی که براساس

بند «۱» به آنها دسترسی دارد، به تصرف خود درآورد. این اختیار در شرایطی است که بانک تشخیص دهد که موارد مذکور ممکن است:

الف) در صورت عدم تصرف بانک، مورد مداخله و یا در معرض آسیب یا حذف قرار گیرد.

ب) به‌عنوان مدرک برای ارائه در محاکم قانونی مورد نیاز باشد.

۳. هر شخصی که برخلاف بند «۱» عمل کند یا از تصرف بانک نسبت به موارد مذکور در بند «۲»

جلوگیری نماید، مرتکب جرم شده و محکوم به حبس تا حداکثر هشت سال و یا جریمه نقدی تا ۲۵

میلیون رینگیت و یا هر دو خواهد شد.

ماده (۱۴۸) - بازرسی از سایر اشخاص

۱. بانک می‌تواند با هدف بازرسی براساس ماده (۱۴۶) از افراد زیر بازرسی نماید:

الف) شخصی که مدیر یا مسئول شخصی بوده که مشمول بند «۱» ماده (۱۴۶) باشد،

ب) شخصی که با شخصی که مشمول بند «۱» ماده (۱۴۶) باشد، سروکار داشته است،

ج) شخصی که بانک اعتقاد دارد از واقعیت‌ها و مسائل مربوط به شخصی که مشمول بند «۱» ماده (۱۴۶) است، اطلاع دارد، از جمله حسابرس وی و این شخص باید مدارک، اطلاعات و توضیحات مربوطه را آن‌گونه که بانک می‌خواهد در اختیار آن قرار دهد.

۲. هر شخص مشمول پاراگراف ۱-ب یا حسابرس اشاره شده در پاراگراف ۱-ج نباید براساس بند «۱» مجبور به نقض قرارداد، عدم انجام تکلیف قانونی، و یا عدم رعایت محرمانه بودن مدارک و اطلاعات شود.

۳. هر شخصی که برخلاف بند «۱» عمل کند، مرتکب جرم شده و باید به حبس حداکثر تا هشت سال یا پرداخت جریمه تا ۲۵ میلیون رینگیت و یا هر دو محکوم شود.

ماده (۱۴۹) - حضور قبل از بانک

۱. هر شخصی که براساس مواد (۱۴۶) و (۱۴۸) مورد بازرسی قرار می‌گیرد باید قبل از بانک در محل و زمانی که بانک مشخص کرده حاضر شود.

۲. هر شخصی که بند «۱» را نقض کند مرتکب جرم شده و باید به حبس حداکثر تا هشت سال یا پرداخت جریمه تا ۲۵ میلیون رینگیت و یا هر دو محکوم شود.

ماده (۱۵۰) - بازرسی یا ارزیابی توسط حسابرس یا آمارگیر

۱. بانک می‌تواند یک شخص تحت نظارت، عملگر سیستم پرداخت یا شرکت هلدینگ مالی را ملزم کند که یک حسابرس یا آمارگیر را به کار گیرد تا بازرسی یا ارزیابی خاصی را در خصوص کسب‌وکار یا امور آن به‌گونه‌ای که بانک مشخص کرده، انجام دهد و گزارش بازرسی یا ارزیابی را به بانک ارائه دهد.

۲. وقتی که بازرسی یا ارزیابی براساس بند «۱» خواسته می‌شود، دستمزد حسابرس یا آمارگیر و سایر هزینه‌های مرتبط با چنین بازرسی یا ارزیابی باید از سوی شخص تحت نظارت یا عملگر سیستم یا شرکت هلدینگ مالی پرداخت شود.

ماده (۱۵۱) - اطلاعات محرمانه

اطلاعات و مدارک هرگونه ارزیابی، بازرسی، دستور و دستورالعمل صادر شده از سوی بانک برای اشخاص، محرمانه بوده و نباید فاش شود، مگر در مواردی که بانک تعیین کند.

۴. هر شخصی که بند «۱»^۱ را نقض کند، مرتکب جرم شده و باید به حبس تا هشت سال یا پرداخت

۱. براساس بند «۱» این ماده، تمام اسناد و مدارک بانک مرکزی، محرمانه تلقی شده و هیچ مقام مسئول، مدیر و کارمندی



جریمه تا ۲۵ میلیون رینگیت یا هر دو محکوم شود.

بخش ۱۲- دستورالعمل‌های انطباق

ماده (۱۵۶)- اختیار برای صدور دستورالعمل به مؤسسات

بانک می‌تواند دستورالعمل‌هایی برای مؤسسات در رابطه با کسب‌وکار، امور و دارایی‌های آنها صادر کند که موارد آن در ماده (۱۵۵)^۱ مشخص شده است.

ماده (۱۵۸) - نتایج سرپیچی از دستورالعمل‌ها

هر مؤسسه‌ای که از دستورالعمل صادر شده توسط بانک، سرپیچی نماید، مرتکب جرم شده و به حبس تا ۱۰ سال یا پرداخت جریمه تا ۵۰ میلیون رینگیت و یا هر دو محکوم می‌شود.

بخش ۱۳- مداخله و اقدامات درمانی

ماده (۱۶۲) - اختیار برکناری رئیس، مدیر اجرایی یا مقامات ارشد

بانک می‌تواند با توجه به ماده (۲۶۲) به وسیله یک دستور کتبی، رئیس، مدیر اجرایی یا مقام ارشد یک مؤسسه را از دفتر یا استخدام مؤسسه برکنار کند، اگر این اعتقاد را داشته باشد که وی:

الف) الزامات معین شده در ماده (۶۰)^۲ را رعایت نکرده،

ب) از مواد این قانون، دستورالعمل ماده (۱۵۶) و تعهد بانک طبق ماده (۲۵۹)^۳ سرپیچی کند.

ماده (۱۶۳)

۱. رئیس، مدیر اجرایی یا مقام ارشد برکنار شده از دفتر یا استخدام یک مؤسسه براساس ماده (۱۶۲) باید کارش را از روز مشخص شده در دستور بانک ترک کرده و در کسب‌وکار یا امور مؤسسه دخالت نکند.

۲. برکناری رئیس، مدیر اجرایی یا مقام ارشد براساس ماده (۱۶۲) باید قانونی و معتبر باشد هرچند در قرارداد و شرایط استخدامی او شرایط خاصی برای برکناری ذکر گردیده باشد.

ماده (۱۶۵) - شرایط استفاده از اختیارات بانک مرکزی

وقتی بانک این اعتقاد را داشته باشد که شرایط زیر در مورد یک مؤسسه وجود دارد، می‌تواند از اختیارات خود استفاده نماید:

الف) مؤسسه از قوانین مربوطه سرپیچی نماید،

ب) مؤسسه در تطبیق با هر دستورالعملی براساس ماده (۱۵۶) ناموفق باشد،

ج) دارایی‌های مؤسسه برای پاسخگویی به سپرده‌گذاران، شرکا و اعتباردهندگان کافی نباشد،

د) سرمایه مؤسسه به حدی برسد که بر سپرده‌گذاران، شرکا و اعتباردهندگان تأثیر گذارد،

اجازه افشای آن را به‌جز در موارد تعیین شده در قانون ندارد.

۱. در ماده (۱۵۵) مواردی که در آنها بانک مرکزی می‌تواند اقدامات نظارتی را انجام دهد، مشخص شده است.

۲. بر اساس این ماده، بانک مرکزی شرایطی را برای مقامات و مدیران بانک‌ها مشخص می‌کند.

۳. در این ماده شرایط پذیرش تعهد مکتوب افراد از سوی بانک مرکزی و وزارت مالی توضیح داده شده است.

ه) مؤسسه به‌طور حتمی یا احتمالی به مرحله ورشکستگی برسد یا احتمالاً نتواند به تعهدات خود عمل کند،

و) سایر مسائل در رابطه با منافع سپرده‌گذاران، شرکا و اعتباردهندگان مؤسسه وجود داشته باشد.

ماده (۱۶۷) - اختیار برای کنترل مؤسسه

درخصوص ماده (۲۶۲)، در صورت وجود شرایط مندرج در ماده (۱۶۵) در مورد مؤسسه، بانک می‌تواند با توافق قبلی با وزارت مالی، با دستور کتبی کنترل و مدیریت تمام یا بخشی از کسب‌وکار، امور یا دارایی‌های مؤسسه را برعهده گیرد یا شخصی را برای این کار تعیین نماید.

ماده (۱۶۸) - آثار کنترل مؤسسه

۱. کنترل و مدیریت مؤسسه تا زمانی که بانک دستور آن را بر نداشته، ادامه می‌یابد.

۲. در طول مدتی که دستور بانک به قوت خود باقی است، رؤسا، مدیران اجرایی و مقامات ارشدی که بانک معین کرده، از کار خود معلق می‌شوند، مگر اینکه بانک آنها را در این مدت در مقام خود ابقا نماید.

ماده (۱۶۹) - اطلاعات و امکانات

۱. در مدت کنترل و مدیریت مؤسسه توسط بانک یا نماینده آن، رؤسا، مدیران اجرایی و مقامات ارشد مؤسسه باید اطلاعات، مدارک و تسهیلات مربوطه را در اختیار بانک یا نماینده آن قرار دهند.

۲. هر شخصی که بند «۱» را رعایت نکند، مرتکب جرم شده و باید به حبس تا هشت سال یا پرداخت جریمه تا ۲۵ میلیون رینگیت و یا هر دو محکوم شود.

ماده (۱۷۶) - دستور انتقال اجباری کسب‌وکار، دارایی‌ها یا تعهدات

۱. وزیر مالی باید به توصیه بانک، شرکتی را تأسیس یا بانک مرکزی را ملزم به ایجاد یک مؤسسه واسطه‌ای کند تا کسب‌وکار، دارایی‌ها یا تعهدات یک مؤسسه مجاز براساس بند «۲» به آن انتقال یابد.

۲. هرگاه هرکدام از شرایط مندرج در ماده (۱۶۵) در مورد یک مؤسسه مجاز، وجود داشته باشد، بانک می‌تواند با توافق وزارت مالی با دستور کتبی تمام یا بخشی از کسب‌وکار، دارایی‌ها یا تعهدات مؤسسه مزبور را به یک مؤسسه واسطه یا شخص دیگر واگذار نماید.

۳. برای اجرای بند «۲»، جدول سوم قانون بانک مرکزی مالزی سال ۲۰۰۹ باید در مورد دستور بانک به‌کار گرفته شود و این دستور باید برای تمام افراد مربوطه الزام‌آور باشد.

بخش ۱۵ - برخوردها و تنبیهات

قسمت اول - اختیارات تحقیق و تفحص

ماده (۲۱۸)

وقتی بانک متقاعد شود که شخصی جرمی را براساس این قانون مرتکب شده، می‌تواند اقدام به تحقیق و تفحص براساس این قانون نماید.

**ماده (۲۱۹)**

بانک می‌تواند مأمور بانک یا سایر افراد معین شده براساس بند «۶-۷» را برای تحقیق و تفحص منصوب کند.

ماده (۲۲۰) - اختیارات مأمور تحقیق و تفحص

۱. مأمور تحقیق و تفحص که براساس ماده (۲۱۹) منصوب شده باید تمام اختیارات و عملکردهای محول شده به بانک در این بخش را داشته باشد و حالتی که از بانک مأمور شده باشد، او باید تمام حقوق قانونی یک مأمور را داشته باشد.

۲. مأمور تحقیق و تفحص باید براساس دستورات، شرایط و محدودیت‌های مشخص شده بانک عمل کند.

ماده (۲۲۱) - اختیارات ورود و جستجو در اماکن**قسمت دوم - اقدامات اداری^۱****ماده (۲۳۴) - اختیارات بانک برای اقدام**

۱. بانک باید موارد زیر را در تعیین اقدام مناسب در هر حالتی در نظر بگیرد:

الف) کارآیی اقدام براساس این قانون،

ب) تناسب اقدام با خلاف انجام شده،

ج) بازدارندگی برای اعمال مشابه توسط اشخاص دیگر،

د) سایر موارد که به اعتقاد بانک اهمیت دارد.

۲. اگر بانک اعتقاد داشته باشد که شخصی مرتکب خلافی شده و برخورد با وی را مناسب می‌داند، می‌تواند مطابق با ماده (۲۶۲) یک یا چند مورد از اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) دستوری را صادر و از شخص بخواهد که از مقررات، دستور، دستورالعمل، استانداردها، شرایط و محدودیت‌ها تبعیت کرده و اعمال خاصی را انجام دهد.

ب) براساس بند «۴» این ماده (۱) جریمه نقدی برای شخص معین کند که:

۱. برای شرکت‌ها بیشتر از پنج میلیون رینگیت و برای افراد بیشتر از یک میلیون رینگیت نباشد.

۲. از سه برابر خالص عایدی انجام خلاف یا زیان اجتناب از آن برای شخص بیشتر نباشد.

۳. نباید از سه برابر پولی که مربوط به خلاف انجام شده است، تجاوز کند.

ج) توبیخ کتبی شخص مرتکب‌شونده خلاف یا ملزم کردن وی به انتشار یک بیانیه عمومی درمورد

خلاف صورت گرفته، درحالی که خلاف انجام گرفته در رابطه با اطلاعات عموم مردم باشد.

د) فرستادن دستوری برای شخص که وی را ملزم به انجام مراحل مشخص نماید، در صورتی که

بانک به دنبال کاهش اثرات خلاف شخص باشد.

ه) فرستادن دستوری برای شخص که وی را ملزم به جبران خسارت‌های وارد بر افراد آسیب‌دیده

از این خلاف نماید.

۳. اگر خلافی به‌وسیله یک شرکت انجام شود، هر اقدامی مطابق بند «۳» می‌تواند بر علیه شخصی صورت گیرد که:

الف) مدیر، کنترل‌کننده، مأمور، شریک یا کسی است که به‌نظر می‌رسد چنین نقشی دارد،

ب) در مدیریت امور آن نقش دارد.

مگر اینکه شخص اثبات کند که ارتکاب خلاف بدون رضایت یا همدستی او صورت گرفته و او تلاش خود را برای ممانعت از آن انجام داده است.

۴. اگر خلاف به‌وسیله شخصی انجام شود که:

الف) مدیر، کنترل‌کننده، مأمور یا شریک شرکتی است یا به‌نظر می‌رسد در آن چنین نقش دارد،

ب) در مدیریت امور شرکت نقشی دارد.

هر اقدامی مطابق بند «۳» می‌تواند علیه شرکت مربوطه هم انجام شود.

۵. به‌منظور اجرای پاراگراف «۳-هـ» بانک برای تعیین میزان پرداخت شخص، باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف) چه اشخاصی در اثر انجام خلاف متحمل زیان شده‌اند،

ب) چه منافعی در اثر انجام خلاف به شخص رسیده است.

۶. هر جریمه نقدی که توسط شخص براساس پاراگراف ۳-ب پرداخت می‌شود، باید در قالب صندوق تلفیقی فدرال پرداخته شود.

۷. وقتی که شخصی جریمه نقدی تعیین شده توسط بانک را براساس پاراگراف ۳-ب در مدت تعیین شده پرداخت نکند، جریمه تعیین شده می‌تواند به‌عنوان بدهی عمومی دولت در نظر گرفته شود.

۸. اگر شخص خسارت‌های ناشی از انجام خلاف را براساس پاراگراف ۳-ب جبران نکند، بانک می‌تواند آنها را به‌عنوان بدهی عمومی دولت در نظر بگیرد.

۹. هیچ چیزی در این ماده نباید بانک را از به‌کارگیری اختیاراتش براساس این قانون، به‌خصوص مواد (۹۴)، (۱۱۶) یا (۱۵۶) یا هر قانون دیگر باز دارد.

ماده (۲۳۵)

اگر بخشی از مبالغی که براساس پاراگراف‌های ۲۳۴-۳-هـ یا بند ۲۳۴-۱۰ توسط شخص مرتکب‌شونده خلاف پس از انجام تلاش کافی به‌دلیل مشکل بودن اطلاع‌رسانی به افراد زیان‌دیده، پرداخت نشود، این بخش از مبالغ باید براساس قانون وجوه ادعا نشده^۱ سال ۱۹۶۵، به حساب وجوه ادعا نشده واريز شود.

ماده (۲۳۶) - اختیار بانک برای تعیین جریمه پولی



بانک می‌تواند برای مؤثر کردن یا اجرای مناسب پاراگراف ۲۳۴-۳-ب-۱ یا برای دستیابی به اهداف نظارتی این قانون، موارد زیر را در صورت لزوم تعیین نماید:

الف) دسته‌بندی خلاف‌های مربوط به این قانون،

ب) تعیین جریمه‌های نقدی مشخص یا محدوده جریمه‌های نقدی معین برای هر دسته از خلاف‌های تعیین شده براساس پاراگراف الف.

ماده (۲۳۷) - درخواست بازنگری تصمیمات بانک

۱. هر شخصی که در نتیجه تصمیم بانک براساس پاراگراف ۲۳۴-۳-ب یا ۲۳۴-۳-هـ-دچار زیان شده است می‌تواند ظرف ۲۱ روز بعد از اطلاع‌رسانی تصمیم مزبور به شخص، درخواستی را به کمیته بررسی جریمه نقدی بفرستد.

۲. تصمیم بانک براساس پاراگراف ۲۳۴-۳-ب یا ۲۳۴-۳-هـ- نباید اجرا شود تا به درخواست صورت گرفته رسیدگی شود.

۳. کمیته بررسی جریمه نقدی می‌تواند تصمیم بانک را تأیید کند یا بانک را ملزم به بازنگری تصمیم براساس نظر کمیته نماید.

ماده (۲۳۸) - کمیته بررسی جریمه نقدی

۱. کمیته‌ای با عنوان کمیته بررسی جریمه نقدی برای اجرای ماده (۲۳۷) تأسیس می‌شود.

۲. کمیته بررسی جریمه نقدی باید شامل حداقل سه و حداکثر پنج عضو باشد که از سوی وزیر مالی از میان مدیران غیراجرایی بانک یا سایر افراد منصوب می‌شوند.

۳. کمیته بررسی جریمه نقدی می‌تواند رویه‌های خود را تعیین نماید.

قسمت سوم - دعاوی مدنی^۱

ماده (۲۳۹) - دعاوی مدنی توسط بانک

اگر بانک احتمال دهد که شخصی خلاقی را انجام خواهد داد یا انجام داده است یا احتمال دهد که با این قانون و مقررات مربوط به آن یا دستور و دستورالعمل‌های مربوط به آن براساس مواد (۹۴)، (۱۱۶)، (۱۵۶)، (۶-۲۱۴) یا (۲۱۶) مطابقت نداشته یا نخواهد داشت، بانک می‌تواند به منظور گرفتن دستور قضایی براساس بند «۱-۲۴۰» علیه شخص مورد نظر، در دادگاه اقامه دعوا نماید.

ماده (۲۴۰) - دستور قضایی توسط دادگاه

ماده (۲۴۱) - دعوی مدنی برای جبران خسارت

ماده (۲۴۲) - دستورات موقتی دادگاه

ماده (۲۴۳) - نقض دستور دادگاه

ماده (۲۴۴) - منع ایجاد تعهد به زیان بانک

ماده (۲۴۵) - سایر اقدامات

ماده (۲۴۶) - اجازه بانک برای استفاده از مدارک در پرونده‌های قضایی

قسمت چهارم - جرایم کیفری^۱

قسمت پنجم - موضوعات عمومی

ماده (۲۶۰) - اختیار وضع مقررات برای وزارت مالی

ماده (۲۶۳) - اختیار استثنا کردن برخی اشخاص از قانون برای وزارت مالی

ماده (۲۶۴) - اختیار تغییر برخی از جداول قانون برای وزارت مالی

ماده (۲۶۶) - اختیار بانک برای انتشار راهنما

۳-۳. قانون بانکداری اسلامی سال ۲۰۱۳

بخش ۲ - اهداف و اختیارات و عملکردهای نظارتی بانک مرکزی

ماده (۶) - اهداف نظارتی

اهداف اصلی نظارتی این قانون، ارتقاء ثبات مالی و مطابقت با شریعت است و در پی‌گیری این اهداف، بانک باید:

الف) موجب پیشرفت در موارد زیر شود:

۱. ایمنی و سلامتی مؤسسات مالی اسلامی،

۲. یکپارچگی و عملکرد منظم بازار پول اسلامی و بازار ارز خارجی اسلامی،

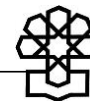
۳. سیستم‌های پرداخت و ابزارهای پرداخت اسلامی ایمن، کارا و قابل اطمینان،

۴. هدایت کسب‌وکار منصفانه، منطقی و تخصصی مؤسسات اسلامی،

ب) در جهت محافظت از حقوق و منافع مصرف‌کنندگان خدمات و محصولات مالی اسلامی تلاش نماید.

ماده (۷) - اختیارات و عملکرد بانک

مشابه قانون بانکداری سال ۲۰۱۳



بخش ۴- الزامات شریعت

- ماده (۲۸)- وظیفه مؤسسه برای تضمین تطابق با شریعت
- ماده (۲۹)- اختیار بانک برای تعیین استانداردهایی در موضوعات شریعت
- ماده (۳۰)- تأسیس کمیته شریعت در هر مؤسسه
- ماده (۳۱)- انتصاب اعضای کمیته شریعت
- ماده (۳۲)- وظایف کمیته شریعت و اعضای آن
- ماده (۳۳)- توقف عضویت در کمیته شریعت
- ماده (۳۴)- اطلاع‌رسانی توقف عضویت در کمیته شریعت
- ماده (۳۵)- اطلاعات لازم برای کمیته شریعت
- ماده (۳۶)- امتیاز مشروط^۱ و وظیفه رازداری
- ماده (۳۷)- انتصاب شخصی توسط مؤسسه برای انجام حسابرسی در مورد تطبیق با شریعت
- ماده (۳۸)- انتصاب شخصی توسط بانک برای انجام حسابرسی در مورد تطبیق با شریعت

پیوست ۴ - بخش‌هایی از قوانین بانکی بلغارستان

۴-۱. قانون بانکداری بلغارستان سال ۱۹۹۲

فصل یازدهم - نظارت بانکی

ماده (۵۳)

۱. بانک مرکزی موظف است بر عملکرد بانک‌ها و همین‌طور عملکرد شعب و دفاتر نمایندگی بانک‌های خارجی در این کشور نظارت نماید. بانک مرکزی می‌تواند هرگونه حساب و سایر مدارک مورد نیاز و اطلاعات در مورد فعالیت‌های بانک‌ها را از آنها بخواهد و اقدام به حسابرسی‌های دوره‌ای و موردی کند.
۲. براساس مواد این قانون، بانک مرکزی باید اقدامات لازم را اتخاذ نماید تا تخلفات در عملکرد بانکی که ایمنی وجوه نقد و سایر اموال سپرده شده به بانک را به خطر می‌اندازد، از انجام معاملات بانکی مناسب ممانعت می‌کند و یا موجب آسیب‌زدن به اقتصاد ملی می‌شود، انجام نشود.
۳. شرکت‌هایی که به‌نظر می‌رسد در شرایطی بدون مجوز به فعالیت‌های بانکی می‌پردازند، باید به درخواست بانک مرکزی اطلاعات و مدارک لازم را ارائه دهند. برای این منظور بانک مرکزی می‌تواند اقدام به بازرسی‌های محلی کند.

ماده (۵۴)

سازمان‌ها و دفاتر دولتی موظفند با مسئولان نظارت بانکی در انجام وظایف آنها همکاری نمایند.

ماده (۵۵)

در هنگام حسابرسی‌ها و بازرسی‌ها، مسئولان نظارت بانکی از اختیارات زیر برخوردارند:

۱. دسترسی به محل اشخاصی که معاملات بانکی را براساس بند «۲» ماده (۱) انجام می‌دهند،
۲. تقاضای اسناد و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای انجام وظیفه محول شده،
۳. به خدمت گرفتن متخصصان،
۴. انجام حسابرسی در سایر بنگاه‌های بانکی و غیربانکی در مورد موضوعات مرتبط با حسابرسی یا بازرسی مورد نظر،
۵. درخواست از دادگاه برای توقیف اموال اشخاصی که موجب وارد آمدن خسارت شده‌اند،
۶. شرکت در جلسات بدنه مدیریت و کنترل اشخاصی که معاملات بانکی انجام می‌دهند (براساس اصلاحیه سال ۱۹۹۵).

ماده (۵۶)

هرگاه مشخص شود که یک بانک برخلاف این قانون یا مقررات مربوط به آن عمل می‌کند یا الزامات نقدینگی و ثبات عملکرد بانکی را رعایت نمی‌کند، بانک مرکزی می‌تواند:

۱ در این بند درباره انواع و شرایط معاملات بانکی توضیح داده شده است.



۱. بانک را ملزم کند تا به منظور برطرف شدن موارد، اقدامات خاصی را انجام دهد.
۲. نمایندگان خود را برای ملاقات با بدنه مدیریتی چنین بانک‌هایی بفرستد تا در مورد اقداماتی در مورد برطرف شدن موارد، مذاکره کنند.
۳. مجمع عمومی سهامداران را با حضور یک عضو مدیریتی بانک تشکیل دهد.
۴. فردی دارای صلاحیت و تجربه لازم را جهت ارائه مشاوره به بانک برای انجام اقدامات لازم برای حل مسائل آن به کار گمارد و دستمزد وی را برعهده بانک قرار دهد.
۵. عملکرد بانک را محدود نماید.
۶. مدیران و نمایندگان بانک را برکنار کند (براساس اصلاحیه سال ۱۹۹۶).
۷. تمام اعضای هیئت‌مدیره و همین‌طور تمام اعضای هیئت ناظران بانک را برکنار کند (براساس اصلاحیه سال ۱۹۹۶).
۸. مجوز داده شده به بانک را لغو نماید (براساس اصلاحیه سال ۱۹۹۶).

۴-۲. قانون بانک ملی بلغارستان سال ۱۹۹۷

بند «۳» ماده (۲۰) - نظارت بر سیستم بانکی توسط معاونت نظارت بانکی صورت می‌گیرد که باید براساس قانون و همین‌طور مقرراتی که خود وضع می‌کند، انجام شود. اقدامات این معاونت و جریمه‌هایی که در راستای اختیارات نظارتی‌اش وضع می‌کند، باید مطابق قانون باشد.

۴-۳. قانون بانک‌ها سال ۱۹۹۷

فصل دوازدهم: نظارت بانکی

ماده (۶۵)

۱. بانک مرکزی می‌تواند اقدامات و مجازات‌هایی را مطابق بند «۲» این ماده در مورد بانک‌هایی اعمال کند که بانک یا یکی از مدیران آن بانک و یا سهامدارانی که بیش از ۱۰ درصد حق رأی دارند، یکی از تخلفات زیر را انجام داده باشند:

۱. تخلف از مواد این قانون و یا سایر قوانین و دستورالعمل‌های بانک مرکزی،
۲. نقض یک وظیفه واگذار شده،
۳. تأثیر منفی مبادلات بانک بر ثبات مالی بانک،
۴. نقض هرگونه تعهدات مکتوب بانک به بانک مرکزی در مورد اقدامات اصلاحی،
۵. انجام مبادلات یا اقداماتی که مغایر با مجوز داده شده به بانک یا هر اجازه دیگری از طرف بانک مرکزی باشد،

۶. ممانعت از اعمال نظارت بانکی،
 ۷. تهدید منافع سپرده‌گذاران،
 ۸. انجام مبادلات یا عملیاتی که در جهت پولشویی یا نقض قانون اقدامات علیه پولشویی و قوانین مرتبط دیگر باشد.
- (براساس اصلاحیه سال ۱۹۹۹)
۲. در هریک از حالت‌های بند «۱» بانک مرکزی می‌تواند:
 ۱. یک اخطار کتبی به بانک صادر نماید؛
 ۲. مجمع عمومی سهامداران را تشکیل دهد یا هیئت‌مدیره و هیئت نظارت را برای برگزاری جلسه به‌منظور اتخاذ تصمیم درباره اقدامات لازم دعوت کند؛
 ۳. دستوراتی را برای توقف تخلفات و انجام اقدامات اصلاحی صادر نماید؛
 ۴. بانک را به رعایت الزامات نظارتی سخت‌تر از حالت عادی وادار کند؛
 ۵. به بانک برای تغییر نرخ‌های بهره و سایر شرایط مربوط به عملیات بانکی دستور کتبی دهد؛
 ۶. فعالیت بانک را از طریق ممنوعیت برخی از مبادلات، اقدامات و عملیات بانکی محدود نماید؛
 ۷. به بانک برای افزایش سرمایه دستور کتبی دهد؛
 ۸. تقسیم سود و توزیع سرمایه در هر شکل ممکن را ممنوع نماید؛
 ۹. برای بانک مشاوره منصوب کند که بتواند در جلسات هیئت‌مدیره و هیئت ناظران بانک شرکت کند؛
 ۱۰. یک حسابرس خارجی که حسابرسی مالی یا انواع دیگر حسابرسی را مطابق الزامات تعیین شده از سوی بانک مرکزی انجام دهد را منصوب نماید. هزینه‌های مربوطه برعهده بانک می‌باشد؛
 ۱۱. به بانک برای عزل یک یا تعداد بیشتر از مدیران و معرفی افراد جدید دستور کتبی دهد؛
 ۱۲. به سهامداران بانک برای انتقال سهام در مدت ۳۰ روز دستور کتبی دهد. در این حالت سهامدار نمی‌تواند پیش از انتقال سهام خود از حق رأی خود استفاده کند؛
 ۱۳. برای مجوز فعالیت‌های بانکی شرایط اضافی اعمال نماید؛
 ۱۴. دو یا تعداد بیشتر مأمور در بانک برای دوره زمانی معین منصوب نماید؛
 ۱۵. مجوز فعالیت و سایر اختیارات داده شده به بانک را لغو کرده و در صورتی که پیش از لغو مجوز، مأموری را منصوب نکرده باشد، مأمورانی در بانک منصوب نماید.

ماده (۶۷)

بانک‌ها و سایر اشخاص برای صدور مجوزها، توافقی‌نامه‌ها، مدارک و سایر خدمات مربوط به نظارت بانکی باید مبالغی را به بانک مرکزی پرداخت کنند که مقدار و نحوه پرداخت آن توسط هیئت‌مدیره بانک مرکزی تعیین می‌شود.



پیوست ۵ - بخش‌هایی از قانون بانکداری افغانستان سال ۱۳۹۴

فصل نهم - گزارش‌دهی

ماده (۹۷) - گزارش‌دهی

۱. بانکی که در قلمرو افغانستان فعالیت می‌نماید مکلف است گزارش‌هایی را در موارد زیر تهیه و به بانک افغانستان ارائه نماید:

- وضعیت مالی شامل وضعیت کفایت سرمایه و توانایی مالی بانک و شرکت‌های تابع و وابسته،
- وضعیت سیالیت،
- اداره و عملیات،
- قروض غیرقابل حصول و حاصل نشده و ذخایر مالی تخصیص یافته،
- وضعیت ارزهای خارجی،
- نرخ سود،
- اطلاعات پولی،
- اعتبارات و تسهیلات مالی عرضه شده قابل توجه،

- سایر گزارشات در مطابقت با معیارها و شیوه‌های پذیرفته شده نظارتی بین‌المللی،

- بانک اسلامی بنابر فعالیت‌های متفاوت نسبت به بانک‌های متعارف گزارش‌های اضافی از فعالیت‌های خود ارائه می‌نماید.

۲. نحوه و مشخصات گزارش‌های مندرج در بند «۱» این ماده و زمانبندی ارائه آنها، توسط بانک افغانستان تنظیم می‌گردد.

۳. شعب داخلی و دفتر نمایندگی بانک غیرمقیم در افغانستان مکلف به تهیه و ارائه گزارش در مورد اداره و عملیات خود به بانک افغانستان می‌باشد. نحوه و مشخصات گزارش مذکور و زمانبندی ارائه آن توسط بانک افغانستان تعیین می‌شود.

۴. بانک افغانستان می‌تواند علیه بانک، مؤسسه مالی و نماینده آنها در صورت ارائه گزارش ناقص و نادرست، تأخیر در گزارش‌دهی، ارائه گزارش غلط و گمراه‌کننده مطابق حکم مندرج در ماده (۱۰۸) این قانون اقدام نماید.

۵. احکام مندرج در این ماده تا حدودی که بانک افغانستان مناسب تشخیص دهد بر مؤسسه مالی غیربانکی فعال در افغانستان و نماینده آن نیز قابل تطبیق می‌باشد؛ مگر اینکه توسط بانک افغانستان از این امر مستثنی شده باشد.

ماده (۹۸) - اطلاعات مورد نیاز

۱. بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و نمایندگی آنها و سایر شرکت‌ها و سازمان‌هایی که به اعطای اعتبار

می‌پردازند، مکلفند اطلاعات مورد نیاز در رابطه با وظایف نظارتی را جمع‌آوری و در اختیار بانک افغانستان یا سایر اداراتی که بانک افغانستان مجاز می‌داند، قرار دهند.

۲. بانک افغانستان موظف است براساس مسئولیت‌هایی که در قبال مؤسسات بین‌المللی دارد، اطلاعات مورد نیاز را از بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی جمع‌آوری و تنظیم نماید.

۳. بانک افغانستان به‌جز موارد تصریح شده در قانون، نمی‌تواند اطلاعاتی را به سایر افراد افشا کند که در اثر آن شهرت و هویت اشخاص و شرکت‌ها افشا شود، مگر اینکه اطلاعات قبلاً در اختیار عموم قرار گرفته یا جهت انجام وظایف مربوطه در اختیار دفتر ثبت خصوصی و دفتر ثبت اعتبارات عامه قرار گرفته باشد.

۴. بانک افغانستان می‌تواند جهت انجام وظایف نظارتی، اطلاعات مندرج در بندهای «۱» و «۲» این ماده را به ناظران و مقامات ذی‌صلاح ارائه کند که طبق احکام قانون و مقررات محرمانه بودن اسناد مالی و بانکی، اجازه دریافت اطلاعات مذکور را دارند.

ماده (۹۹) - نظارت

۱. بانک‌های داخلی، شرکت‌های تابع و وابسته، شعب و دفاتر نمایندگی بانک‌های غیرمقیم که در افغانستان فعالیت می‌نمایند توسط مقام ناظر بانک افغانستان نظارت می‌شوند.

۲. شرکت‌های تابع و وابسته خارجی بانک‌های داخلی یا شعب و دفتر نمایندگی بانک‌های غیرمقیم که در افغانستان فعالیت می‌کنند، توسط مقام ناظر مندرج در بند «۱» این ماده که شامل اشخاص تعیین شده توسط مرجع ذی‌صلاح خارجی مطابق توافقنامه منعقد شده بین بانک افغانستان و آن مرجع می‌باشد، نظارت می‌شوند.

۳. بانک افغانستان و مقام ناظر آن جهت تطبیق احکام مندرج در بندهای «۱» و «۲» این ماده دارای صلاحیت‌های زیر می‌باشند:

- ورود به دفتر بانک یا شرکت تابع یا وابسته آن و تفتیش حساب‌ها، دفاتر، اسناد و سایر مدارک بانک یا شرکت تابع و وابسته آن.

- کسب اطلاعات از اعضای هیئت‌نظار و هیئت‌عامل یا سایر تشکیلات مشابه، کارکنان و نماینده بانک یا شرکت تابع یا وابسته آن در مورد موضوعات مربوط به اداره و فعالیت‌های بانک یا شرکت تابع یا وابسته آن.

۴. بانک‌های داخلی، شرکت‌های تابع و وابسته، دفاتر و شعب داخلی یا نمایندگی آنها مکلفند به مقام ناظر بانک افغانستان اجازه ورود به دفاتر خود را داده و در انجام وظایف با آنها همکاری نمایند.

۵. بانک افغانستان می‌تواند حسب ضرورت جهت دسترسی به حساب‌ها، دفاتر و سایر اسناد بانک‌ها یا شرکت‌های تابع یا وابسته آن از مراجع تنفیذ قوانین، تقاضای همکاری نماید.

۶. بانک افغانستان نمی‌تواند براساس درخواست اشخاص یا سایر ادارات به بازرسی بانک‌ها، شرکت‌های



تابع، وابسته و شعب یا دفاتر نمایندگی آنها، تهیه و ارائه اطلاعات اقدام نماید، مگر اینکه در این قانون به طوری تصریح گردیده یا توسط دادگاه ذی صلاح تجویز شده باشد و یا از طرف مرجع ذی صلاح بانک خارجی چنین تقاضایی صورت گرفته باشد.

۷. بانک افغانستان مکلف است گزارش بررسی خود را تهیه و در مدت سه ماه بعد از اتمام بررسی به بانک، شرکت تابع، شرکت وابسته و یا دفتر نمایندگی مذکور ارائه نماید.

فصل دهم - اقدامات اصلاحی و تنفیذی فوری

ماده (۱۰۰) - اطلاعیه وضعیت کمبود سرمایه

۱. هرگاه بانک در وضعیت کمبود، کمبود قابل ملاحظه یا کمبود حاد سرمایه قرار گیرد، مکلف است موضوع را در اسرع وقت به طور کتبی به بانک افغانستان اطلاع دهد.

۲. بانک افغانستان می‌تواند نظر به محاسبه خویش هر یکی از حالات کمبود مندرج در بند «۱» این ماده را در بانک تشخیص داده و در مورد آن در اسرع وقت به بانک مذکور به طور کتبی اطلاع دهد.

ماده (۱۰۱) - طرح احیای سرمایه

۱. بانک افغانستان مکلف است بعد از دریافت یا صدور اطلاعیه مندرج در ماده (۱۰۰) این قانون، اطلاعیه کتبی مبنی بر تصمیم خویش جهت صدور یکی از دستورهای ذیل را به بانک صادر نماید:

- ارائه طرح احیای سرمایه بانک غرض تصویب به بانک افغانستان یا بازنگری طرح احیای سرمایه ارائه شده قبلی حسب احوال به نحوی که برای بانک افغانستان قابل قبول باشد.

- مکلف ساختن بانک به تطبیق یکی از احکام مندرج در مواد (۱۰۲)، (۱۰۳) و (۱۰۴) این قانون، حسب تشخیص بانک افغانستان.

۲. بانک مکلف است طرح احیای سرمایه مندرج در جزء «۱» بند «۱» این ماده، جزئیات، نحوه احیای سرمایه تا حد مشخص شده و مدت زمان دستیابی به آنها را مشخص نماید.

ماده (۱۰۲) - محدودیت‌های قابل تطبیق بر بانک مواجه با کمبود سرمایه

۱. بانک مواجه با کمبود سرمایه نمی‌تواند به اقدامات ذیل مبادرت ورزد:

الف) انجام فعالیت‌های جدید بدون اجازه قبلی کتبی بانک افغانستان،

ب) افزایش دارایی‌های عیار شده براساس خطر بیش از پنج درصد. ارقام و دارایی‌های شامل یا خارج بیلانس شیت که اندازه خطر آنها سنجش شده است نیز شامل دارایی‌های متذکره می‌باشد،

ج) اقدام به توزیع سرمایه،

د) پرداخت امتیازات پولی اختیاری به اعضای هیئت نظار و هیئت عامل.

۲. محدودیت‌های مندرج در ماده (۱۰۳) این قانون بر بانکی که با کمبود سرمایه مواجه است و تا موعد

مشخص شده، طرح قابل قبول جهت احیای سرمایه را به بانک افغانستان ارائه نکرده یا در تطبیق طرح تصویب شده قصور نموده باشد، نیز قابل تطبیق است.

۳. بانک افغانستان می‌تواند محدودیت‌های مندرج در ماده (۱۰۳) این قانون را بر بانک مواجه با کمبود سرمایه وضع نماید، مگر اینکه به بانک افغانستان ثابت شود که وضع این محدودیت‌ها برای تطبیق موفق طرح احیای سرمایه تصویب شده بانک افغانستان، ضروری می‌باشد.

ماده (۱۰۳) - محدودیت‌های قابل تطبیق بر بانک مواجه با کمبود قابل ملاحظه سرمایه بانک مواجه با کمبود قابل ملاحظه سرمایه نمی‌تواند علاوه بر اقدامات مندرج در بند «۱» ماده (۱۰۲) این قانون بدون اجازه کتبی قبلی بانک افغانستان به اقدامات ذیل نیز مبادرت ورزد:

۱. پرداخت نرخ سود بیشتر نسبت به نرخ مارکیت برای سپرده‌ها.
۲. افزایش دارایی‌های تعدیل شده نسبت به خطر بیش از یک و بیست و پنج صدم (۱/۲۵) درصد در هر ربع. اقلام و دارایی‌های شامل یا خارج بیلانس شیت که اندازه خطر آنها سنجش شده است، شامل دارایی‌های متذکره می‌باشد.
۳. افزایش پرداخت‌ها یا امتیازات و اعطای پرداخت تشویقی به اعضای هیئت نظار و هیئت عامل.
۴. معامله با اشخاص وابسته بانک.
۵. انتقال وجوه به حساب اشخاص وابسته بانک.
۶. قبول سپرده از بانک معامله‌دار یا تجدید سپرده‌های موجود یا انتقال آنها به حساب دیگر.

ماده (۱۰۴) - تدابیر اضافی قابل تطبیق بر بعضی از بانک‌ها

۱. بانک افغانستان می‌تواند بانکی را که با کمبود سرمایه یا کمبود قابل ملاحظه سرمایه مواجه است و قادر به ارائه طرح به موقع تجدید سرمایه نبوده یا طرح تجدید سرمایه تصویب شده بانک افغانستان را به طور مناسب عملی ننموده باشد، به اتخاذ یک یا بیش از یکی از اقدامات ذیل مکلف نماید:

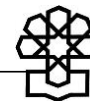
۱. مقدار کافی از سهام خویش را جهت فروش عرضه کرده تا بعد از فروش آن، بانک سرمایه کافی داشته باشد.

۲. از جانب یک بانک متبوع تصاحب شود یا با یک بانک دیگر ادغام گردد.

۳. فعالیت‌هایی که توسط بانک، یا شرکت تابع یا وابسته آن انجام می‌گردد و بنابر تشخیص بانک افغانستان چنین فعالیت‌هایی بانک را با خطر جدی مواجه می‌سازد، تغییر یا کاهش دهد یا لغو نماید.

۴. یکی از اعضای هیئت نظار یا هیئت عامل را عزل یا تعویض نموده یا به طور کلی هیئت نظار یا هیئت عامل جدید را حسب احوال انتخاب نماید. حالات مندرج در ماده (۱۰۸) این قانون از این حکم مستثنی می‌باشد.

۵. فروش یا انحلال شرکت‌های تابع یا وابسته بانک که بنابر تشخیص بانک افغانستان در وضعیت



وخیم قرار داشته و بانک را با خطر جدی مواجه سازد.

۶. اتخاذ سایر اقداماتی که بنابر تشخیص بانک افغانستان جهت دستیابی به سرمایه کافی، ضروری پنداشته می‌شود.

۲. بانک افغانستان می‌تواند در تمام احوال دستور عزل شخص مذکور را در مطابقت با حکم مندرج در ماده (۱۰۸) این قانون را صادر نماید.

ماده (۱۰۵) - شرایط تأیید درخواست‌های بانک‌های مواجه با کمبود، کمبود قابل ملاحظه و کمبود حاد سرمایه

بانک افغانستان می‌تواند اجازه کتبی مندرج در اجزای «۱» و «۲» بند «۱» ماده (۱۰۲) یا حکم مندرج در ماده (۱۰۳) این قانون را در رابطه با درخواست ارائه شده صرف در حالات ذیل صادر نماید:

۱. در صورتی که بانک افغانستان طرح احیای سرمایه بانک یا تعدیلات ضروری در آن را تصویب کرده باشد.
۲. در صورتی که بانک افغانستان اطمینان حاصل نماید که بانک طرح مندرج در جزء «۱» این ماده را به‌طور مناسب تطبیق می‌نماید و قادر به تحقق اهداف طرح تا موعد مشخص شده می‌باشد.
۳. در صورتی که بانک افغانستان اطمینان حاصل نماید که اقدامات پیشنهادی با طرح مطابقت داشته و موجب تحقق اهداف مربوط می‌گردد.

ماده (۱۰۶) - تدابیر مرتبط با بانک مواجه با کمبود حاد سرمایه

۱. هرگاه بانک با کمبود حاد سرمایه مواجه شود، بانک افغانستان مکلف است حداکثر در خلال مدت ۳۰ روز بعد از دریافت اطلاعیه یا تشخیص کمبود حاد سرمایه بانک، حسب احوال برای بانک، متولی یا مدیر تصفیه را انتصاب نماید.

۲. بانک مواجه با کمبود حاد سرمایه تا زمان انتصاب متولی یا مدیر تصفیه تابع محدودیت‌های احکام مندرج در مواد (۱۰۳)، (۱۰۴) و (۱۰۵) این قانون می‌باشد.

۳. بانک مواجه با کمبود حاد سرمایه نمی‌تواند با توجه به احکام مندرج در بندهای «۱» و «۲» این ماده به اقدامات ذیل مبادرت ورزد:

- سپرده جدید را قبول نماید.

- اصل یا سود دین مؤخر یا مقدم خویش را که مشخصات سرمایه را دارا می‌باشد، پرداخت نماید.

- معاملات عمد که از امور کاری عادی بانک محسوب نمی‌شود، به شمول سرمایه‌گذاری، توسعه مالکیت‌ها و فروش دارایی‌ها یا سایر اقداماتی که مطابق احکام این قانون، ایجاب اطلاع‌دهی یا کسب اجازه بانک افغانستان را می‌نماید، انجام دهد.

۴. تغییرات عمده را در شیوه محاسبه خویش وارد نماید.

ماده (۱۰۷) - اقدامات در مورد تخطی‌ها و انجام سایر فعالیت‌های غیرایمن و ناسالم بانک

۱. سهمیم بودن بانک یا یکی از اعضای هیئت نظار، هیئت عامل یا شخص دارای سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت در بانک یا شخص دیگری که در اجرای امور بانک دخالت دارد، در موارد ذیل تخلف پنداشته می‌شود:

- عدم رعایت احکام این قانون، مقرره‌ها و دستورهای کتبی بانک افغانستان یا موافقتنامه‌هایی که بانک افغانستان مطابق احکام این قانون منعقد نموده است.

- عدم رعایت شرایط یا محدودیت‌های منضمه جواز بانکداری یا اجازه‌نامه‌هایی که بانک افغانستان برای بانک یا شخص صادر کرده است.

- اشتراک در فعالیت‌های غیرایمن و ناسالم مربوط به بانک.

۲. بانک افغانستان می‌تواند در رابطه با تخطی‌های مندرج در بند «۱» این ماده حسب احوال اقدامات ذیل را اتخاذ نماید:

- عقد موافقتنامه کتبی درخصوص با اقدامات اصلاحی با بانک یا شخص مورد نظر،

- صدور دستور کتبی مبنی بر مکلف ساختن بانک یا شخص مورد نظر به اتخاذ اقدامات اصلاحی تجویز شده بانک افغانستان،

- صدور دستور کتبی مبنی بر پرداخت جریمه نقدی،

۳. دستور کتبی مندرج در جزء «۳» بند «۲» این ماده با نظر داشت شرایط ذیل صادر می‌گردد:

- اندازه شدت و خفت تخطی،

- اندازه تأثیرات وارده یا احتمالی ناشی از تخطی بر بانک و سپرده‌گذاران،

- حدود عمدی بودن یا تکرار تخطی،

- وضعیت مالی بانک یا شخص مورد نظر.

ماده (۱۰۸) - دستور عزل

۱. بانک افغانستان می‌تواند با صدور دستور کتبی، بانک را مکلف نماید تا عضو هیئت نظار یا هیئت عامل بانک را که بنابر تشخیص بانک افغانستان برای عضویت در هیئت متذکره براساس دلایل ذیل مناسب تلقی نمی‌شود، عزل کند:

- به سبب عدم تکمیل شرایط مندرج در ماده (۵۸) این قانون،^۱ شرایط عضویت در هیئت مذکور را از دست داده باشد.

- در ایفای وظایف محوله خویش از حکم مندرج در ماده (۵۹) این قانون^۲ در رابطه با طرز سلوک تخطی ورزیده باشد.

۱. در این ماده، شرایط عضویت هیئت نظار و هیئت عامل بانک‌ها بیان شده است.

۲. در این ماده، وظایف اعضای هیئت نظار و هیئت عامل بانک‌ها بیان شده است.



- در تخطی‌ها و انجام سایر فعالیت‌های غیرمستون و ناسالم مندرج در بند «۱» ماده (۱۰۷) این قانون سهیم بوده باشد.

۲. بانک افغانستان مکلف است، حین صدور دستور کتبی مندرج در بند «۱» این ماده، شدت یا خفت تخطی‌ها یا انجام فعالیت‌های غیرمستون و ناسالم عضو را به شمول تأثیرات سوء ناشی از تداوم فعالیت وی در این پست را بر منافع سپرده‌گذاران و دائینین بانک در نظر گیرد.

۳. بانک افغانستان می‌تواند در دستور مندرج در بند «۱» این ماده مطالب ذیل را نیز تصریح نماید:

- ممانعت از اشتراک شخص مذکور (به هر شکل) در انجام امور بانک.

- ممانعت از اعمال حق رأی مستقیم یا غیرمستقیم شخص در بانک.

- مکلف ساختن شخص مذکور به فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم

وی در بانک.

- ممانعت از احراز پست یا اشتراک شخص مذکور در فعالیت‌های هریک از بانک‌ها یا شرکت‌های

متعلق به عین گروه مالی، مگر با اجازه کتبی بانک افغانستان.

۴. بانک افغانستان می‌تواند دستور مندرج در این ماده را علیه شخصی که قبلاً به‌عنوان مدیر تصفیه یا عضو هیئت نظار یا هیئت عامل بانک ایفای وظیفه نموده است، نیز صادر نماید.

۵. احکام مندرج در این ماده، بر عضو هیئت نظار یا هیئت عامل شرکت‌های متعلق به عین گروه مالی بانک، به عین ترتیب نیز قابل تطبیق می‌باشد.

ماده (۱۰۹) - تعلیق وظیفه شخص مظنون به ارتکاب جرم

۱. بانک افغانستان مکلف است در صورتی که شخص مندرج در بند «۱» ماده (۱۰۸) این قانون به ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه مانند پولشویی و تأمین مالی تروریسم مظنون باشد، تا صدور حکم نهایی دادگاه ذی‌صلاح، دستور کتبی مبنی بر تعلیق از وظیفه و ممانعت از اشتراک وی را در فعالیت بانک صادر نماید. جرائم ناشی از فعالیت‌های سیاسی و مذهبی از این حکم مستثنی است.

۲. بانک افغانستان مکلف است بعد از صدور حکم نهایی دادگاه ذی‌صلاح مبنی بر محکومیت شخص مذکور که قابل تجدیدنظرخواهی نباشد، با صدور دستور کتبی حاوی یک یا تمام اجزای مندرج در بند «۳» ماده (۱۰۸) این قانون، وی را از وظیفه عزل نماید.

ماده (۱۱۰) - فروش یا واگذاری اجباری سهام

هرگاه شخص مطابق احکام مندرج در مواد (۱۰۸) و (۱۰۹) این قانون مکلف به فروش یا واگذاری سهام واجد حق رأی خود باشد، ولی در خلال موعد مشخص شده، آن را فروش یا واگذار ننماید، در این صورت بانک افغانستان می‌تواند دستور فروش سهام مذکور را از طریق مزایده علنی یا به هر شیوه مناسب دیگر صادر نماید.

ماده (۱۱۱) - طرز صدور دستور تنفیذی

۱. بانک افغانستان مکلف است در خلال مدت (۱۵) روز قبل از صدور دستورهای مندرج در مواد (۱۰۱)، (۱۰۷) و (۱۰۸) این قانون موضوع را با صدور اطلاعیه کتبی به بانک یا شخص مندرج در دستور اطلاع دهد. بانک یا شخص مندرج در دستور می‌تواند در صورت عدم قناعت به دستور متذکره اعتراض خویش را به بانک افغانستان ارائه نماید.

۲. هرگاه بانک، بانک افغانستان را قبلاً از مواجه بودن خود به حالت کمبود یا کمبود قابل ملاحظه سرمایه اطلاع دهد، بانک افغانستان مکلف به صدور دستور کتبی مبنی بر ارائه طرح احیای سرمایه به بانک متذکره نمی‌باشد، اما اطلاعیه مبنی بر وضع سایر محدودیت‌های مندرج در احکام مواد (۱۰۲)، (۱۰۳) و (۱۰۴) این قانون را به بانک صادر و فرصت ارائه اعتراض کتبی را اعطا می‌نماید.

۳. طرز ارائه و بررسی اعتراض مندرج در بند «۱» این ماده، در مقرره مربوط، تنظیم می‌شود.

ماده (۱۱۲) - دستورهای موقت

هرگاه بانک افغانستان بنا بر دلایل ذکر شده در اطلاعیه مندرج در بند «۱» ماده (۱۱۱) این قانون تشخیص دهد، که تخطی‌ها، فعالیت ناسالم و غیرمحتاطانه بانک می‌تواند قبل از تکمیل پروسه رسیدگی به آن منجر به افلاس و ورشکستگی بانک، توزیع قابل ملاحظه دارایی‌ها و عواید بانک، وخامت شرایط مالی بانک یا بروز خطر به منافع سپرده‌گذاران بانک یا منافع عامه گردد یا دفاتر یا اسناد بانک به اندازه‌ای غیردقیق و ناقص باشد که بانک افغانستان از طریق پروسه عادی نظارتی قادر نشود تا شرایط مالی بانک یا جزئیات هر معامله دارای اثرات عمده بر وضعیت بانک را تشخیص نماید، در این صورت حسب احوال یکی از دستورهای موقت ذیل را صادر می‌نماید:

۱. مکلف ساختن بانک به اتخاذ اقدامات مناسب حسب تشخیص بانک افغانستان درحالات مندرج در ماده (۱۰۷) این قانون، جهت جلوگیری از وقوع شرایط مندرج در این ماده یا اصلاح نواقص و کاستی‌ها در پروسه ثبت اسناد.

۲. مکلف ساختن بانک به تعلیق وظیفه شخص ذکر شده در اطلاعیه و ممانعت از هرگونه اشتراک مجدد وی در انجام امور بانک در حالات مندرج در ماده (۱۰۸) این قانون.

ماده (۱۱۳) - انجماد موقت

۱. بانک افغانستان می‌تواند در رابطه با اطلاعیه مندرج در بند «۱» ماده (۱۱۱) این قانون تا زمان صدور تصمیم نهایی درخصوص با حالات مندرج در مواد (۱۰۷)، (۱۰۸) و (۱۰۹) این قانون عندالضرورت جهت حفظ دارایی‌ها، وجوه یا سایر اموالی که تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم شخص مندرج در اطلاعیه بوده یا متعلق به وی می‌باشد، حسب احوال یکی از دستورهای ذیل را صادر نماید:

- ممانعت شخص مورد نظر یا شرکت تحت کنترل وی از اتخاذ هرگونه اقدام مبنی بر برداشت،



انتقال، پراکنده نمودن، حذف یا واگذاری دارایی‌ها یا سایر اموال.

- توظیف یک یا بیش از یک نماینده بانک افغانستان جهت تطبیق دستور موقت.

۲. بانک افغانستان می‌تواند در خصوص دستورهای موقت مندرج در بند «۱» این ماده، با صدور هدایت کتبی بانک یا مؤسسه مالی دیگر را مکلف نماید تا حساب یا حساب‌های مربوط به شخص مورد نظر یا شرکت تحت کنترل وی را در بانک یا مؤسسه مالی مذکور به‌طور عاجل منجمد نموده و وجوه موجود در این حساب‌ها را تا صدور هدایت بعدی بانک افغانستان حفظ و نگهداری کند.

ماده (۱۱۴) - انفاذ دستور موقت و انجماد دارایی

۱. دستورهای موقت مندرج در مواد (۱۱۲) و (۱۱۳) این قانون در احوال ذیل مدار اعتبار می‌باشد:

- تا زمان اتخاذ تصمیم بانک افغانستان درباره صدور یا عدم صدور دستور مورد نظر طبق احکام

مندرج در مواد (۱۰۷)، (۱۰۸) یا (۱۰۹) این قانون.

- تا زمانی که دستور توسط کمیسیون با رعایت حکم مندرج در بند «۲» این ماده لغو، تحدید یا

تعلیق گردد مطابق حکم مندرج در ماده (۱۱۵) این قانون.

- تا زمان تشخیص بانک افغانستان مبنی بر صحت اسناد و سوابق به‌طوری که وضعیت مالی بانک را

به شکل مناسب، منعکس سازد در صورتی که دستور مطابق حکم مندرج در جزء «۱» ماده (۱۱۲) این قانون صادر شده باشد.

۲. هرگاه بانک افغانستان بر تصمیم صادره کمیسیون طبق حکم مندرج در بند «۲» ماده (۱۱۵) این قانون مبنی بر لغو، تحدید یا تعلیق دستور موقت قناعت نداشته باشد، می‌تواند درخواست تجدیدنظر را به دادگاه ذی‌صلاح ارائه کند. دستور موقت تا زمان فیصله نهایی دادگاه ذی‌صلاح در مورد تصمیم کمیسیون، مدار اعتبار می‌باشد.

ماده (۱۱۵) - تجدیدنظر دستور موقت توسط کمیسیون

۱. هرگاه بانک یا شخص به دستورهای موقتی که مطابق احکام مندرج در مواد (۱۰۹)، (۱۱۲) یا (۱۱۳) این قانون صادر گردیده، قناعت نداشته باشد، می‌تواند در خلال مدت ۱۰ روز کاری درخواست تجدیدنظر را به کمیسیون ارائه نماید. ارائه درخواست تجدیدنظر، باعث تعلیق انفاذ دستور موقت نمی‌گردد.

۲. کمیسیون می‌تواند تا زمان تکمیل اقدامات مندرج در مواد (۱۰۹) و (۱۱۱) این قانون، انفاذ و تطبیق دستورهای موقت را نظر به ماهیت موضوع، لغو، تحدید یا تعلیق نماید، مشروط بر اینکه کمیسیون موارد ذیل را تشخیص دهد:

- موجودیت احتمال قوی مبنی بر صحت ادعای درخواست‌دهنده،

- وارد شدن خسارت جبران‌ناپذیر به درخواست‌دهنده در صورت عدم قبولی درخواست،

- عدم متضرر شدن بانک افغانستان یا بانک متذکره در صورت قبولی درخواست تجدیدنظر،

- تأمین منافع عامه در اثر قبولی درخواست تجدیدنظر.

ماده (۱۱۶) - صدور، انفاذ و لغو دستور

۱. دستور نهایی یا دستور موقت که مطابق احکام این قانون به بانک صادر می‌شود، کتبی بوده و دربرگیرنده تمام اقداماتی می‌باشد که بانک مکلف به انجام آن است. دستور نهایی یا موقت می‌تواند مدت زمانی را که در جریان آن بانک مکلف به رعایت آن می‌باشد، تعیین کند.

۲. بانک افغانستان مکلف است موعده مشخص شده برای انجام اقدامات و یا زمان رعایت شرایط مندرج در دستور بند «۱» این ماده را در دستورهای مذکور تعیین نماید.

۳. بانک افغانستان مکلف است دستور نهایی یا دستور موقت مربوط به بانک را به دفتر مرکزی آن ابلاغ نماید، هرگاه دستور مربوط به یک شعبه داخلی یا دفتر نمایندگی داخلی یک بانک غیرمقیم باشد، در این صورت بانک افغانستان دستور متذکره را مستقیماً به دفاتر مذکور ابلاغ می‌نماید.

۴. بانک افغانستان مکلف است به پیوست دستور نهایی یا موقت، یک نقل از تصمیم خویش مبنی بر صدور دستور متذکره را توأم با دلایل و ذکر احکام قوانینی که طبق آن اجازه صدور دستور را دارد، به بانک ارسال کند.

۵. دستور نهایی یا دستور موقت از تاریخ ابلاغ آن مدار اعتبار و لازم‌الاجرا بوده، مگر اینکه موعده دستور طبق شرایط مندرج در آن منقضی شده باشد یا بانک افغانستان دستور نهایی و موقت دیگری جایگزین آن کرده یا در اثر درخواست تجدیدنظر طبق تصمیم کمیسیون لغو گردیده یا بانک افغانستان لغو آن را به‌طور کتبی به بانک ابلاغ نماید.

۶. هرگاه بانک افغانستان عدم ضرورت تطبیق دستور را تشخیص دهد، می‌تواند انفاذ دستور نهایی یا موقت را لغو نماید.

۷. مندرجات اساسنامه بانک، جواز، اجازه‌نامه یا اجازه صادره توسط بانک افغانستان به بانک مورد نظر، قرارداد و تفاهمنامه‌هایی که یک طرف آن بانک بوده صرف‌نظر از اینکه تاریخ انفاذ آن قبل یا بعد از صدور دستور نهایی یا دستور موقت باشد، مانع تطبیق دستور صادره بانک افغانستان نمی‌گردد. پرداخت یا انتقال پول به حکم دادگاه ذی‌صلاح یا در اثر تطبیق شرایط مندرج در قرارداد از این حکم مستثنی است.

ماده (۱۱۷) - تجدیدنظر دستور تنفیذی نهایی توسط کمیسیون

۱. شخصی که مطابق احکام مندرج در مواد (۱۰۱)، (۱۰۷)، (۱۰۸) یا (۱۰۹) این قانون علیه وی دستور نهایی صادر شده و به آن قناعت ننماید، می‌تواند در خلال مدت ۳۰ روز از تاریخ دریافت آن، درخواست تجدیدنظر دستور مذکور را به کمیسیون ارائه نماید.

۲. کمیسیون می‌تواند با توجه به سوابق تصمیم بانک افغانستان، دستور را به‌طور کلی یا قسمی تأیید، لغو یا آن را اعاده نماید یا موضوع را جهت اتخاذ سایر اقدامات به بانک افغانستان ارجاع دهد.



۳. آغاز بررسی مجدد مندرج در بند «۱» این ماده باعث تأخیر در انفاذ دستور یا الزامات مندرج در آن نمی‌گردد.

فصل یازدهم - نظارت

ماده (۱۱۸) - شفافیت ساختارهای گروه مالی شامل بانک

۱. گروه مالی شامل بانک مکلف است ساختار اداری خود را طوری تنظیم نماید که بانک افغانستان بتواند مراتب ذیل را تشخیص دهد:

- شخص یا اشخاص اصلی کنترل‌کننده گروه مالی،
- فعالیت‌های تجاری شرکت‌های عضو گروه مالی،
- وضعیت مالی گروه مالی و هر یک از شرکت‌های عضو آن،
- خطرات متوجه گروه مالی و هر یک از شرکت‌های عضو آن،
- کارآیی رویه‌ها و دستورالعمل‌های گروه مالی در رابطه با اداره خطر، تدابیر کنترل داخلی و طرز اداره در سطح گروه مالی شامل بانک،
- روابط تجاری و مالی و سایر روابط بین اعضای گروه مالی شامل بانک.

۲. گروه مالی شامل بانک مکلف است ساختار اداری خویش را طوری تنظیم نماید که اجرای وظایف نظارتی بانک افغانستان، بررسی داخلی و خارجی را با مشکل مواجه نسازد.

۳. بانک عضو گروه مالی مکلف است از حیث شخصیت حکمی مستقل از سایر اعضای گروه مالی شامل بانک، فعالیت‌ها، دارایی‌ها، بدهی‌ها، عواید، مصارف و خطرات متوجه خود را، مجزا از گروه مالی شامل بانک تعیین نماید.

ماده (۱۱۹) - تطبیق الزامات احتیاطی بر گروه مالی شامل بانک

۱. احکام ذیل بر گروه بانکی به‌طور یکجا و بانک‌های شامل در گروه مالی به‌طور انفرادی قابل تطبیق است:

- حکم مندرج در ماده (۶۸) این قانون در رابطه با الزامات سرمایه‌ای بانک‌ها.
 - حکم مندرج در ماده (۷۲) این قانون در رابطه با محدودیت‌های تسهیلات بانکی.
 - حکم مندرج در ماده (۸۳) این قانون در رابطه با سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها.
۲. بانک افغانستان می‌تواند سایر احکام این قانون را بعد از انفاذ مقرره‌ها بر گروه‌های بانکی تطبیق نماید.
۳. گروه مالی شامل بانک مکلف است در رابطه با تکافوی سرمایه‌گذاری‌ها، اعطای تسهیلات بانکی بزرگ و خطرات مبادله اسعار خارجی، دارای سیاست‌گذاری‌ها و رویه‌های مناسب جهت پیشبرد فعالیت‌های تجاری باشد.
۴. شرکت اصلی متبوع در گروه مالی مکلف است از رعایت الزامات مندرج در بند «۳» این ماده اطمینان حاصل کند.

۵. بانک افغانستان مکلف است سیاستگذاری‌ها و رویه‌های هر گروه مالی مندرج در بند «۳» این ماده را حداقل سالی یک بار بررسی و از رعایت آنها اطمینان حاصل کرده و گروه مالی را مکلف سازد تا تعدیلاتی را که بنابر تشخیص بانک افغانستان جهت حفظ بانک یا بانک‌های عضو گروه مالی لازم می‌باشد، در سیاستگذاری‌ها و رویه‌های مذکور وارد نماید.

۶. هرگاه بانک افغانستان تشخیص دهد که سرمایه گروه مالی برای حفظ بانک کافی نمی‌باشد، می‌تواند بانک را مکلف سازد تا سرمایه اضافی را در اختیار گرفته یا به نسبت کفایت سرمایه بالاتر از اندازه معمول فعالیت کند.

ماده (۱۲۰) - سیستم کنترل داخلی و اداره خطر

۱. گروه مالی شامل بانک مکلف است جهت پیشبرد فعالیت‌های مربوط، سیستم مناسب کنترل داخلی و اداره خطرات را ایجاد و آنها را به‌طور منظم تدقیق و تجدید نماید.

۲. شرکت اصلی متبوع در گروه مالی مکلف است از رعایت حکم مندرج در بند «۱» این ماده در سطح تمام گروه مالی شامل بانک اطمینان حاصل نماید.

ماده (۱۲۱) - کفایت سرمایه در شرکت بانکی متبوع

شرکت بانکی متبوع مکلف است جهت پیشبرد فعالیت‌های خویش به‌عنوان منبع قوت مالی برای سایر بانک‌های عضو گروه مالی عمل نموده و اندازه سرمایه کافی را که توسط بانک افغانستان تعیین می‌گردد، حفظ و نگهداری نماید.

ماده (۱۲۲) - طرز اداره شرکت بانکی متبوع

۱. شخصی که به صفت عضو هیئت نظار هیئت عامل یا سایر تشکیلات مشابه در شرکت بانکی متبوع انتصاب می‌شود باید شایسته و مناسب بوده و دارای تجربه کافی و توانایی مسلکی در وظیفه مربوط باشد.

۲. اعضای هیئت نظار، هیئت عامل و سایر تشکیلات مشابه شرکت بانکی متبوع مکلفند، حکم مندرج در ماده (۵۹) این قانون را در رابطه با طرز سلوک رعایت نمایند.

۳. بانک افغانستان می‌تواند معیارهای اداره خوب برای شرکت‌های بانکی متبوع را در مقرره مربوط، تنظیم نماید.

ماده (۱۲۳) - فعالیت‌های شرکت بانکی متبوع

شرکت بانکی متبوع مکلف است صرف فعالیت‌های مالی و مدیریت مؤسسات مالی و سایر فعالیت‌هایی که به‌منظور پیشبرد چنین فعالیت‌هایی لازم پنداشته می‌شود، انجام دهد.

ماده (۱۲۴) - سرمایه‌گذاری توسط شرکت بانکی متبوع

۱. شرکت بانکی متبوع مکلف است از موجودیت سیاستگذاری‌ها و رویه‌ها و توانایی مدیریتی و مالیاتی جهت اجرا و نظارت از سرمایه‌گذاری‌ها در سایر شرکت‌ها اطمینان حاصل نماید.



۲. شرکت بانکی متبوع نمی‌تواند سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت را از شرکتی که مؤسسه مالی نباشد کسب نماید.

۳. هرگاه شرکت بانکی متبوع از سبب ایفای دین که عقد آن با حسن‌نیت صورت گرفته است، سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت در شرکت دیگر را حاصل نماید، در این صورت حکم مندرج در بند «۲» این ماده بر آن تطبیق نمی‌گردد. مشروط بر اینکه سهم مالکیت انتفاعی شرکت بانکی متبوع در خلال مدت یک سال به کمتر از اندازه سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت، تنزیل یابد.

ماده (۱۲۵) - شرکت‌های تابع و وابسته به شرکت بانکی متبوع

۱. شرکت بانکی متبوع می‌تواند صرف مؤسسات مالی را به صفت شرکت‌های تابع و وابسته در اختیار داشته باشد.

۲. شرکت بانکی متبوع مکلف است حداقل ۶۰ روز قبل از تاریخ تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته داخلی به بانک افغانستان به‌طور کتبی اطلاع دهد.

۳. اطلاعیه مندرج در بند «۲» این ماده حاوی موارد ذیل می‌باشد:

- اسم شرکت تابع یا وابسته یا اندازه متوقعه از مالکیت انتفاعی شرکت بانکی متبوع،
- نوع یا انواع فعالیت‌های تجاری شرکت تابع یا وابسته،
- معلومات مالی راجع به شرکت تابع یا وابسته،
- معلومات راجع به طرز اداره شرکت تابع یا وابسته،
- در صورت ایجاد گروه مالی، ساختار اداری آن،
- معلومات راجع به مناسبات متوقعه بین بانک و شرکت تابع یا وابسته مورد نظر،
- سایر معلومات حسب تقاضای بانک افغانستان.

۴. بانک افغانستان می‌تواند در حالات ذیل مانع تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته توسط شرکت بانکی متبوع گردد:

- در صورتی که تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت بانکی متبوع، منافع سپرده‌گذاران را متضرر سازد.
- در صورتی که تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته، مانع تحقق حکم مندرج در ماده

(۱۱۸) این قانون گردد.

۵. هرگاه شرکت بانکی متبوع در خلال مدت ۶۰ روز از تسلیم اطلاعیه مندرج در بند «۲» این ماده، اطلاعیه مبنی بر اعتراض را دریافت نکند، شرکت متذکره می‌تواند به تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته اقدام نماید.

۶. شرکت بانکی متبوع که شرکت تابع یا وابسته را در داخل یا خارج کشور تأسیس یا به‌دست می‌آورد، مکلف است از رعایت موارد ذیل اطمینان حاصل نماید:

- ارائه معلومات ضروری توسط شرکت تابع یا وابسته به شرکت بانکی متبوع جهت فراهم‌آوری زمینه ایفای الزامات مندرج در احکام این قانون.
- اجازه و فراهم‌آوری زمینه نظارت داخل ساحه و دریافت معلومات ضروری به‌منظور انجام مکلفیت‌های مندرج در این قانون به بانک افغانستان.
- عدم ایجاد روابط نزدیک با سایر اشخاص بر اثر تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته که پیشبرد وظایف مندرج در این قانون را برای بانک افغانستان با مشکل مواجه سازد.
۷. هرگاه بنابر تشخیص بانک افغانستان احکام مندرج در بندهای «۲» تا «۶» این ماده رعایت نشده باشد، بانک افغانستان می‌تواند از صدور اجازه به شرکت بانکی متبوع مبنی بر تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته خودداری کرده یا شرکت بانکی متبوع را مکلف به فسخ رابطه نماید.
۸. شرکت بانکی متبوع مکلف است صورت‌حساب‌های مالی شرکت‌های تابع و وابسته خویش را در دفتر مرکزی خود نگهداری نماید.
۹. رویه‌هایی که در رابطه با دستورهای مندرج در ماده (۱۱۱) این قانون وضع می‌گردد، بر دستورهای صادره مندرج در این ماده نیز قابل تطبیق می‌باشد.
- ماده (۱۲۶) - شرکت‌های تابع و وابسته خارجی شرکت بانکی متبوع**
۱. شرکت بانکی متبوع مکلف است قبل از تأسیس یا به‌دست آوردن شرکت تابع یا وابسته خارجی، موافقت قبلی کتبی بانک افغانستان را اخذ نماید. درخواست کتبی غرض اخذ موافقت، حاوی موارد مندرج در بند «۳» ماده (۱۲۵) این قانون می‌باشد. هرگاه شرکت تابع یا وابسته مورد نظر، مؤسسه مالی تحت نظارت باشد، معلومات راجع به سیستم نظارت مالی در کشور خارجی نیز پیوست درخواست می‌گردد.
۲. هرگاه شرکت تابع یا وابسته خارجی مورد نظر، مؤسسه مالی تحت نظارت باشد، در این صورت بانک افغانستان می‌تواند بعد از دریافت درخواست مندرج در بند «۱» این ماده با مرجع ذی‌صلاح کشور خارجی در این زمینه مشورت نماید.
۳. بانک افغانستان می‌تواند درخواست مندرج در بند «۱» این ماده را بنابر عین دلایل مندرج در بند «۴» ماده (۱۲۵) و یا در حالات ذیل رد نماید:
- نظارت مؤثر به شکل تلفیقی، به موجب قوانین کشور متبوع شرکت مذکور الزامی نبوده یا توسط مرجع ذی‌صلاح مربوط اجرا نگردد.
- همکاری مؤثر با مرجع ذی‌صلاح کشور خارجی مربوط میسر نباشد.
۴. بانک افغانستان می‌تواند جهت ایفای وظایف مندرج در احکام این قانون، حسب صلاحدید، شرایط مناسب را درج سند تأیید درخواست مندرج در بند «۱» این ماده نماید.
۵. بانک افغانستان مکلف است در رابطه با مسئولیت و قواعد نظارت از شرکت تابع یا وابسته مندرج در



بند «۱» این ماده با مرجع ذیصلاح کشور خارجی همکاری نماید.

ماده (۱۲۷) - ارائه گزارش توسط شرکت بانکی متبوع

۱. شرکت بانکی متبوع مکلف است علاوه بر ارائه گزارش مندرج در ماده (۲۳) این قانون^۱، گزارش سالیانه‌ای را که حاوی مطالب ذیل می‌باشد نیز به بانک افغانستان ارائه نماید:

- ساختار اداری گروه مالی که شرکت بانکی متبوع عضو آن است به شمول اسم و نوع فعالیت اصلی تجارتي هر عضو گروه مالی و اندازه مالکیت انتفاعی شرکت بانکی متبوع.

- نتایج ارزیابی شرکت بانکی متبوع از کارآیی سیستم کنترل داخلی و اداره خطرات و اداره خوب در جریان سال قبل در سطح گروه مالی خود.

- سایر معلومات که بانک افغانستان به‌طور مستدل جهت ایفای وظایف مندرج در احکام این قانون به آن نیاز دارد.

۲. شرکت بانکی متبوع مکلف است در اسرع وقت در موارد ذیل به بانک افغانستان به‌طور کتبی اطلاع دهد:
- حقایق و شرایطی که به‌طور جدی وضعیت مالی شرکت بانکی متبوع یا شرکت‌های تابع یا وابسته آن را متأثر می‌سازد.

- تغییرات عمده در ساختار اداری گروه مالی که شرکت بانکی متبوع عضو آن محسوب می‌گردد.
- سایر معلومات راجع به اشخاص واجد سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت در شرکت بانکی متبوع، حسب صلاحیت بانک افغانستان.

۳. بانک افغانستان می‌تواند شرکت‌های بانکی متبوع و سایر شرکت‌های شامل گروه مالی شرکت بانکی متبوع را مکلف سازد تا سایر گزارشات را که جهت انجام تکالیف مندرج در این قانون ضروری می‌باشد، ارائه نمایند.

ماده (۱۲۸) - وظایف گزارش‌دهی توسط شرکت مادر

۱. هرگاه در یک گروه مالی بیش از یک شرکت بانکی متبوع شامل باشد، شرکت مادر مکلف به ارائه گزارش مندرج در ماده (۱۲۷) این قانون می‌باشد.

۲. شرکت‌های شامل گروه مالی مکلفند معلومات کافی را در اختیار شرکت مادر جهت ایفای وظایف مندرج در بند «۱» این ماده قرار دهند.

ماده (۱۲۹) - سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت در شرکت بانکی متبوع

بانک افغانستان می‌تواند بنابر موجودیت دلایل موجه جهت ایفای وظایف خویش، احکام مندرج در فصل سوم این قانون را در رابطه با سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت به عین ترتیب برای شرکت‌های بانکی متبوع نیز تطبیق نماید.

۱. در این ماده، شرایط گزارش‌دهی بانک‌ها در مورد تغییرات سهام‌داران بانک بیان شده است.

ماده (۱۳۰) - نظارت شرکت بانکی متبوع

احکام مندرج در ماده (۹۹) این قانون علاوه بر بانک‌ها، شرکت‌های تابع یا وابسته آنها به عین ترتیب بر شرکت‌های بانکی متبوع و شرکت‌های تابع و وابسته آنها نیز قابل تطبیق است.

ماده (۱۳۱) - بازرسی خارجی شرکت بانکی متبوع

۱. احکام مندرج در مواد (۹۴)، (۹۵) و (۹۶) این قانون^۱ علاوه بر بانک‌ها به عین ترتیب بر شرکت‌های بانکی متبوع نیز قابل تطبیق است.

۲. هرگاه در گروه مالی شامل بانک بیش از یک شرکت بانکی متبوع وجود داشته باشد، شرکت مادر در گروه مالی تکالیف مندرج در بند «۱» این ماده را طوری ایفا می‌نماید که حسب تشخیص بانک افغانستان مناسب باشد.

ماده (۱۳۲) - تدابیر و اقدامات اصلاحی جهت کسب سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت در بانک

۱. احکام مندرج در مواد (۱۰۷)، (۱۰۸) و (۱۰۹) این قانون علاوه بر بانک‌ها به عین ترتیب بر اشخاص ذیل نیز قابل تطبیق می‌باشد:

- شرکت‌های تابع و وابسته به بانک،

- شرکت‌های بانکی متبوع و شرکت‌های تابع و وابسته آنها،

- سایر اشخاصی که در بانک‌ها، شرکت‌های بانکی متبوع و در شرکت‌های تحت کنترل آنها دارای سهم استحقاقی ذی‌صلاحیت می‌باشند.

۲. بانک افغانستان مکلف است حین تطبیق حکم مندرج در بند «۱» این ماده، خطرات ناشی از تخطی‌ها، رویه‌ها، معاملات یا شرایط مربوط به عملیات غیرسالم یا غیرمحتاطانه و اثرات آن بر ثبات مالی بانک یا منافع سپرده‌گذاران آن را مدنظر گیرد.

۳. هرگاه در خلال موعدی که از طرف بانک افغانستان تعیین می‌گردد، تخطی‌ها، رویه‌ها، معاملات یا شرایط مربوط به عملیات غیرسالم یا غیرمحتاطانه توسط اشخاص مندرج در بند «۱» این ماده اصلاح نگردد، بانک افغانستان می‌تواند دستوری را که حاوی یک یا تمام تدابیر ذیل باشد، صادر نماید:

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت تابع یا وابسته به بانک باشد، تعلیق سرمایه‌گذاری توسط بانک در شرکت تابع یا وابسته.

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت بانکی متبوع باشد، تعلیق اعمال کنترل شرکت بر بانک به شمول اعمال مستقیم یا غیرمستقیم حق رأی.

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت غیربانکی شامل گروه مالی باشد، تعلیق سایر معاملات اعم از مستقیم یا غیرمستقیم بین شرکت و بانک.

۱. در این مواد درباره وظایف بانک‌ها در مورد بازرسی خارجی و گزارش‌دهی آنها بیان شده است.



- در حالتی که موضوع مربوط به اشخاص واجد سهم استحقاقی ذی صلاحیت در بانک یا شرکت بانکی متبوع، یا شرکت تحت کنترل چنین اشخاص باشد، تعلیق اشتراک سایر اشخاص در امور بانک یا شرکت بانکی متبوع به شمول اعمال حق رأی مستقیم یا غیرمستقیم و تعلیق حق عقد سایر معاملات اعم از مستقیم یا غیرمستقیم بین بانک و چنین اشخاص یا شرکت.

۴. هرگاه بعد از صدور دستور مندرج در بند «۳» این ماده و انقضای مدت اضافی مشخص شده توسط بانک افغانستان، تخطی‌ها، رویه‌ها، معاملات یا شرایط مربوط اصلاح نشود، بانک افغانستان می‌تواند هر یک از اقدامات اصلاحی ذیل را اتخاذ نماید:

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت تابع یا وابسته به بانک باشد، صدور دستور به بانک مبنی بر کاهش سرمایه‌گذاری خود تا اندازه‌ای که شرکت مذکور من بعد به صفت شرکت تابع یا وابسته بانک تلقی نگردد.

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت بانکی متبوع باشد، مکلف ساختن شرکت بانکی متبوع به فروش یا واگذاری کنترل خود بر بانک.

- در حالتی که موضوع مربوط به شرکت تابع یا وابسته به شرکت بانکی متبوع باشد، صدور دستور به شرکت بانکی متبوع مبنی بر فروش یا واگذاری کنترل خود یا اشتراک ۲۰ درصدی در شرکت تابع یا وابسته و یا در بانک.

- در حالتی که شرکت توسط سایر اشخاص واجد سهام استحقاقی ذی صلاحیت در بانک یا شرکت بانکی متبوع کنترل گردد، بانک افغانستان می‌تواند اشخاص مذکور را به فروش سهم استحقاقی ذی صلاحیتشان در بانک یا شرکت بانکی متبوع مکلف نماید.

- در حالتی که شرکت توسط اشخاصی کنترل گردد که در اجرای امور مربوط به بانک سهیم هستند، بانک افغانستان می‌تواند اقداماتی را که به تشخیص خویش جهت ممنوعیت اشتراک شخص یا توقف معاملات میان بانک و شرکت مورد نظر لازم می‌داند، اتخاذ نماید.

۵. در حالات مندرج در بند «۴» این ماده، احکام ماده (۲۳) این قانون قابل تطبیق می‌باشد.

۶. هرگاه شرکت غیربانکی شامل در گروه مالی، طبق احکام قوانین تحت نظارت یک اداره ناظر بخش مالی دیگر قرار گیرد، بانک افغانستان مکلف است قبل از اتخاذ اقدامات مندرج در این ماده علیه شرکت غیربانکی مذکور، طبق حکم مندرج در ماده (۱۳۳) این قانون با اداره نظارتی مذکور مشورت نماید.

۷. بانک افغانستان می‌تواند در شرایط اضطراری غرض حفظ منافع بانک یا سپرده‌گذاران آن، تدابیر مندرج در بندهای «۳» و «۴» این ماده را به‌طور عاجل اتخاذ نماید.

ماده (۱۳۳) - همکاری بین ادارات نظارتی بخش مالی

۱. هرگاه بانک عضو یک گروه مالی مرکب از یک یا بیشتر از یک شرکت باشد که به موجب قوانین کشور

تحت نظارت یک اداره نظارتی دیگر در بخش مالی قرار داشته باشد، بانک افغانستان و اداره نظارتی مذکور مکلفند، با نظرداشت مؤسسه تجارتي حاکم در گروه مالی، طرح وسیع نظارتی گروه مالی را تهیه و جهت تحقق مقاصد نظارتی همکاری نمایند. به منظور تأمین اهداف نظارتی، طرح متذکره باید حاوی جزئیاتی مبنی بر تشریح معلومات بین بانک افغانستان و اداره نظارتی مذکور باشد.

۲. همکاری مندرج در بند «۱» این ماده متضمن جمع‌آوری و مبادله معلومات بین بانک افغانستان و اداره نظارتی در رابطه با حداقل از موارد ذیل می‌باشد:

- تشخیص ساختار اداری گروه مالی به شمول کنترل‌کنندگان اصلی و مدیرانی که فعالیت‌های تجارتي گروه مالی را هدایت می‌نمایند،

- تعدیل در مالکیت، مدیریت یا ساختار اداری گروه مالی،

- فعالیت تجارتي و سیاست‌های استراتژیک گروه مالی،

- وضعیت مالی گروه مالی با تمرکز خاص بر کفایت سرمایه، معاملات با جانب مربوط، منفعت و

اعطای تسهیلات بانکی در سطح گروه مالی،

- طرز اداره شرکت و سیستم‌های کنترل داخلی و اداره خطرات در گروه مالی،

- وضع رویه‌ها در رابطه با جمع‌آوری معلومات از گروه مالی یا مؤسسه تجارتي حاکم در گروه مالی

مذکور، انسجام عملیات تفتیش شرکت‌ها در سطح گروه مالی، مبادله عندالاقضای معلومات بین ادارات نظارتی بخش مالی و تصدیق صحت معلومات متذکره در موارد فوق،

- انکشافات نامناسب در گروه مالی که بانک‌های شامل در گروه مالی را به‌طور جداگانه متأثر نماید،

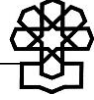
- تدابیر نافذ یا پیشنهاد شده در رابطه با هر یک از شرکت‌های شامل در گروه مالی.

۳. هرگاه بانک با یک شرکتی که به موجب اسناد تقنینی کشور تحت نظارت یک اداره نظارتی دیگر

بخش مالی قرار دارد، به نحوی روابط نزدیک برقرار نموده که طبق احکام این قانون تشکیل گروه مالی

تلقی نگردد، بانک افغانستان و اداره نظارتی مذکور مکلفند معلومات جهت نظارت بر چنین مؤسساتی را

با یکدیگر مبادله کنند.



1. A new approach to financial regulation: judgement, focus and stability, Presented to Parliament by Command of Her Majesty, July 2010. Chapter 3: Prudential Regulation Authority.
2. Act Establishing the Federal Financial Supervisory Authority (Bundesanstalt für Finanzdienstleistungsaufsicht – BaFin), 2002, <https://www.bafin.de/Shared Docs>.
3. Authority of the House of Lords, Banking Supervision and Regulation, 2nd Report of Session 2008–09, London: The Stationery Office Limited, 2009.
4. Banking Act of the Federal Republic of Germany (Kreditwesengesetz, KWG).
5. Bulgaria, Detailed Assessment of Observance, Basel Core Principles for Effective Banking Supervision, 2015. Chapter VI: The Bank of Japan's Business for Ensuring Financial System Stability.
6. Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act 2010, <https://www.sec.gov/about/laws/wallstreetreform-cpa.pdf>
7. Financial Services Act 2012.
8. Germany: Basel Core Principles for Effective Banking Supervision Detailed Assessment of Observance, 2011.
9. <http://dab.gov.af/fa/page/laws-regulations/laws>
10. Japan: Basel Core Principles for Effective Banking Supervision— Detailed Assessment of Compliance, 2012.
11. Japan's financial regulatory responses to the global financial crisis, Kimie Harada, 2015.
12. Jickling, M., Murphy, E.V. (2010). Who Regulates Whom? An Overview of U.S. Financial Supervision. Congressional Research Service report for Congress.
13. Law on Banks, <https://www.microfinancegateway.org>, 1997.
14. Law on the Bulgarian National Bank, 1997.
15. Laws of Malaysia, Act 701, Central Bank of Malaysia Act 2009.
16. Laws of Malaysia, Act 758, Financial Services Act 2013.
17. Laws of Malaysia, Act 759, Islamic Financial Services Act 2013.
18. Malaysia: Basel Core Principles for Effective Banking Supervision, Detailed Assessment of Observance, February 2013.
19. Overview and Structure of Financial Supervision and Regulation in the US, Mirari Uriarte, Karine Gaufillet, 2015.
20. Republic of Bulgaria Banking and Lending Act, 1992.
21. The Bank of England Act 1998, the Charters of the Bank and related documents
22. The Bank of England, Prudential Regulation Authority, Our approach to banking supervision, 2011.
23. The Bank of England's supervision of financial market infrastructures — Annual Report 2016.
24. -The Chartered Insurance Institute, Policy Briefing The UK's new financial services regulatory landscape, 2013 <http://www.cii.co.uk/knowledge/policy-and-public-affairs/articles/the-uk's-new-financial-services-regulatory-landscape/25460>.
25. The Financial Services and Markets Act 2000 (Dissolution of the Board of Banking Supervision) (Transitional Provisions) Order 2001.

26. The German Banking System. A Possible Model for Prospective New EU Members, Klaus F. Broker, 2006.
27. The Structure of Japan's Financial Regulation and Supervision, the Bank of Japan's Role and Monetary Policy, 2009.
28. Thomson Reuters, Banking Regulation – Malaysia, 2014.
29. U.S. Government Publishing Office, 2015. Code of Federal Regulations, Title 12: Banks and Banking, <http://bookstore.gpo.gov>
30. United Kingdom: Basel Core Principles for Effective Banking Supervision Detailed Assessment of Compliance, IMF Country Report No. 11/233, 2011.
31. United States, Detailed Assessment of Observance, Basel Core Principles for Effective Banking Supervision, 2015.



شماره مسلسل: ۱۶۰۵۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی سیستم نظارت بانکی در کشورهای منتخب با تأکید بر قوانین بانکداری

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازارهای مالی)

تهیه و تدوین کنندگان: اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاستگذاری (امیراحمد ذوالفقاری، علی افسری)

همکار: موسی شهبازی غیاثی

ناظران علمی: محمد سلیمانی، صمد عزیزنژاد، سیدمهدی حسینی دولت آبادی

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: امیراحسن امین آزاد، کامران ندری

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. نظارت

۲. نظارت بانکی

۳. قانون بانکداری



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۶/۲۵